

اقتصاد

اقتصادی، تحلیلی

سال سی و یکم - مهر ۱۴۰۲ قیمت: ۳۰۰۰ تومان

مصائب اقتصاد ایران



فراز و فرود تجاری ایران و ترکیه

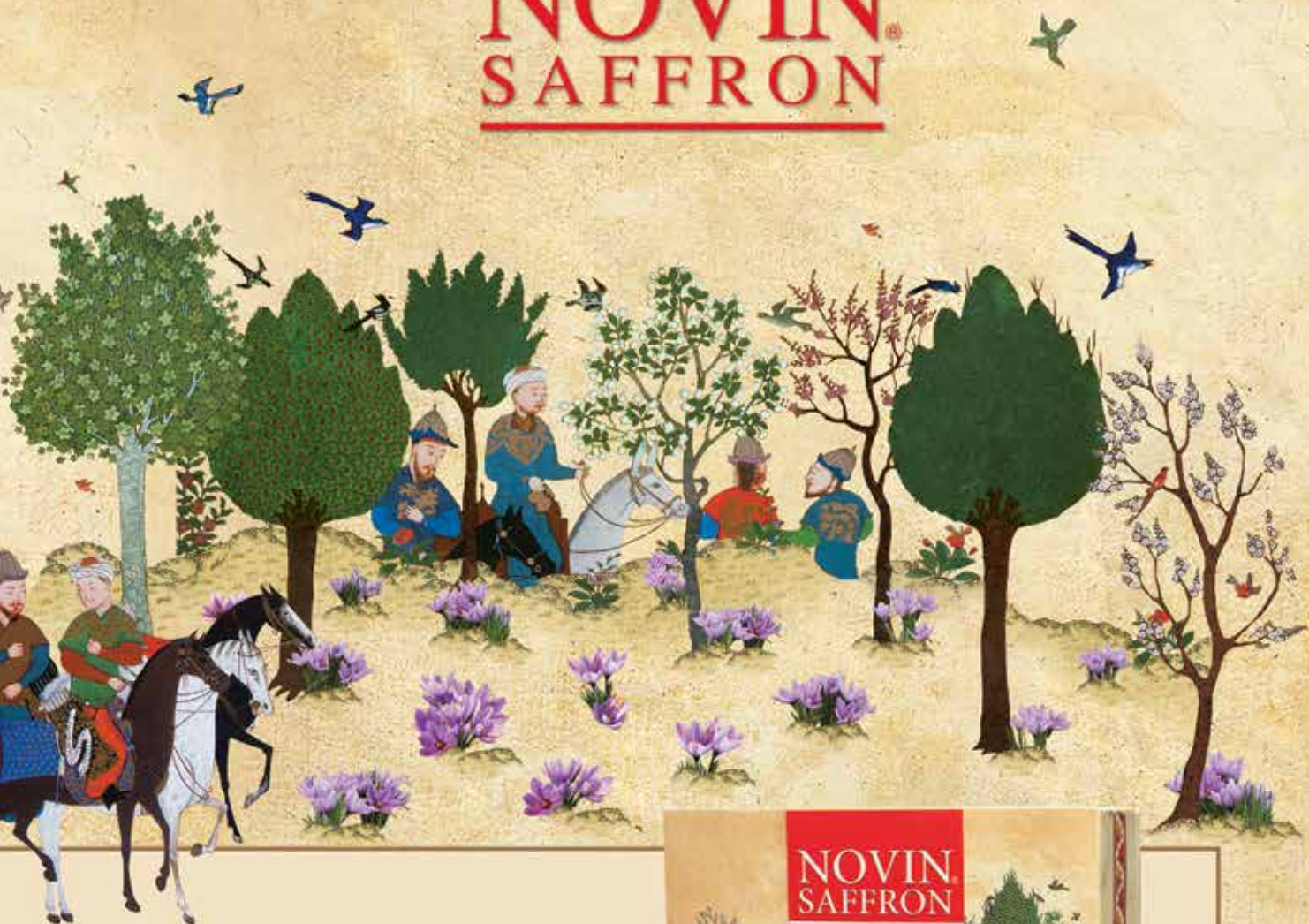
چشم‌انداز کلان اقتصاد ایران

وضعیت مسکن در جهان

نابسامانی فرش دستباف ایران

تهدیدهای جدی ثبات مالی کلان ۲۰۲۳

NOVIN SAFFRON



saffron@novinsaffron.com
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317980](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



۲	یادداشت/ تکنولوژی و رشد اقتصادی
۳	مصائب اقتصاد ایران
۱۲	جایگاه ایران در برخی از رتبه بندی های بین المللی
۱۴	چشم انداز کلان اقتصاد ایران
۱۶	میلیون دلاری های ایرانی
۱۸	ثروتمندان جهان
۱۹	سرمایه گذاری های جذاب برای میلیاردرها
۲۳	فراز و فرود تجاری ایران و ترکیه
۲۸	رد پای صنایع در بحران آب
۳۲	نابسامانی فرش دستباف ایران
۳۸	وضعیت مسکن در جهان
۴۱	تهدیدهای جدی ثبات مالی کلان ۲۰۲۳
۴۸	اقتصاد و کلان داده ها
۵۲	مشکلات بنگاه های خانوادگی
۵۵	رفع مشکلات صادراتی، امیدبخش توسعه خراسان

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سر دبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

نشانی: مشهد - خیابان فلسطین

فلسطین ۱ - ساختمان سروش

طبقه تحتانی

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

تکنولوژی و رشد اقتصادی

دکتر علی چشمی / اقتصاددان

صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا در کره جنوبی حدود ۱۶۰ میلیارد دلار، در ترکیه حدود ۵ میلیارد دلار و در ایران با جمعیتی بیشتر حدود ۲۰۰ میلیون دلار است؛ تفاوتی که طی دهه‌ها ایجاد شده و به راحتی کم نخواهد شد و انباشت دانش در کشورهایمانند کره جنوبی روز به روز تفاوت را با کشورهایمانند ایران بیشتر خواهد کرد. توجه کنید که میانگین رشد تولید بخش صنعت (ساخت) از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۷ در کره جنوبی ۱۷.۵ درصد و در ایران با اندکی تفاوت ۱۴ درصد بوده است؛ سال‌هایی که بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر روند توسعه صنعتی ادامه می‌یافت اکنون وضعیت ایران شبیه به کره یا حتی بهتر بود. اما سال‌های بعد یعنی از ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰ اتفاقاً رشد تولید صنعتی دو کشور تفاوت عجیبی نداشته است: کره جنوبی ۸ درصد و ایران ۵ درصد.

چه چیزی تفاوت بسیار بزرگ توسعه صنعتی در ایران و کره جنوبی را ایجاد کرده است؟ تفاوتی که سایر ابعاد آن در شاخص پیچیدگی اقتصادی نمایان می‌شود. در سال ۲۰۲۱ طبق سایت اطلس این شاخص، در حالی که ایران فقط ۱۶ میلیارد دلار صادرات داشته (به دلیل تحریم‌ها مقدار صادرات کمتر در این شاخص گزارش شده، اما طبق آمار رسمی صادرات کالای نفتی و غیر نفتی ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۰ میلیارد دلار بوده) کره جنوبی ۸۰۳ میلیارد دلار صادرات داشته و رتبه ۳ جهان را در شاخص پیچیدگی به خود اختصاص داده است.

کره جنوبی نه تنها در فناوری ارتباطات (۶۰ میلیارد دلار)، الکترونیک (۱۳۴ میلیارد دلار)، حمل و نقل (۴۵ میلیارد دلار) و انواع خودروها (۴۳ میلیارد دلار) و پلیمرها و لوازم و ماشین‌آلات مختلف صادرات دارد، ۳۵ میلیارد دلار هم نفت پالایش شده صادر کرده است؛ در حالی که ایران با وجود اینکه خودش تولیدکننده نفت خام است در برخی سال‌ها حتی در تامین نیازهای داخلی برای حامل‌های انرژی موفق نبوده است؛ بگذریم که در صنایع با تکنولوژی بالا نتوانسته است به پیشرفتی برسد.

واقعاً چه چیزی این تفاوت چشمگیر را در تکنولوژی و رشد ایجاد کرده است؛ در حالی که از نظر آموزش و سرمایه انسانی به عنوان پایه مهم بهبود تکنولوژی چندان تفاوتی نیست و تفاوت‌ها بیشتر در کیفیت دولت و ماهیت بنگاه‌های اقتصادی دو کشور است. ابتدا باید دولت با کیفیتی وجود داشته باشد که بخواهد و بتواند از بهبود تکنولوژی از مسیر انباشت دانش در بنگاه‌های اقتصادی پشتیبانی کند. این مساله نیاز دارد در سطح حکمرانی، یعنی چه در قانون‌گذاری، چه سیاست‌گذاری و چه فرآیندهای اجرایی دولت، همه نگاه‌ها به بهبود تکنولوژی به عنوان یک منفعت ملی باشد. روابط خارجی، ثبات اقتصادی، معافیت و اعتبار مالیاتی، برنامه‌های تجارت خارجی و جذب سرمایه خارجی باید بر مبنای بهبود تکنولوژی باشد.

نگاه سیاست‌گذار باید به رشد فعالیت‌های صنعتی با تکنولوژی بالا باشد، نه مثل رشد

ادامه در صفحه ۱۱

شاخص‌های اقتصادی در آینه آمار ژرفکاو شد

مصائب اقتصاد ایران

غلامحسین دوانی

عضو شورای ادوار جامعه حسابداران رسمی ایران

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اداره آمار جامعه اروپا مسوولیت محاسبه تولید ناخالص داخلی بر مبنای قدرت خرید را بر عهده دارند. اتحادیه اروپا این شاخص را برای کشورهای اروپایی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه این شاخص را برای کشورهای غیراروپایی عضو این سازمان محاسبه می‌کنند. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم با اهدافی جدای از اهداف اتحادیه اروپا مثلاً مقایسه سطح فقر کشورها و محاسبه خط فقر جهانی چنین کاری را انجام می‌دهند. شاخص «PPP» براساس قانون تک‌نرخ‌ی بنا شده است. این قانون بر این فرض استوار است که از لحاظ تئوری زمانی اگر تفاوت بین نرخ ارزها در نظر گرفته شود، همه کالاها و خدمات قیمت یکسانی خواهند داشت، اما عملاً چنین فرضی در دنیای واقعیات متصور نیست، زیرا هزینه‌های حمل و نقل، مالیات و تعرفه‌های مالیاتی هر کشور با کشورهای دیگر به دلیل توافقات تجاری «که عموماً کاربرد تعرفه‌های پایینی را برای صادرات و واردات عمل می‌کنند» متفاوت بوده که این هزینه‌ها می‌توانند منجر به افزایش قیمت‌ها شوند. از طرف دیگر برخی خدمات نظیر املاک و مستغلات یا اصلاح موی سر قابلیت صادرات ندارند، مضافاً هر فردی امکان دسترسی یکسان به مراودات تجاری را ندارد. برای مثال فردی که در روستایی در چین زندگی می‌کند، نمی‌تواند قیمت گاوا را در سراسر دنیا با هم مقایسه کند. اگر چه سایت آمازون و دیگر مراکز خرده‌فروش‌های

اقتصاد علم حساب و کتاب و عدد و رقم است و بر خلاف سیاست دارای مولفه و مختصات ویژه بوده که در همه جهان می‌تواند کارکرد خود را به نمایش بگذارد. به همین علت گفته می‌شود عدد و ارقام در حسابداری و اقتصاد سخنگو هستند و نیازی به توضیح و اضافات نیست. در اقتصاد همه تلاش یک جامعه در تولید و خدمات سالانه آن جامعه تبلور دارد. مهم‌ترین شاخص اقتصادی در محاسبات توانمندی اقتصادها تولید ناخالص داخلی «Gross Domestic Product=GDP» است. تولید ناخالص داخلی یا ارزش کل بازار کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک کشور در یک بازه زمانی خاص به عنوان یک شاخص کلی برای تولید اقتصادی یک کشور عمل می‌کند. علاوه بر این، تولید ناخالص داخلی نیز خروجی خدمات ارائه شده توسط دولت را در نظر می‌گیرد، مانند پولی که برای دفاع، مراقبت‌های بهداشتی یا آموزش هزینه می‌شود. تولید ناخالص داخلی یا ارزش کل خروجی اقتصادی - کالاها و خدمات - تولید شده در یک بازه زمانی معین توسط هر دو بخش خصوصی و دولتی را بر اساس ارزش اسمی «Gross Domestic Product based nominal» یا ارزش برابری «Gross Domestic Product based Power Purchase Parity=PPP» اندازه‌گیری می‌کند.

برای اینکه بتوان عملکرد اقتصاد یک کشور را سنجید و آن را با دیگر کشورها مقایسه کرد باید یک شاخص اقتصادی یکسان را انتخاب و بر آن اساس توانمندی اقتصادی آنها را اندازه‌گیری کرد. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها تولید ناخالص داخلی به قیمت برابری است. مراجع بین‌المللی پولی و مالی جهان نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول برای اینکه بتوانند تولید ناخالص داخلی همه کشورها را در یک تراز نامه نشان دهند ناچارند که یک مبنای همگانی برای تبدیل ارزهای مختلف کشورهای جهان به عنوان پایه پولی مشترک و یک معیار برابری قابل سنجش در نظر بگیرند. شاخص «تولید ناخالص داخلی» بر مبنای ارزش اسمی برای بررسی داخلی و بر مبنای قدرت خرید برای بررسی اقتصاد جهانی به کار می‌روند. این شاخص برای اولین بار توسط مجله اکونومیست در سال ۱۹۸۶ معرفی شد و خود این مجله هم سالانه کتابچه‌ای بر همین مبنای نام «Pocket World in Figures» منتشر می‌کند.

در محاسبه تولید ناخالص داخلی بر اساس شاخص برابری قدرت خرید فرض بر آن است که اگر تمام کشورها از یک ارز واحد مثلاً دلار آمریکا استفاده می‌کردند، برای خرید کالاها و خدمات چقدر پول باید پرداخت شود. به بیان دیگر این شاخص نرخی است که یک ارز باید به آن مبادله شود تا قدرت خرید یک ارز دیگر را داشته باشد. برابری قدرت خرید مبتنی بر نظریه‌ای اقتصادی است که بیان می‌کند قیمت کالاها و خدمات با گذشت زمان باید در بین کشورها برابر باشند. اگر چه در عالم واقع چنین عملی تاکنون به صورت یکسان انجام نشده است.

آنالین جهانی قادرند برابری قدرت خرید واقعی را حتی برای ساکنان روستایی هم فراهم کنند. از دیگر موارد قابل تامل آن است که هزینه واردات کالا و خدمات به میزان نوسانات نرخ ارز بستگی دارد. برای مثال چنانچه نرخ یورو در مقابل دلار تضعیف شود، اروپایی ها ناچارند پول بیشتری برای واردات کالا یا خدمات از آمریکا هزینه کنند. به ویژه آنکه بزرگ ترین محرک تغییرات نرخ ارز، بازار تبادل ارز خارجی یا فارکس است که می تواند تغییرات زیادی را در ارزش نرخ ارز به وجود آورد، به طوری که وقتی معامله گران تصمیم می گیرند از یک کشور را بفرروشند، به طور موثر می توانند هزینه های آن کشور را کاهش دهند.

نمایش تولید ناخالص داخلی بر مبنای قدرت برابری می تواند برای مقایسه اقتصادهای مختلف به کار رود، اما نباید فراموش کرد که معیار تولید ناخالص داخلی براساس قدرت برابری می تواند نوعاً گمراه کننده باشد، چراکه مثلاً براساس این معیار اقتصاد هندوستان از جمع اقتصاد کشورهای «ژاپن، آلمان و روسیه» بزرگ تر و در رتبه سوم جهان قرار دارد! در حالی که هیچ عقل سلیمی نمی تواند زیر ساخت ها و بنیاد اقتصاد دانش محور و سطح رفاه اجتماعی آلمان و ژاپن را با هندوستان یا حتی چین مقایسه کند. باید یادآوری کرد تفاوت اقتصادهای جهان از این منظر بیشتر شبیه به ارائه کالاها و خدمات عمومی است که عمدتاً ناشی از قیمت سوبسیدی و رانت های موجود در هر کشور و ناشی از تفاوت هزینه زندگی در کشورهای مختلف است. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تولید ناخالص داخلی بر مبنای «PPP» با استفاده مضربی از معیار نرخ رسمی ارز «OER» محاسبه می شود. اما باید توجه کرد در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته «OER» و «PPP» نزدیک به هم هستند، چراکه استانداردهای زندگی این کشورها به آمریکا نزدیک است لذا شاهد تغییر چندانی در رقم تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته بر مبنای قیمت اسمی و قیمت برابری نیستیم.

حقایق جهانی

علاوه بر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، بخش اقتصادی سازمان سیا نیز همه ساله کتابی گزارش گونه به نام حقایق جهانی حاوی اطلاعات گوناگونی پیرامون مولفه ها و مشخصات اقتصادی تک تک کشورهای جهان شامل مختصات جغرافیای سیاسی، اقتصاد، جمعیت شناسی، حکومت، اقتصاد و ارتش کشورهای مختلف منتشر می کند که برای محاسبه تولید ناخالص کشورها از معیار قدرت برابری خرید استفاده می کند.

عقب ماندگی اقتصاد ایران

ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای بزرگ ترین منابع نفت و گاز جهان و ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیر زمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش هایی از ظرفیت های کشور است که متأسفانه قادر به بهره برداری منطقی و عقلانی از این امکانات نشده ایم.

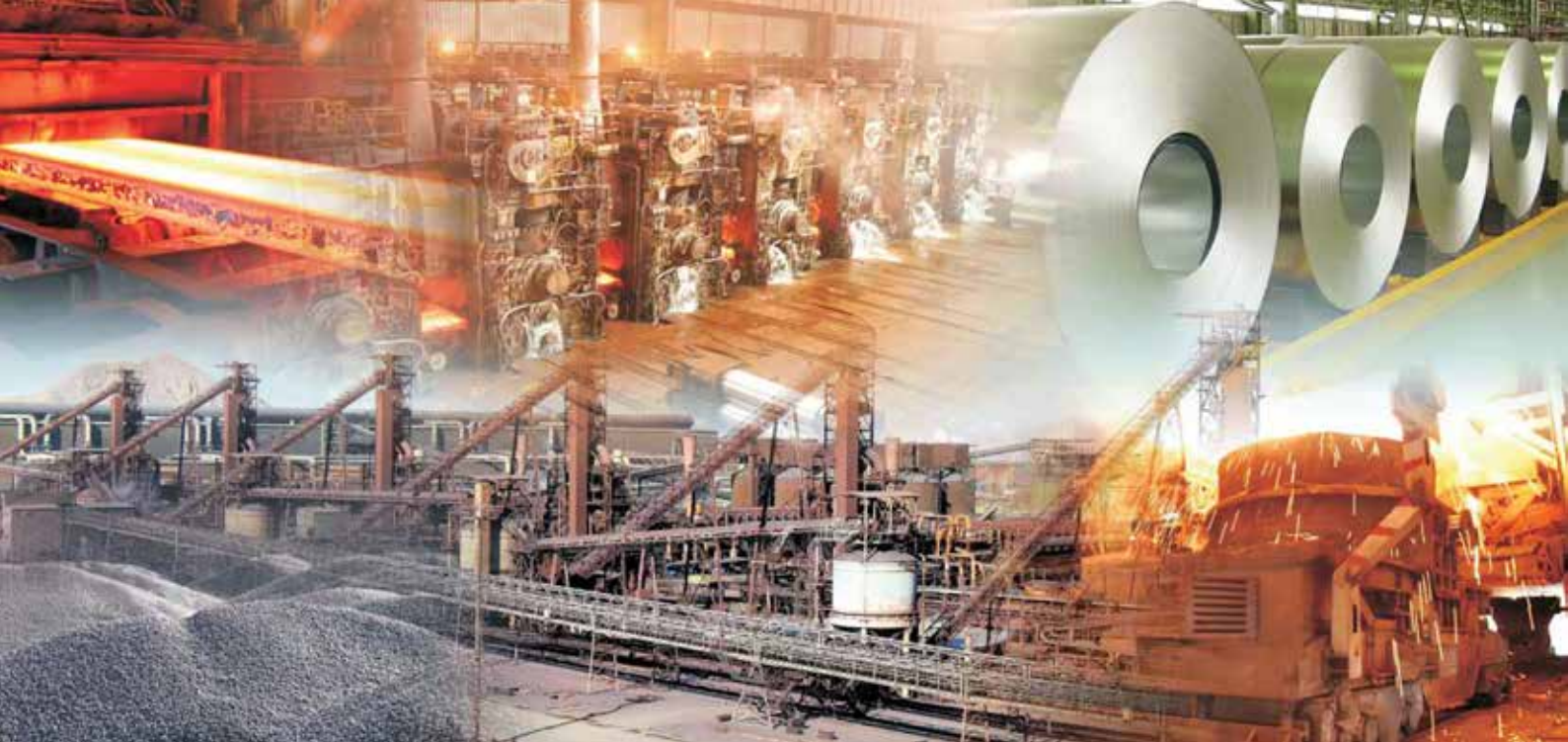
با پیش گفتار فوق، صندوق بین المللی پول در گزارش فصلی اکتبر ۲۰۲۳ خود تصویر کاملی از اقتصاد جهان را با داده های آماری سنوات ۲۰۲۳-۱۹۸۰ را به نمایش گذاشته که این آمارها حکایت از رشد شتابان برخی اقتصادها و در جازدن یا عقب ماندگی برخی دیگر دارد. منبع و مآخذ اطلاعات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سایر مراجع بین المللی براساس آمارهای دریافتی از مراجع آماری کشورهای منطقه گزارشات ادواری بانک های مرکزی کشورهای مختلف هستند، لذا چنانچه دولت ها در آمار و ارقام خود دستکاری کنند این دو نهاد بین المللی نیز گمراه خواهند شد.

دستکاری آمارهای اقتصادی

برای مثال می توان به آمار رشد سال آخر دولت احمدی نژاد (سال ۱۳۹۱) اشاره کرد؛ رشد واقعی آن سال منفی ۵/۸ درصد بوده است که مایه شرمساری بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هم شد. متأسفانه دولت های وقت بدون توجه به نشانه های متقن قیمت ارز در چند دهه اخیر در بسیاری از زمینه های آماری عامدانه تلاش کرده اند نوعی دستکاری اقتصادی را در گزارشات برون مرزی دامن بزنند و آنها توانستند حتی مراکز بین المللی نظیر بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان ملل و موسساتی چون اکونومیست را هم گمراه کنند.

نمونه بارز آن رفتار بانک مرکزی بود که برای پایان اسفند ۱۴۰۰، حجم تولید ناخالص ملی را ۶۷۷/۴۵۰ میلیارد تومان اعلام و ترجمان این رقم را با نرخ دلار ۴۲۰۰ تومانی برای تولید ناخالص داخلی را معادل ۱۵۸۹ میلیارد دلار (به جای ۲۲۰ میلیارد دلار) به مراکز بین المللی ارائه کرد. در حالی که در آن زمان نرخ نیمایی که اساس اقتصاد بر آن شکل گرفته بود ۲۷ هزار تومان و نرخ بازار دلار ۳۲ هزار تومان بود، در نتیجه با هیاهو اعلام شد اقتصاد ایران رتبه ۱۸ جهان را کسب کرده در حالی که به واقع ایران رتبه ۵۳ را دارا بود.

به همین علت در گزارش اخیر صندوق بین المللی پول در یکی از پانویس های آن تاکید شده که برای محاسبه معادل دلاری تولید ناخالص داخلی ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد، به جای نرخ رسمی ارز (دلار ۴۲۰۰ تومانی) از نرخ سامانه نیما استفاده کرده است، چراکه از نظر این نهاد، این رقم «ارزش برابری متناسب با تراکشن» را بهتر از نرخ رسمی منعکس می کند. در زمان انتشار این گزارش قیمت فروش هر دلار آمریکا در سامانه نیما حدود ۳۷ هزار و ۴۰۰ تومان است که تقریباً برابر نرخ رسمی است، ولی حدود ۲۵ درصد پایین تر از قیمت آن در بازار آزاد است؛ با این تغییرات، صندوق بین المللی پول تولید ناخالص داخلی ایران در سال گذشته را معادل ۳۶۷ میلیارد دلار و تولید سرانه را ۴۲۳۰ دلار برآورد کرد که حدوداً برابر همین رقم در سال ۱۳۸۶ است. یعنی کشور بعد از ۱۶ سال «بدون لحاظ ارزش قدرت خرید دلار» سرجای سابقش برگشته یا در جازده ایم؟!



سال‌های دیگر گونی اقتصاد ایران
نمایه شماره «۲» که بر اساس اطلاعات
مندرج در سایت صندوق بین‌المللی پول و
بانک جهانی تهیه شده، تصویر روشنی از
عقب‌ماندگی اقتصاد ایران در دوران جنگ
و رشد سریع کشورهای منطقه را نشان
می‌دهد، به طوری که اگر سه مقطع سال‌های
۲۰۲۳-۱۹۸۰-۱۹۷۰ را به عنوان سال‌های
دیگر گونی در نظر بگیریم مجموع تولید
ناخالص داخلی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۰
معادل ۴۵۲ میلیارد دلار و کل منابع ارزی
مصروف شده تا پایان سال ۱۳۷۷-۱۳۵۸
معادل ۱۲۸ میلیارد دلار، مجموع تولیدات
ناخالص داخلی ۲۰۲۳-۱۹۸۰ برابر
۱۲/۹۵۴ میلیارد دلار و حجم منابع ارزی
۱۴۰۲-۱۳۵۸ برابر ۲۸۰۰ میلیارد دلار بوده
است. در حال حاضر تولید ناخالص داخلی
بنگلادش، امارات، مصر و ویتنام از ایران
بیشتر شده که حکایت از سیر ناکارآمدی در
حکمرانی سیاسی-اقتصادی کشور دارد.
نکته حائز اهمیت آنکه نسبت رشد تولید
ناخالص کشورهای امارات، عربستان و
قطر طی سال ۱۹۸۰ به سال ۱۹۷۰ بیشتر از
ایران بوده است. اگرچه این نسبت در سال
۲۰۳۰ به سال ۱۹۸۰ کمی بیشتر از ایران شده
است. این وضعیت حکایت از آن دارد که در
دوران جنگ عراق با ایران کشورهای منطقه
به سرعت بازسازی اقتصادی خود را تکمیل
کرده و تولیدات خود را بیش از ۱۵ تا ۱۸
برابر کرده‌اند، در حالی که اقتصاد ایران طی
همین مدت ۳/۸ برابر شده و در چند سال

مقایسه‌ای دیگر
برای شناسایی و مقایسه واقعی کشورها صرفاً به عدد تولید ناخالص داخلی نمی‌توان بسنده
کرد بلکه باید زیرشاخه‌های این تولید نیز باز شکافی شوند، زیرا کیفیت و ماهیت اقتصاد ترکیه
که صرفاً به کار و تولید متکی و فاقد منابع زیرزمینی و نفت و گاز است به مراتب از عربستان
قدرتمندتر است. اقتصاد بنگلادش که بر پایه تولیدات کشاورزی و نساجی و صادرات آن
برنامه‌ریزی شده در حال حاضر پایدارتر از اقتصاد امارات و بحرین است. آمارهای فوق به
خصوص مجموع تولیدات داخلی ۴۴ سال اخیر- حدود ۱۲۵۰۰ میلیارد دلار» به علاوه منابع
ارزی مک‌تسبه همین دوران «حدود ۲۸۰۰ میلیارد دلار» در مقایسه با ارزش روز کل شرکت‌های
بورسی «حدود ۱۵۰ میلیارد دلار» که عمده کارخانجات و معادن را در بر می‌گیرد، حکایت از
درخت بزرگی است که درونش را مورینه خورده است. البته نگارنده آگاه است که بخش قابل
توجهی از منابع ارزی مصروف پروژه‌های عمرانی و زیرساختی همچون جاده، راه آهن، برق و
آب روستایی شده، اما به هر حال حجم این رقم با آنچه انجام شده فقدان تدبیر اقتصادی و یک
نوع کسری خاص پنهان را نشان می‌دهد که برخی علائم آن در فرار سرمایه به خارج کشور
وجود دارد، به طوری که از روزنامه فرهیختگان ۲۹ مهر ماه ۱۴۰۰ بررسی آمارهای اعلام شده
از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد طی ۱۶ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ قریب به
۱۷۰ دلار سرمایه از کشور خارج شده که در چند سال اخیر اوج آن را در خرید و سرمایه‌گذاری
مسکن در کشورهای همسایه مثل ترکیه، گرجستان و امارات توسط ایرانیان شاهد هستیم. این
بدون محاسبه خسارت تقریبی حداقلی ۵۰۰ میلیارد دلاری غیرقابل بازیافت ناشی از جنگ
عراق با ایران بوده است.

وعده‌های واهی دولتمردان
مضافاً اگر قرار باشد درآمد دلاری را بر مبنای قدرت خرید تاریخی محاسبه کنیم قدرت
تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۷۷ به قیمت سال ۱۴۰۲ معادل ۳۷۵ میلیارد دلار یا عملاً بیش از
تولید ناخالص این سال می‌شود. لذا دولتمردان باید آنچنان رشدی را در دستور کار قرار بدهند
که علاوه بر حذف آثار تورمی قدرت واقعی تولید کشور کاهش نیابد. اگر مقرر شود تولید
ناخالص مبنای بانک جهانی با نرخ ارز آزاد یا نرخ نیمایی کنونی مبنای محاسبات قرار گیرد همه
ارزیابی‌های صندوق بین‌المللی معجزه‌آسا باید روزآمد شوند که معلوم نیست چه خواهد شد. برای
اطلاع خوانندگان یادآور می‌شود بر اساس آخرین نتایج حساب‌های مالی فصلی مرکز آمار

نمایه ۲۰ - مقایسه تولید ناخالص داخلی و افزایش ستونی اقتصاد کشورهای ۲۰ گانه منتخب ۱۹۷۰-۱۹۸۰-۲۰۲۲

ردیف	نام کشور	سال			شاخص برای			بدهی خارجی
		۱۰۰٪	۱۹۸۰-۲۰۲۲	۲۰۲۲	۲۰۱۰	۲۰۲۲	۲۰۲۲	
۱	ایران	۱۰	۹۵/۸	۳۶۶/۴	۳۶/۶	۲۱/۸	۹/۵	۸/۴
۲	ترکیه	۲۴	۹۶/۶	۱/۱۵۴/۶۰	۴۸/۱	۱۲	۴	۴۷۵
۳	عربستان	۵	۱۶۴/۵	۱/۰۶۹/۴۰	۲۱۳/۸	۶/۵	۲۲/۹	۲۶/۴
۴	کره جنوبی	۹	۶۵/۴	۱/۷۰۹/۲۰	۱۸۹/۹	۲۸/۱	۷/۲	۲۶/۲
۵	مالزی	۴	۲۷/۸	۲۲۰/۹	۱۰۷/۷	۱۶/۱	۸/۷	۲۶۰
۶	اندونزی	۹/۸	۹۹/۲	۱/۴۱۷/۴۰	۱۴۴/۶	۱۴/۳	۱۰	۲۹۵
۷	امارات	۱	۴۱/۲	۵۰۹/۲	۵۰۹/۲	۱۲/۲	۴۱/۷	۲۲۰
۸	کویت	۳	۲۳	۱۶۰	۵۲/۳	۶/۹	۷/۶	۶۳
۹	لیبی	۲۱/۹	۴۰/۲	۴۰	۸/۱	۰	۸/۲	۲۴
۱۰	ویتنام	۱۸/۱	۳۵	۴۲/۳	۲۲/۹	۱۲/۳	۱/۹	۱۴۲
۱۱	بنگلادش	۸/۹	۲۶/۷	۴۲/۶	۵۰/۱	۱۸/۱	۲/۷	۹۶
۱۲	الجزایر	۴/۸	۴۲/۳	۲۲/۴	۲۶/۶	۵/۷	۸/۸	۹۹
۱۳	اردن	-۱۵	۲/۹	۵۰	۱۰۰	۱۲/۸	۷/۸	۴۴
۱۴	بحرین	-۱۴	۳/۵	۴۲/۹	۱۱/۲	۱۲/۸	۸/۷	۴۰
۱۵	برزیل	۲۵	۱۴۵/۸	۲۱۲/۶	۶۰/۷	۱۵	۴/۱	۱۴۹۰
۱۶	مصر	۸	۲۳/۵	۴۹/۸	۴۹/۷	۱۸/۹	۲/۹	۱۶۵
۱۷	عمان	-۱۳	۷/۲	۱۸۰/۲	۵۴/۱	۱۵	۲/۶	۵۴
۱۸	قطر	-۱۵	۶/۷	۲۲/۶	۴۷/۲	۲۵	۱۲/۴	۱۱۴
۱۹	هندوستان	۶۱	۱۸۹	۲/۷۲۲	۶۱	۱۹/۷	۳	۶۲۵
۲۰	پاکستان	۱۲	۲۲/۶	۲۲۰/۶	۲۸/۲	۱۴/۴	۱/۹	۱۲۷

نمایه شماره ۹ - تعداد شرکت‌های بورسی کشورهای منتخب در بازار جهانی و ارزش روز آنها در ۲۲-۲۰۲۲

شرح	عربستان	کره جنوبی	امارات	اندونزی	ترکیه	مالزی	قطر	کویت	ایران
تعداد شرکت بورسی	۳۵	۹۸	۳۸	۴۶	۴۱	۴۵	۲۱	۲۰	۶۲۴

دستور، تکلیف، شعار و روایت پیش برود. اقتصاد بر مبنای معادله قرار دارد تا معامله و معادله نیز راهکاری مگر حل ندارد. در معامله دبه و تدلیس هم وجود دارد که در معادله محلی از اعراب ندارد.

کسری بودجه

از مهم‌ترین موضوعات نابسامانی تاریخ دوران اخیر اقتصاد ایران، کسری بودجه متضمن بدهی‌های دولت بوده است. در واقع وقتی میزان درآمدهای دولت با هزینه‌ها سازگاری ندارد، کسری بودجه خود را نشان می‌دهد و کسری بودجه نیز اصلی‌ترین عامل ایجاد بدهی برای دولت است. میزان بدهی دولت در ایران به نسبت تولید ناخالص داخلی حدود ۲۸/۸ درصد بوده و در مقایسه با بسیاری از کشورها که از میانگین ۷۰ تا ۸۰ درصدی برخوردارند، چندان بالا نیست، اما نکته اساسی آن است که نوع بدهی‌های دولت در ایران و شیوه مصرف و محل تامین آن، متفاوت و دارای تبعات اقتصادی است. میزان بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی حدود ۱۴۰۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده که بخش مهمی از آن شامل بدهی به بانک‌ها و بانک مرکزی است (چاپ پول). استقرار از بانک مرکزی و دریافت پول بدون پشتوانه در سال‌های اخیر مصائب زیادی از جمله تورم را برای اقتصاد به بار آورده است، اگرچه وفق قانون برنامه ششم توسعه برای بدهی دولت سقف ۴۰ درصدی پیش‌بینی شده بود، اما این سقف با توجه به توان اقتصادی کشورها متغیر است. مثلاً سقف این عدد در ژاپن ۳۰۰ درصد است یا یکی از معیارهای همگرایی یورو این بود که نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی باید زیر ۶۰ درصد باشد.

آرایش آمار اقتصادی

ایران، محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در سال ۱۴۰۱ به رقم ۸۱۱۹ هزار میلیارد ریال بانفت و ۶۹۹۱ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است، در حالی که رقم مذکور در سال ۱۴۰۰ با نفت ۷۷۴۶ هزار میلیارد ریال و بدون نفت ۶۶۹۲ هزار میلیارد ریال بوده که نشان از رشد ۴/۸ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۴/۵ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۴۰۱ دارد. نمایه‌های شماره (۳، ۴ و ۵) گویای چندبرابری شدن هر یک از اقتصادهای منتخب بوده که عموماً کشورهای منطقه خاورمیانه هستند که می‌تواند برای دولتمردان شعاری ما درس آموزی شود، زیرا در دورانی که در ایران به تولید شعار مشغول بودند آن کشورهای همجوار سر در لاک توسعه و پیشرفت فرو بردند و اینک شاهد هستیم چگونه برخی اقتصادهای یک میلیارد دلاری به بالای ۳۰۰ میلیارد دلار عروج کرده‌اند. حال اینکه دولتمردان و خیال‌پردازان ایرانی رشد آنها را غیر واقعی و اساساً متکی به ایران دانسته، اما سیر قهقراپی اقتصاد ایران را پیشرفت عظیم تلقی می‌کنند، به طوری که یکی از دولتمردان افاضه فرموده‌اند «در حوزه اقتصاد یکی از اولین اقتصادهای جهان هستیم. شاید خرده بگیرند، اما کدام اقتصاد می‌تواند با ۴۴ سال تحریم، جان سالم به در برد؟ در این دولت، اقتصاد ایران از یک دهه رکود عبور کرد و امروز شاهد رونق هستیم و براساس آمارهای مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و صندوق بین‌المللی پول و سایر مجامع صاحب‌نظر، اقتصاد ایران در حال شکوفایی است». نگارنده عامدانه نمایه‌های «۳ تا ۶» را براساس سنوات ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۳ تدوین کرده تا مقامات تصمیم‌گیر مشاهده کنند حاصل تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان چه مصیبتی را به بار آورده که کشوری که از منظر ثروت انسانی و منابع طبیعی نفت، گاز و معادن و توانمندی بالقوه ساخت، می‌توانست امروز دارای رتبه اول منطقه و رتبه دوم یا سوم آسیا بر دوش داشته باشد به پوشیدن لباس دست دوم روی آورده و عملاً از نظر اقتصادی جایگاه خود را از دست داده است. باید قبول کنیم اقتصاد نمی‌تواند بازور،

پس ما حالا حالاها جا داریم؟! ظاهراً بهترین راهی که چند دهه اخیر دولت‌ها به کار برده‌اند نمایش آمارها و تغییرات مکرر سال پایه اقتصاد، برای بزرگ کردن اوضاع اقتصادی است به طور مثال روزنامه هم‌میهن به نقل از میزگرد موسسه دانیان نقل کرده که «براساس استانداردهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی حدود ۲۸/۸ درصد است. طبق استاندارد صندوق بین‌المللی پول زمانی می‌توانیم بگوییم بدهی‌های ما پایدار است که رشد تولید ناخالص داخلی ما از رشد بدهی‌های بخش عمومی ما بیشتر باشد. خلاصه وضعیت بدهی «دولت» که هر هفته در خبرنامه‌ها منتشر می‌شود، به سه طبقه که در قانون رفع موانع تولید آمده، تقسیم می‌شود؛ اولی بدهی به اشخاص «حقوقی، خصوصی و تعاونی» که ۶۸۹ هزار میلیارد تومان است و اوراق را نیز شامل می‌شود، دوم «نهادهای و موسسات عمومی غیردولتی» مانند تامین اجتماعی و صندوق توسعه و... بوده که ۳۳۰ هزار میلیارد تومان است و سوم بدهی به «بانک‌ها و موسسات اعتباری» که ۳۸۸ هزار میلیارد تومان است. در طبقه اول حدود ۷۰ درصد بدهی‌های دولت به شکل «اوراق» هستند. ۴۸۱ هزار میلیارد تومان بدهی اوراقی داریم که اگر با کل بدهی‌های دولت نسبت بگیریم، حدود ۳۴ درصد می‌شود. از این آمار و ارقام می‌توان نتیجه گرفت که یک ظرفیت بسیار بزرگ برای بهادارسازی بدهی‌های دولت وجود دارد. «مرکز بدهی‌های دولت» به تاریخ ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ مجموع بدهی دولت را ۱۴۰۶ هزار میلیارد تومان شامل حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی و بقیه بدهی به بانک‌ها و تامین اجتماعی و... اعلام کرده است. اگر همین گزارش را با گزارش بانک مرکزی در اسفندماه ۱۴۰۱ مقایسه کنید مشاهده خواهید کرد بدهی دولت به بانک مرکزی ۱۸۴ هزار میلیارد تومان و بدهی دولت به بانک‌ها ۷۵۰ هزار میلیارد تومان است، اما گزارش دولت می‌گوید ۳۸۸ هزار میلیارد تومان بدهکار است. یا بانک مرکزی گزارش کرده شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی ۸۹ هزار میلیارد تومان بدهکار هستند و بدهی

شرکت‌های دولتی به بانک‌ها ۴۳ هزار میلیارد تومان است، در صورتی که گزارش دولت می‌گوید، جمع بدهی شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی ۱۲۶۰ هزار میلیارد تومان است که می‌بینیم چقدر اختلاف وجود دارد. ظاهراً هر سازمانی بنا به مصلحت یا دستور و براساس خوشایند یک جور گزارش تهیه می‌کنند که نگارنده برای رفع ابهامات ناچار شده آمارهای سنوات ۲۰۲۳-۱۹۷۰ صندوق بین‌المللی پول را استخراج کند تا به این مناقشه خاتمه دهد و بتوان فهمید بالاخره اقتصاد ایران در کجا قرار دارد و چرا شکاف صنعتی ایران با کشورهای همسایه افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

در گزارش تازه‌ای براساس گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس که بیگانه هم نیست و نمی‌توان آن را به بیگانگان نسبت داد، شاخص رقابت‌پذیری صنعتی (CIP) ایران همچنان در جایگاه ششم در منطقه و بعد از کشورهایی همچون ترکیه و امارات و عربستان قرار دارد. این در حالی است که حجم ارزش افزوده صنعتی ایران طی یک دهه اخیر یعنی در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۰ در دایره ۶۰ میلیارد دلار ثابت مانده است. بررسی هانشان داده که در سال ۱۳۸۴=۲۰۰۵ یعنی شروع اجرای سند چشم‌انداز، شکاف اندازه بخش صنعت ایران با عربستان و ترکیه به ترتیب ۶۷ و ۴۷/۷ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۲۲ یا ۱۴۰۱ این شکاف به ترتیب به ۱۸/۵ و ۱۳۷/۴ میلیارد دلار رسیده، در حالی که حجم ارزش افزوده بخش صنعت ایران حداکثر به ۷۰ میلیارد دلار رسیده که نشان از فقر تولید و ارزش افزوده در اقتصاد کشور دارد. البته بدیهی است وقتی حجم واردات در بدترین سال‌های تحریم افزایش یابد قاعدتاً تولید زمینگیر می‌شود و در نتیجه ارزش افزوده‌ای هم ایجاد نمی‌شود. البته انصاف حکم می‌کند یادآور شویم بخشی از اضافه ارزش تولیدشده در کشورهای نفتی منطقه به ارزش افزوده صنایع بزرگ نفت و گاز در مقایسه با جمعیت پایین کشورهایی مثل امارات، قطر و بحرین بازمی‌گردد. لذا چنانچه بخواهیم قدرت اقتصادی کشور را افزایش دهیم ناچاریم سیاست برون رفت از تحریم و عقلایی عمل کردن اقتصاد مبتنی بر ایجاد ارزش افزوده که همانا انتخاب مدیریت کارآمد مبتنی بر شایسته‌سالاری و مهار تورم و دلالتی که از قدیم در ایران همزاد هستند، را اعمال کنیم. تدقیق در نمایه «۴» فوق نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۲ که کشور از جنگ خلاص شده و ظاهراً تحریمی هم در کار نبوده ارقام تولید ناخالص داخلی فاجعه‌بار و قابل تامل هستند. البته می‌توان گفت چون صندوق بین‌المللی پول وابسته به نظام سلطه است، عامدانه چنین ارقامی را برای نمایش بد اوضاع مشعشعانه آن سال‌ها به کار برده است.

مصائب غارت منابع ارزی

نگاه تاسف‌آور آن است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۵ بیشترین تولید ناخالص داخلی و بیشترین منابع ارزی وارد کشور شده، ولی همین سال‌ها عامل اصلی فروپاشی اقتصاد بوده که فرصت تاریخی به دست آمده را با اجرای نادرست قانون بارانه‌ها و ارزش‌جهانگیری و غارت منابع ارزی از دست دادیم. این آمار و ارقام بدون لحاظ مسائل زیست‌محیطی و اقلیمی و تخریب اکوسیستم و از بین رفتن بخش قابل توجهی از مراتع و جنگل‌ها و مسائل ناشی از تخریب زمین و کم‌آبی است که هیچ یک به عدد و آمار محاسبه نشده است. به طور مثال ایران با فرسایشی معادل ۲ میلیارد تن در سال از جمله کشورهای با بالاترین نرخ فرسایش خاک در جهان است که تأثیرات بلاشکی در کاهش تولید ناخالص داخلی دارد. در واقع چنانچه بخواهیم از منظر گزارشگری توسعه پایدار به تولید ناخالص داخلی بنگریم انبوه مسائل لاینحل ظهور خواهند کرد که ثمره تفکر منحط کالایی کردن طبیعت شامل انسان بوده است. موضوع حائز اهمیت این است که علی‌رغم آنکه منادیان تئولیرالیسم ظاهراً در حاکمیت حضور ندارند، اما اندیشه ضد توسعه‌ای آنان در این چند دهه با پیشبرد اقتصاد رفاقتی به جای اقتصاد رقابتی پیش رفته است. از منظر دیگر بدون توجه به آمارهای صندوق بین‌المللی و بانک جهانی، مجتبی یوسفی عضو هیات رییسه مجلس ایران فرموده‌اند اگر حقوق بگیران و کارمندان تمام درآمد خود را پس‌انداز کنند می‌توانند پس از ۴۰ سال خانه‌دار شوند، اما با توجه به اینکه یک سوم درآمد خود را می‌توانند برای خرید مسکن پس‌انداز کنند، مدت زمان انتظار خرید خانه برای آنها به بیش از



۹۰ سال می‌رسد.

علاوه بر آن مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد که قیمت مسکن در ایران طی ۵ سال گذشته حدود نه و نیم برابر شده در حالی که در همین بازه زمانی پنج ساله، حداقل دستمزد نیروی کار که دولت آن را تعیین می‌کند از یک میلیون و ۱۲۵ هزار تومان به ۶ میلیون و ۷۲۵ هزار تومان رسیده است. در واقع مردم فارغ از محاسبات بانک مرکزی و نهادهای بین‌المللی اندازه سفره معیشت خود را بار شد تولید ناخالص داخلی مقایسه می‌کنند و معتقدند چون سفره معیشت مرتبا کاهش یافته به طوری که خرید مسکن به عنوان ضروری‌ترین نیاز شهروندی به آرمان و آرزو تبدیل شده خیلی مهم نیست که کدام نهاد بین‌المللی چه ارقامی را ارائه می‌دهند.

نمایه زیر از هر شعار و فریاد بیشتر توضیح می‌دهد که ما عقب مانده ایم و راهکاری مگر خلاص شدن از عقب ماندگی و پیشرفت نداریم. باید کسانی را هب رد پیشرفت و توسعه را به دست گیرند که بدانند توسعه با درج مقالات در سایت‌های خاص یا اختراعاتی که هیچ‌گاه منصف ظهور نداشته و فرق مدرک دکترا ی افتخاری و غیر افتخاری کلاس نرفته را بداند.

درآمد سرانه عراق بیشتر از ایران

در نمایه فوق در آمد سرانه ویتنام، عراق و لیبی از ایران بیشتر است که خود جای تاسف و تأمل و چشم پراشک دارد، زیرا ساختار سیاسی - اقتصادی کشورهای عراق

و لیبی مدت هاست پاشیده شده و فاقد یک حکمرانی سراسری هستند. نگارنده اعتقاد دارد اگر کسانی باشند که دغدغه برتری در منطقه را دارند چشمان خود را در برابر واقعیت پوشیده نگه ندارند و تلاش کنند با عینک نزدیک بین آمار و ارقام این گزارش را که اخیراً انتشار یافته مطالعه کنند. اگر چه در همین گزارش رشد اقتصادی کشور به لطف نفت فروشی بیشتر انجام شده است، اما ساختار اقتصادی، خط فقر در صدی، نابسامانی کسری بودجه و نقدینگی همچون اژدها کماکان برقرار هستند.

کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ملی طی دو سال

یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد کارنامه عملکرد دولت آقای ریسی همچون خلف سابق و اسبق خویش نیز باشوک درمانی به مقابله با جامعه بر آمده است. به طوری که حجم نقدینگی بالغ بر ۷ میلیون و ۳۷۷ هزار میلیارد تومان «دو برابر سال ۱۳۹۹» با بیشترین حجم انتشار اوراق مالی بالغ بر ۲۱۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ و بیشترین مقدار بدهی بالغ بر یک میلیون و ۴۰۷ هزار میلیارد تومان که ۹/۱۸۳ هزار میلیارد تومان آن به بانک مرکزی بوده که نتیجه محتوم آن کاهش ارزش پول ملی به نصف در عرض دو سال اخیر بوده است. در واقع دولت فعلی و دولتمردان آن فراموش کرده‌اند که اگر نسخه‌های قبلی اقتصادی دولت‌ها مریض اقتصاد ایران را درمان می‌کرد، نیازی به تعویض آنان نبود! حاصل کژاندیشی نئولیبرالیسم افسار گسیخته که توسط الیگارش‌ها انجام شده وضعیت فعلی اقتصادی است که برخلاف نظر دولت به سرعت رو به قهقرامی رود.

اقتصاد ایران که تا سال‌های ۱۳۵۶ به عنوان یکی از اقتصادهای رشد یابنده بود، متأسفانه در فاصله ۴۳ ساله بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۳ علی‌رغم دسترسی به حدود ۲۸۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی ۳/۸ برابر شده که چنانچه بار شد جمعیت مقایسه شود، عملاً رشد تولید ناخالص داخلی ۱/۴ برابر شده است. وضعیت امسال در این گزارش فصلی صندوق بین‌المللی پول، علی‌رغم برخی بهبودها در بازار کار، چشم‌انداز تورمی ایران در سال جاری ۴۷ درصد پیش‌بینی شده و برآورد رشد اقتصادی ایران باز هم فاصله‌ای معنادار با عدد ۸ درصدی هدف‌گذاری شده در برنامه هفتم توسعه دارد که در سال ۱۴۰۳، به ۲/۵ درصد خواهد رسید. یعنی عملاً رشد اقتصادی سال ۱۴۰۳ حتی از رشد ۳/۸ درصدی سال ۱۴۰۱ و ۳ درصدی سال ۱۴۰۲ نیز کمتر خواهد بود. براساس عملکرد چهل سال اخیر به ویژه سنوات رشد برنامه غیرمحمتمل و غیرممکن است که در کوتاه‌مدت و بدون تغییر جهات سیاست‌های اقتصادی بتوان به رشد ۸ درصد سالانه در برنامه هفتم توسعه دست یافت. دستیابی به چنین رشدی نیازمند مهار تورم افسار گسیخته دورقمی و مهمیز زدن آن تا زیر ده درصد و جذب سرمایه‌گذاری حدود ۷۰۰ میلیارد دلار آن هم برای کشوری است که محتاج یک میلیارد دلار برای تأمین نان خود است.

رواج نقدینگی، تورم غیر قابل

در واقع به مصداق سالی که نکوست از بهارش پیداست، عملکرد هفتمین دوساله نشان داده که درب اقتصاد کماکان بر همان پاشنه چاپ پول، رواج نقدینگی، تورم غیر قابل مهار و فقدان شایسته سالاری می چرخد. حتی در بهترین شرایط و بهترین حالت دستیابی به چنین رشدی نیازمند حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری است که با سیاست های فعلی محتمل نیست. علاوه بر آن آمارها از افزایش بدهی دولت به حدود ۱۱۰ میلیارد دلار (یک سوم تولید ناخالص داخلی ۳۶۶ میلیارد دلاری) رسیده که نشان می دهد حجم بدهی دولت معادل ارزش سه سال بودجه کل کشور است. نگاهی به نمایه شماره (۲) که مقایسه اقتصادهای بیست کشور بر برگزیده در سال های ۱۹۸۰ و ۲۰۲۳ و همچنین بدهی خارجی آنان است بیانگر خردمندی حکمرانان بسیاری کشورها در مقایسه با بی خردی محض در عرصه سیاست و اقتصاد دیگر کشورها را دارد. تنها مزیت ایران در این نمایه فقدان بدهی خارجی قابل ملاحظه ای بوده که شاید به تعبیری دیگر حتی امروزه این موضوع در عرصه بین المللی امتیاز و مزیت هم تلقی نشود و نشان دهنده ناتوانی دولتمردان در بهره گیری از منابع خارجی است. مقایسه کشورهایی که روزگاری در فقر مطلق به سر می بردند با ایران دارای توانمندی های بالقوه که ظاهرا این توانمندی ها هم رو به پایان است «مثل اینکه بزرگترین کشور منبع گازی خود به خریدار گاز تبدیل شده» نشان داده که مامثل سربازان در سربازخانه ها مرتب در جاذده ایم و ایست خبردار داده ایم؟! صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده رشد جهانی از ۶ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۲ و ۲/۷ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش خواهد یافت. در حالی که بانک جهانی نیز اخیرا پیش بینی رشد اقتصادی جهان را از ۳ درصد قبلی به ۱/۷ درصد تقلیل داده است. مدیرعامل صندوق بین المللی پول، در نشست اخیر «اقتصاد جهانی در داووس» گفت که سال ۲۰۲۳ سال سختی خواهد بود، سازمان ملل نیز بر این عقیده است که شتاب رشد در آمریکا،

اتحادیه اروپا و سایر اقتصادهای توسعه یافته ضعیف شده و بر بقیه اقتصاد جهان تاثیر منفی گذاشته است. سازمان ملل، پیش بینی کرده تولید ناخالص داخلی آمریکا تنها ۰/۴ درصد در سال ۲۰۲۳ پس از رشد ۱/۸ درصدی در سال ۲۰۲۲ افزایش یابد. همچنین اقتصادهای اتحادیه اروپا متشکل از ۲۷ کشور در سال ۲۰۲۳ تنها ۰/۲ درصد رشد خواهند کرد که از ۳/۳ درصد سال ۲۰۲۲ کمتر خواهد بود. اما علی رغم شکنندگی اقتصاد آسیای شرقی پیش بینی می شود رشد تولید ناخالص داخلی از ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۴/۴ درصد در سال ۲۰۲۳ برسد. متوسط رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای جنوب آسیا به علت قیمت های بالای مواد غذایی و انرژی، «انقباضات پولی و آسیب پذیری های مالی»، از ۵/۶ درصد در سال گذشته به ۴/۸ درصد در سال جاری کاهش یافت. اگر چه پیش بینی می شود رشد هندوستان در سطح ۵/۸ درصد باشد. در گزارش اخیر صندوق بین المللی پول، مجموع تولید ناخالص داخلی خاورمیانه ۳/۳۸۰ میلیارد دلار برآورد شده که ایران با تولید ناخالص داخلی ۳۶۶ میلیاردی و درآمد سرانه ۴/۲۳۰ دلار از این لحاظ در میان کشورهای کم رشد «بالحاظ منابع عظیم نفت و گاز و نیروی انسانی کارآمد مأیوس از آینده»، تلقی شده و ادامه سیاست های اقتصادی مخرب ناشی از شوک درمانی باعث خواهد شد روند زوال دهک های آسیب پذیر و فرآیند «هندی شدن» اقتصاد ایران یعنی ماندگاری فقر و دشوار شدن خروج از تله فقر تسریع شود که برای رهایی از این معضل راهکاری جز شفافیت بودجه، رفع کسری بودجه به روش های عقلایی «نظیر قطع بودجه نهادها و گروه هایی که در این ۴۴ سال جز هزینه کرده هیچ منفعتی برای ملت و کشور نداشته اند»، برقراری انضباط مالی، حذف ویژه خواری و رانت خواری الیگارش های مسبب تیره روزی مردم و کشور وجود ندارد.

باید یادآور شد در سال ۱۳۲۱ در روزهای سخت جنگ جهانی دوم جمع درآمدهای بودجه کل کشور معادل ۳/۱۳۷/۸۲۲/۹۴۰ ریال تحقق یافته ولی هزینه های هفتمین سال معادل ۳/۱۳۷/۶۹۵/۰۵۳ ریال برآورد شده است؛ یعنی در این سال نه تنها بودجه بدون کسری بوده بلکه معادل ۱۲۷/۸۸۷ ریال مازاد نیز داشته است؟!

یک بررسی گذاری آمار فوق بیانگر آن است که اقتصاد ایران علی رغم دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز و مواد معدنی و نیروی انسانی آموزش دیده که با دیگر کشورهای مشابه قابل قیاس نیست، مشابه قطاری که از ریل خارج شده و در باتلاقی قرار گرفته که هیچ راهکاری جز تعویض تراورس های از کار افتاده فرتوت و همچنین انتخاب سوزن بانی که قادر به راهبرد و راهبری قطار باشد، وجود ندارد.

ایران که قرار بوده تا سال ۱۴۰۴ قدرت برتر منطقه باشد در حال حاضر به نظر می رسد از منظر تولید ناخالص داخلی رتبه سوم را هم نتواند کسب کند.

وضعیت تاثیر آور بورس ایران

نمایه زیر وضعیت تعداد شرکت های بورسی ۱۰ کشور هم وزن قدیمی را در بورس جهانی و قیمت روز آنها نشان می دهد که وضعیت تاثیر آور بورس ایران در مقایسه با سایر بورس های رقیب را نمایش می دهد. فراموش نکنیم اگر قبول کنیم بورس آینه اقتصاد هر کشوری است یعنی در قبال حدود ۲۸۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی کشور بعد انقلاب، کل بهای روز شرکت های بورسی که بسیاری از آنها هم حاصل قبل انقلاب بوده اند ۱۵۰ میلیارد دلار و در نتیجه باید مشخص شود مابقی منابع ارزی -ریالی بعد از انقلاب کجا مصرف شده است؟! کافی است یادآور شویم، ارزش بازار ماه اکتبر سال جاری، ارزش بازار شرکت نفتی آرامکو عربستان برابر ۲/۱۵۵ میلیارد دلار و درآمد سال گذشته آن نیز ۱۶۱ میلیارد دلار یعنی از کل درآمد ارزی کشور بیشتر یا شاید بتوان گفت که درآمد فقط شرکت آرامکو حدود ۸۰ درصد قیمت کل شرکت های بورسی ایران است.

در این میان آنچه شایان توجه است نوعی نگاه حسادت آمیز ایرانی ها به اقتصاد کشورهایی نظیر ویتنام، بنگلادش، اردن، بحرین، مصر، ترکیه، امارات و عمان در منطقه از یک طرف است که توانسته اند در همین فاصله زمانی اقتصاد خود را حداقل بیش از ۱۰ برابر بزرگتر کنند



فاجعه نابودی منابع ارزی

اگر به نمایه (۱۰) توجه کنیم عمق فاجعه نابودی منابع ارزی در چهل سال اخیر بیشتر هویدا می شود، زیرا طی همین سال ها کشورهای مشابه ایران با تخصیص صندوق ثروت ملی (همان صندوق ذخیره ارزی بی ارز خودمان) توانسته اند میلیارد ها دلار در دارایی های جهانی سرمایه گذاری کنند، به طوری که سود نیمه اول سال ۲۰۲۳ صندوق ثروت کشور نروژ با جمعیت ۵/۵ میلیون نفری با نرخ سود بیش از ۶ درصد بالغ بر ۱۴۳ میلیارد دلار بوده که سهم هر شهروند نروژی حدود ۱۵ هزار دلار برآورد می شود. در مقایسه وضعیت صندوق های ثروت دنیا و صندوق توسعه ملی می توان دریافت که در سال ۲۰۲۱، به طور متوسط سود صندوق های ثروت در دنیا معادل ۶/۲ درصد بوده، این در حالی است که در منطقه خاور میانه، صندوق مبادله امارات با ۱۲/۲ درصد بیشترین نرخ سود و صندوق «ADIA» امارات با ۳/۲ درصد، کمترین میزان سود را کسب کرده اند. در این میان نرخ بازدهی صندوق توسعه ملی ایران طی دوران ۱۲ ساله فعالیت خود معادل صفر بوده است.

به نظر می رسد آنچه در این سال ها فراموش شده اقتصاد و ارزش افزوده اقتصاد است، زیرا علی رغم همه مشکلات و نابسامانی ها براساس گزارش مجله فوربس در ماه ژوئن ۲۰۲۱ تعداد میلیونرهای ایرانی ۲۵۰ هزار نفر و ایران دارای بالاترین نرخ بازتولید میلیونر در جهان بوده که رتبه ۱۴ میلیونرهای جهان به ایران تعلق گرفته است. این بدان معنی است که علی رغم گسترش حدود ۲۰ میلیونی خط فقر رشد ثروت آفرینی که با توجه به آمارهای پیش گفته ناشی از رشد اقتصاد نبوده و صرفاً حکایت از رانت خواری و ارزش خواری داشته شاکله اقتصاد را در هم کوبیده است، به طوری که اقتصاد کشور بر داریستی قرار گرفته که با هر ورزش مساعد و نامساعد و شایعه، دچار لرزش های جدی می شود. آنچه در این میان حائز اهمیت است اینکه تعدادی از کشورهای مقایسه شده نیز فاقد دموکراسی و حاکمیت پاسخگو و شفاف هستند، اما ظاهراً حداقل علقه ملی و منافع میهنی رافدای خود یا باند خاصی نکردند یا اقل از پس برداشت خود برای ملت نیز داشت و برداشت فراهم کنند. نگاهی به شاخص های کلیدی اقتصاد نمایانگر جمعیت ۸۶ میلیونی با حضور حدود ۶۴ میلیون نفر در سن کار است که صرفاً ۳۷ درصد نیروی کار اشتغال دارند. این بدان معنی است که اگر تولید ناخالص داخلی را محصول کار فقط ۳۷ درصد نیروی کار بدانیم و دولت بتواند برنامه مناسب اشتغال را فراهم کند با افزایش نیروی کار به ۷۴ درصد قاعدتاً تولید ناخالص داخلی باید دو برابر شود و کشور از بسیاری مصائب اقتصادی رهایی خواهد یافت.

رفع نابرابری زن و مرد از نظر اقتصادی

نکته حائز اهمیت آنکه مک کینزی بزرگترین موسسه مشاوره ای جهان که قبلاً گزارش «ایران کشور فرصت های هزار میلیارد دلاری» را در دوران برجام منتشر کرده بود اخیراً

(حتی با فرض بدهی خارجی) و از دیگر سو اقتصاد کشورهایی مثل کره جنوبی، مالزی، اندونزی، برزیل و هندوستان که اقتصاد آنها در دوره مذکور حتی تا حدود ۱۵ برابر بزرگ تر شده اند. در حالی که نرخ رشد جمعیت آنها حداکثر بین ۳ تا ۴ درصد بوده است. رشد اقتصادی چین با وجود دارا بودن نوعی حاکمیت استبدادی وزیر کنترل حزب کمونیست به عنوان مدعی برتری اقتصاد جهانی در این فاصله ۵۸ برابر بزرگ تر است در حالی که اقتصاد آمریکا ۹/۴ برابر بوده است (فارغ از ماهیت و محتوای اقتصاد آمریکا که دانش بنیان و اقتصاد چین که عمدتاً کالای مصرفی است).

همین رشدهای قابل ملاحظه باعث شده سرانه تولید ناخالص این کشورها نیز تحت تاثیر این رشد قرار گیرند به طوری که نمایه شماره (۲) نمایانگر وضعیت مناسب کشورهای منتخب (علی رغم آنکه عمده آنها فاقد منابع نفت و گاز هستند) نسبت به ایران است که این موضوع باید دغدغه دولتمردانی باشد که تلاش دارند علی رغم آمارهای منتشره توسط مرکز پژوهش های مجلس که در خرداد ماه امسال اعلام کرده بود که در فاصله یک دهه (۱۴۰۰-۱۳۹۰)، حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت فقیر ایران اضافه شده و از سال ۱۳۸۵ نرخ فقر به شدت رو به افزایش گذاشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد به بیش از ۳۰ درصد رسیده که به معنای آن است که تقریباً یک سوم جمعیت ایران زیر خط فقر قرار گرفته اند، حضرات دولتی و آمارسازان به جای تعمق در این آمارها و تلاش در رفع علت العلل آنها، با آمارسازی و تغییرات سال پایه اقتصاد نابسامان رابه سامان نمایش دهند یادل به شاخص تولید ناخالص داخلی به قیمت برابری «PPP» خوش دارند و مرتباً در بوق و کرنا اعلام کنند اقتصاد ایران رتبه بیست و چهارم جهان است که با چنین معیاری هندوستان چندین سال است رتبه سوم اقتصاد جهان را کسب کرده و بسی پیشروتر از ژاپن و آلمان است، اما کیست که قبول کند رفاه اجتماعی، سطح تحصیلات، بهره وری و کارایی، زیرساخت های شهری و اقتصاد دانش بنیان ژاپن و آلمان از هندوستان عقب تر باشد؟!

گزارشی منتشر کرده و مدعی شده چنانچه مسوولان ایران نابرابری زن و مرد را از نظر اقتصادی بر طرف کنند تولید ناخالص داخلی حدود ۳۷۶ میلیارد دلار بیشتر خواهد شد که در این صورت با اعمال نرخ قدرت برابری ایران عملاً به برترین قدرت اقتصادی منطقه تبدیل خواهد شد، اما این تصمیم خردورزی فارغ از شعار نیاز به ایجاد تکانه به باورهای سنتی مدیران دارد.

اعمال خردورزی سیاسی-اقتصادی

با این تفاسیر اولین پیش شرط راه اندازی قطار منحرف شده اقتصاد، اعمال خردورزی سیاسی-اقتصادی و بازگشت کشور به ریل سراسری قطار جهانی اقتصادی جهان و پیاده کردن مسافرانی است که بدون بلیت مدت هاست بر قطار اقتصاد نشسته و مسیر قطار را منحرف کرده اند. به عنوان نتیجه گیری اگر همین رابطه معنی دار فعلی با آمریکا و جهان غرب باعث افزایش درآمدهای نفتی و دسترسی به رشد دو تاسه درصدی شده (اگرچه عمدتاً ناشی از رشد بخش نفت بوده) عقل حکم می کند برای برون رفت از مخمصه سیاست و اقتصاد، روابط سیاسی-اقتصادی خود را با آمریکا و غرب بهبود ببخشیم تا علاوه بر فروش بیشتر نفت و صادرات غیر نفتی و دسترسی به منابع ارزی بتوانیم آهنگ رشد اقتصاد را سرعت ببخشیم و بخشی از مشکلات فعلی را برطرف کنیم، چراکه حل کل مشکلات در گرو اصلاحات ساختاری اقتصادی و سیاست ورزی خردمندانه است. برای اطلاع وزیر محترمی که هنوز نمی داند کدام اقتصادها در جهان برتر هستند نمایه ای را به نمایش در آوریم تا بداند سرانه تولید ناخالص داخلی ۴۲۳۴ دلاری ایران رتبه ۱۲۰ را در جهان دارد.

سکانس پایانی

بار دیگر تاکید می شود برای بررسی و شناخت تولید ناخالص داخلی صرفاً نمی توان به عدد آن اشاره کرد بلکه باید عوامل متعددی همچون کیفیت تولید «خام فروشی کشورهای نفتخیز»، ساختار اقتصاد، سطح رفاه اجتماعی، سطح تحصیلات و آموزش مردم، دسترسی به آب آشامیدنی و سلامت عمومی، دانش محور بودن اقتصاد و... در نظر داشت، چراکه در غیر این صورت مثلاً اقتصاد کشور قطر بدون دارا بودن شاخصه های اصلی از استرالیا و هلند بالاتر است و می تواند مشابه وزیر ایرانی ادعای برتری بر اقتصاد بسیاری از کشورهای اروپایی تراز اول کند؟! اما نگاهی به نمایه «۱۲» نشان از برتری اقتصادهای مبتنی بر کار و تولید در مقابل اقتصادهای مبتنی بر فروش مواد و منابع خام طبیعی دارد. به نظر می رسد رشد قابل توجه مصر، بنگلادش و ویتنام می تواند هشدار به مسوولان ایران باشد تا فرصت سوزی های سیاسی-اقتصادی را پایان دهد و در صدد برنامه ریزی مبتنی بر منافع ملی و از بین بردن خط فقط که می تواند چشم اسفند یار مسائل آتی باشد برآیند فاعتر و یا ولی الابصار!

تلنگری به خیال پردازان دولتی

در خاتمه کارنامه ارزی سنوات ۱۴۰۱-۱۳۳۸ را برای آگاهی مسوولان در اینکه چگونه با این درآمد ارزی که روزگاری کره، تایوان و سنگاپور آرزوی داشتن ۱۰۰ میلیون دلار صادرات ارزی را داشته اند و نتوانسته اند به آرمان تاریخی مردم ایران در به دست آوردن توسعه اجتماعی-اقتصادی دست یابند، قرار داده ایم باشد که این تلنگری شود برای آنهایی که هنوز با عدد و آمار و اقتصاد کینه ورزی کرده و بر بال خیال پرواز می کنند. /جهان صنعت

ادامه از صفحه ۲

تکنولوژی و رشد ...

فصل بهار ۱۴۰۲ که دولت احساس موفقیت دارد، در حالی که بخش صنعت فقط ۰.۶ واحد درصد در رشد اقتصادی ۶.۲ درصدی سهم داشت و فعالیت هایی مانند عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیر وسایل نقلیه موتوری، بهداشت و مددکاری اجتماعی و فعالیت های املاک و مستغلات و آموزش هر کدام ۱.۴ درصد سهم داشتند. از الزامات دیگر دولت با کیفیت این است که تعامل سازنده ای با بخش خصوصی داشته باشد و موتور تولید مبتنی بر تکنولوژی را بخش خصوصی و تشکلهای آن بداند. سیاست های بودجه ای دولت نیز اهمیت زیادی دارد. در کشورهای پیشرفته، بنگاه های بزرگ از معافیت و اعتبار مالیاتی مناسبی برای امور تحقیق و توسعه برخوردارند، به گونه ای که نرخ موثر مالیاتی آنها (نسبت مالیات پرداختی به درآمد آنها) بسیار پایین است.

اما در ایران هر چه شرکت ها بزرگ تر باشند فشار مالیاتی بیشتر است و دولت درآمدهای مالیاتی را که از این شرکت های جمع می کند از طریق حمایت های کنونی از فعالیت های دانش بنیان بین شرکت های کوچک و نوپا بخش می کند. یعنی نه در مالیات ستانی و نه در تخصیص اعتبارات دولتی به انباشت دانش در شرکت های بزرگ کمک چندانی نمی کند. به موازات شکل گیری دولت با کیفیت است که تکنولوژی از مسیر انباشت دانش در شرکت های بزرگ بهبود پیدامی کند و به گسترش صادرات صنعتی در کلاس جهانی و تولید صنعتی می انجامد و خدمات مولد در کنار این تولیدات رشد می کند. نقشی که شرکت های خانوادگی بزرگ در کره جنوبی داشتند؛ اما شرکت های بزرگ دولتی و شبه دولتی ایران نتوانستند چنین نقشی ایفا کنند.

ایران جایگاه

رتبه ایران در برخی از رتبه‌بندی‌های بین‌المللی



اشتغال زنان

سازمان همکاری‌ها اقتصادی و توسعه در یک رتبه‌بندی کشورها را بر اساس کمترین تبعیض بین مردان و زنان و بیشترین میزان تبعیض رده‌بندی کرده است.



رتبه کشورها با کمترین تبعیض

فرانسه: ۴
پرتغال: ۵
بلژیک: ۶

سوئیس: ۱
دانمارک: ۲
سوئد: ۳

رتبه کشورها با بیشترین تبعیض

اردن: ۱۱۷
کینه: ۱۱۶
لبنان: ۱۱۵

یمن: ۱۲۰
پاکستان: ۱۱۹
ایران: ۱۱۸

رانت نفت و گاز

اختلاف هزینه تمام‌شده تولید نفت و گاز با قیمت جهانی آن ضرب در میزان تولید آن در اینجا مقدار رانت در نظر گرفته شده است.



ثروت نفت و گاز به ازای هر نفر در منطقه در دو دهه اخیر

آمریکای شمالی: ۵۱۳۹۲ دلار

اروپا و آسیای مرکزی: ۶۳۸۷ دلار



میزان ثروت حاصل ۵ کشور از نفت و گاز در رتبه‌بندی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰

رتبه ۱: عربستان (۴۰۰۰ میلیارد دلار)

رتبه ۲: روسیه (۳۴۰۰ میلیارد دلار)

رتبه ۳: ایران (۱۷۸۰ میلیارد دلار)

رتبه ۴: آمریکا (۱۴۰۰ میلیارد دلار)

رتبه ۵: چین (۱۴۰۰ میلیارد دلار)

رانت نفت و گاز ایران

۱۷۸۰ میلیارد دلار

سرانه این رقم:

۲۰/۳ هزار دلار برای هر ایرانی

کیفیت زندگی دیجیتال

رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی دیجیتال بر اساس امتیازبندی معیارهای نام‌برده برای کشورهای منتخب انجام شده است. (حداکثر امتیاز یک است) (کشورهای منتخب)



رتبه ۲: کره جنوبی

شاخص کیفیت زندگی دیجیتال: ۰/۷۶
دسترسی به اینترنت ارزان: ۰/۱۶
کیفیت اینترنت: ۰/۹۳
زیرساخت‌های الکترونیک: ۰/۹۳
امنیت الکترونیک: ۰/۸۳
دولت الکترونیک: ۰/۹۵

رتبه ۱: دانمارک

شاخص کیفیت زندگی دیجیتال: ۰/۸۳
دسترسی به اینترنت ارزان: ۰/۶۰
کیفیت اینترنت: ۰/۷۴
زیرساخت‌های الکترونیک: ۰/۹۹
امنیت الکترونیک: ۰/۹۳
دولت الکترونیک: ۰/۹۳

رتبه ۵: آمریکا

شاخص کیفیت زندگی دیجیتال: ۰/۷۴
دسترسی به اینترنت ارزان: ۰/۱۱
کیفیت اینترنت: ۰/۷۳
زیرساخت‌های الکترونیک: ۰/۹۵
امنیت الکترونیک: ۰/۹۱
دولت الکترونیک: ۰/۹۷

رتبه ۳: فنلاند

شاخص کیفیت زندگی دیجیتال: ۰/۷۶
دسترسی به اینترنت ارزان: ۰/۳۲
کیفیت اینترنت: ۰/۶۱
زیرساخت‌های الکترونیک: ۰/۹۵
امنیت الکترونیک: ۰/۹۵
دولت الکترونیک: ۰/۹۵

رتبه ۸۳: ایران

شاخص کیفیت زندگی دیجیتال: ۰/۴۶
دسترسی به اینترنت ارزان: ۰/۱۰
کیفیت اینترنت: ۰/۴۰
زیرساخت‌های الکترونیک: ۰/۶۶
امنیت الکترونیک: ۰/۵۷
دولت الکترونیک: ۰/۵۵

رتبه ۵۴: ترکیه

شاخص کیفیت زندگی دیجیتال: ۰/۵۵
دسترسی به اینترنت ارزان: ۰/۵۵
کیفیت اینترنت: ۰/۴۸
زیرساخت‌های الکترونیک: ۰/۷۳
امنیت الکترونیک: ۰/۷۸
دولت الکترونیک: ۰/۷۰



شاخص ادراک فساد

بر اساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل از رتبه‌بندی جدید کشورها بر اساس شاخص ادراک فساد در جهان، ایران با کسب ۲۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز کل در میان ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۴۷ قرار گرفته است.

بهترین کشورها

دانمارک: ۱
فنلاند: ۲
نیوزیلند: ۳
نروژ: ۴
سنگاپور: ۵
سوئد: ۶

بدترین کشورها

سومالی: ۱۸۰
سوریه: ۱۷۸
ونزوئلا: ۱۷۷
یمن: ۱۷۶
لیبی: ۱۷۱
کره شمالی: ۱۷۱

ترکیه: ۱۰۱
روسیه: ۱۳۷
چین: ۶۵
امارات: ۲۷



شاخص فلاکت هانگه

استیو هانگه، وضعیت مردم را در کشورهای مختلف جهان روی طیف گسترده‌ای که از بدبخت‌ترین و غمگین‌ترین شروع و به شادترین ختم می‌شود، دسته‌بندی کرده است. او در این دسته‌بندی به معیارهایی همچون نرخ تورم، نرخ بیکاری و بدهی‌های بین‌المللی یک کشور که عمدتاً در چهارچوب «شاخص‌های فلاکت» مطالعه می‌شوند توجه کرده و در مقابل «رشد اقتصادی» را مهم‌ترین عامل برای حرکت کشورها به سوی خوشبختی تعریف کرده است.

۱۰ - ترکیه

۱۹ - ایران

۳۰ - لیبی

۵۰ - عراق

۱۴۳ - امارات

۱۵۳ - مالزی

۱۵۶ - کویت

۱۵۷ - سوئیس

۱ - زیمبابوه

۲ - ونزوئلا

۳ - سوریه

۴ - لبنان

۵ - سودان

۶ - آرژانتین

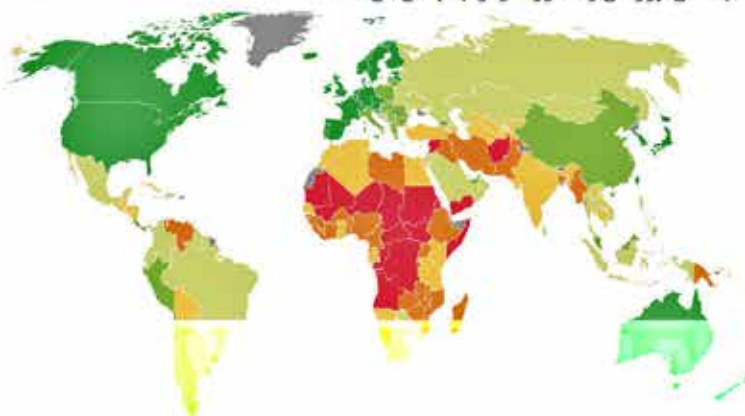
۷ - یمن

۸ - اوکراین



شاخص رفاه لگاتوم

مؤسسه پژوهشی لگاتوم سالانه سطح رفاه در ۱۴۲ کشور مختلف را براساس فرصت‌های کسب‌وکار، حکومت‌داری، آموزش، سلامت، امنیت و ایمنی، محیط زیست، آزادی‌های فردی و سرمایه اجتماعی بررسی و کشورها را رتبه‌بندی می‌کند.



نقشه رفاه جهان
۱-۳۰ ۳۱-۶۰ ۶۱-۹۰ ۹۱-۱۲۰ ۱۲۱-۱۵۰ ۱۵۱-۱۶۷

ضعیف‌ترین عملکرد ایران در ارکان

رتبه ایران (۲۰۲۳)

۱۲۶

۱۶۵
آزادی‌های فردی



۱۶۲
شرایط کسب و کار



بهترین عملکرد ایران در ارکان

۵۸
بهداشت



۷۸
آموزش



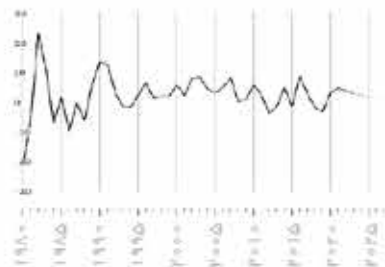
مرفه‌ترین کشورها در هر منطقه:

- آسیا - اقیانوسیه: نیوزیلند (رتبه ۱۰)
- آمریکای شمالی: کانادا (رتبه ۱۳)
- خاورمیانه و آفریقا: اسرائیل (رتبه ۳۳)
- اروپای شرقی: استونی (رتبه ۲۱)
- آفریقای سیاه: موریس (رتبه ۴۷)
- آسیای مرکزی و جنوبی: قزاقستان (رتبه ۶۹)
- آمریکای لاتین و کارائیب: شیلی (رتبه ۳۶)



۳

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی



Real GDP growth

چشم انداز کلان اقتصاد ایران

۰/۹۹

سهم تولید ناخالص داخلی حقیقی (براساس برابری قدرت خرید) از تولید جهانی



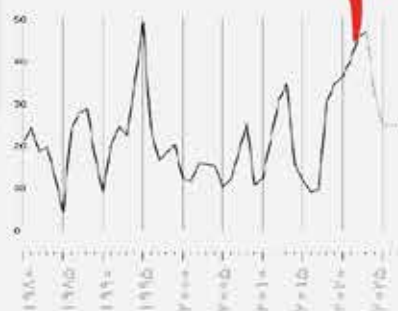
GDP based on PPP, share of world

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در آخرین به‌روزرسانی خود در مورد تحولات کلان اقتصاد ایران (اکتبر ۲۰۲۳) پیش‌بینی کرده است که اقتصاد کشور در سال ۲۰۲۳-۲۴ میلادی، برای سومین سال متوالی، به رشد متوسط خود، البته با سرعت کمتر نسبت به سال پیش، ادامه می‌دهد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۲۰۲۳-۲۴ میلادی، ۳/۸ درصد بود که به‌طور عمده از رشد بخش‌های خدمات و صنعت ناشی می‌شود. صندوق بین‌المللی پول تخمین می‌زند که نرخ رشد اقتصادی در سال جاری میلادی ۳ درصد باشد. به‌رغم تحریم‌ها، بخش نفت در طی سال گذشته و امسال با کمک بازارهای جهانی به صورت محدودی گسترش یافته است. با این حال، اقتصاد همچنان با محدودیت‌های رشد به‌ویژه چالش‌های مرتبط با تحریم‌های اقتصادی و دسترسی محدود به بازارهای خارجی و فناوری‌های جدید مواجه است.



پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول در مورد وضعیت بازار کار نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در سال جاری میلادی، همانند سال گذشته، با افزایش ۰/۱ واحد درصدی مواجه بوده به گونه‌ای که در طی دو سال اخیر، نرخ بیکاری از مقدار کمینه ۹/۲ درصد در سال ۲۰۲۱-۲۲ میلادی به ۹/۴ درصد در سال ۲۰۲۳-۲۴ میلادی رسیده است.

نرخ تورم



برابری قدرت خرید
میلیارد دلار

۲۵۰,۰۰۰

۲۰۰,۰۰۰

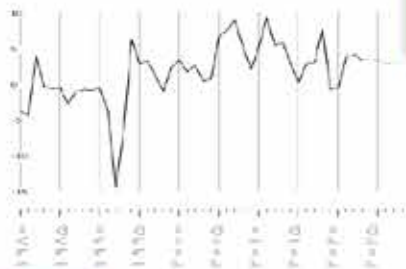
۱۵۰,۰۰۰

۱۰۰,۰۰۰

۵۰,۰۰۰



تراز تجاری (درصد از تولید ناخالص داخلی)



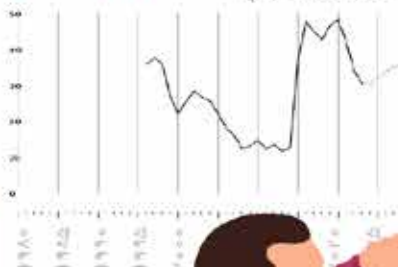
Current account balance, percent of GDP

نرخ بیکاری



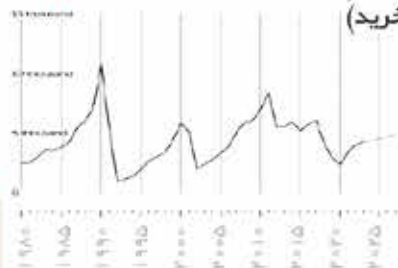
Unemployment rate

بدهی ناخالص دولت (درصد از تولید ناخالص داخلی)



General government gross debt

تولید ناخالص داخلی به قیمت های جاری (برابری قدرت خرید)



GDP per capita, current prices

%۴۷

صندوق بین المللی پول پیش بینی می کند که نرخ تورم با افزایش ۱/۲ واحد درصدی از ۴۵/۸ درصد در سال گذشته میلادی به ۴۷ درصد در سال جاری بالغ می شود. به هر حال، این پیش بینی به معنی آن است که به رغم کاهش شتاب افزایش سطح قیمت ها، نرخ تورم همچنان در سطحی بالاتر از متوسط بلندمدت تثبیت شده است.

در بخش اسمی، صندوق بین المللی پول تخمین می زند که نرخ تورم همچنان به روند صعودی خود از سال ۱۶-۲۰۱۵ ادامه می دهد با این تفاوت که افزایش نرخ تورم در سال جاری نسبت به افزایش بیش از ۵ واحد درصدی در سال گذشته محدودتر است.

افیک: علیرضا تاجیک



میلیون دلاری های ایرانی

امان از تورم فزاینده و سیاست تثبیت نرخ ارز که می تواند در تنها سالی از ۲۰۰۸ به بعد که تعداد میلیونرها (البته به دلار) در کل جهان نزولی بوده و کاهش یافته، در ایران بالا ببرد و افزایش دهد. همین چندی قبل بود که در گزارش ثروت جهانی که از سوی موسسه خدمات مالی و بانکی سوئیس (UBS) منتشر می شود، اعلام شد که طی سال میلادی گذشته ۱۰۴ هزار نفر به جمعیت میلیون دلاری های ایران افزوده شده است. یعنی طی فقط یک سال ۱۰۴ هزار نفر بوده اند که ثروت شان به حداقل یک میلیون دلار آمریکافزایش یافته و وارد باشگاه میلیون دلاری های ایران شده اند.

با توجه به اینکه اساساً ثروت مند شناخته شدن در کشور ما مساله مطلوب و پذیرفته شده ای در افکار عمومی نیست، کمتری کسی است که جسارت این را داشته باشد که خود را ثروت مند معرفی کند. البته تعدادی هم سعی کرده اند از تربیون های مختلف خود را ثروت مند و کارآفرین معرفی کنند که با تلاش و زحمت به ثروت دست یافته اند اما بعد از مدتی کوس رسوایی شان بر زمین افتاده و مشخص شده که یا کلاهبرداری یا رانت جو. با این حال کم هم نیستند افرادی که با سال ها تلاش و پشتکار و نوآوری و رقابت سالم با سایر فعالان اقتصادی، توانسته اند به واسطه جسارت و ریسک پذیری بیشتر، مدیریت بهتر، نوآوری بیشتر و ارائه محصولات و خدمات با کیفیت تر به مدیران موفق و ثروت مند تبدیل شوند. به ویژه گسترش بخش خدمات در چند سال گذشته، فرصتی طلایی برای ایده پردازان خوش فکر و مجریان توانمند این ایده ها فراهم کرد تا بتوانند ثروت خوبی به دست بیاورند، هر چند نه به اندازه میلیون دلار. هنوز هم میلیون دلاری ها، در اقتصاد ایران، کسانی هستند که در حوزه صنعت و تجارت در اقلام پر مصرف و کالاهای اساسی فعالیت می کنند یا در حوزه های معادن و

بد نیست بدانید که تعداد میلیون دلاری های ایران در نسخه سال گزارش ثروت جهانی همین موسسه که مربوط به سال ۲۰۲۱ میلادی می شود، ۱۴۲ هزار نفر برآورد شده بود. این آمار طی فقط یک سال حدود ۷۳ درصد افزایش یافته و به ۲۴۶ هزار نفر رسیده است. براساس این گزارش، ایران از نظر رشد جمعیت میلیونرهای خود در سال ۲۰۲۲ در رتبه دوم دنیا قرار گرفته و رتبه نخست نیز در اختیار برزیل است که جمعیت میلیونرهایش با افزایش ۱۲۰ هزار نفری در سال ۲۰۲۲ به ۴۱۳ هزار نفر رسیده است. گرچه اگر آمار رشد را به درصد حساب کنیم، ایران در صدر قرار خواهد گرفت (در جدول یک می توانید جزئیات بیشتری را ببینید).

بعد از برزیل و ایران نیز کشورهای نروژ، مکزیک و روسیه بیشترین افزایش را در تعداد میلیونرهایشان داشته اند. با این حال لازم است این پرسش را مطرح کنیم که چگونه در سال هایی که شرایط اقتصادی ایران خوب نیست، تورم بسیار بالا و رشد اقتصادی بسیار پایین است، رفاه و معیشت مردم روندی نزولی دارد و تحریم ها همچنان سفت و سخت تمام روزه ها را بسته و در دنیا نیز تعداد میلیونرها رو به کاهش گذاشته است، در ایران این روند فزاینده بوده است؟ همان طور که در ابتدا گفته شد هرگز نباید از تاثیر تورم فزاینده بسیار بالا در سال های گذشته و تلاش دولت برای سرکوب و تثبیت نرخ ارز گذشت. در این فاصله تورم، ارزش دارایی های افراد را به شدت بالا برده است در حالی که نرخ ارز چنین رشدی نداشته و از میانگین تورم کمتر بوده است. ضمن اینکه تورم در بخش هایی مانند مسکن از نرخ متوسط تورم عمومی کالاهای بالاتر بوده است، در نتیجه افرادی که دارایی های بیشتری داشته اند، برنده این بازی بوده اند و حالا میزان ثروت شان از میلیون دلار گذشته است. تورم اگرچه به زیان عمده مردم تمام می شود اما تعداد خیلی رانیز به ثروت های افسانه ای می رساند. شاید بد نباشد بدانید که تورم نقطه به نقطه در دی ماه ۱۴۰۱ به گزارش مرکز آمار ایران ۵۱/۳ درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفندماه ۱۴۰۱ برابر گزارش بانک مرکزی معادل ۶۳/۹ درصد بود که رقم بسیار بالایی است. در بازار آزاد نیز قیمت دلار در بازه زمانی دی ماه ۱۴۰۰ تا دی ماه ۱۴۰۱ یعنی اول و آخر سال ۲۰۲۲ تقریباً معادل ۴۳ درصد رشد داشته است.

از میلیونرهای ایرانی چه می دانیم؟

جدول ۱ - تغییر در جمعیت میلیونرها در کشورهای مختلف			
کشور	سال ۲۰۲۱	سال ۲۰۲۲	تغییرات
برزیل	۲۹۳	۴۱۳	۱۲۰
ایران	۱۴۲	۲۴۶	۱۰۴
نروژ	۲۴۷	۳۵۲	۱۰۴
مکزیک	۳۲۳	۳۹۳	۷۰
روسیه	۳۵۱	۴۰۸	۵۶

سال ۱۹۵۵ میلادی و یکی از موفق‌ترین بازرگانان ایرانی البته در خارج از کشور است. او در ایران به دنیا آمده و خانواده‌اش تا حوالی انقلاب ۵۷ در ایران بودند و بعد به بریتانیا مهاجرت کردند. فرهاد در دانشگاه یوسی ال اقتصاد و آمار خوانده و دوران حرفه‌ای خود را با کار در شرکت‌های معروفی مانند دیلویت آغاز کرده است. او در اوایل دهه ۱۹۹۰ با عثمانوف، میلیاردر روس، شریک می‌شود و در حوزه‌های مختلفی از معدن و فولاد گرفته تا مخابرات و تکنولوژی سرمایه‌گذاری و تجارت می‌کند. او که به همراه شریک روس خود بخشی از سهام تیم آرسنال را در اختیار داشت، با واگذاری این سهام در سال ۲۰۱۶ بخشی از سهام تیم اورتون را خریداری کرد و در سال ۲۰۱۹ سهام خودش را به مرز ۵۰ درصد رساند تا رئیس این باشگاه شود. مشیری همان‌طور که گفته شد حدود یک ماه قبل سهام خود را واگذار کرد و فعلاً از حوزه اقتصاد فوتبال خارج شده است. دارایی خالص او بیش از سه میلیارد دلار برآورد می‌شود.

امید کردستانی: او یکی از ستاره‌های درخشان سیلیکون ولی است که در تهران به دنیا آمده است. او در ۱۳ سالگی به سن خوزه در آمریکا رفت و بعداً در دانشگاه ایالتی همان‌جا مدرک مهندسی الکترونیک گرفت. او کارش را با فعالیت در بخش بازاریابی محصول شرکت HP آغاز کرد و بعد از مدتی نیز از دانشگاه استنفورد MBA گرفت و کارش را در شرکت‌های مختلف و مهم سیلیکون ولی پی گرفت. مدت پنج سالی در توییتر به عنوان مدیر اجرایی کار کرد و زمانی هم مشاور ویژه مدیرعامل گوگل بود. زمانی هم یکی از مدیران ارشد شرکت ودافن بود. امید کوهستانی بعد از آن هم معاون شرکت Netscape شد. دارایی خالص او بیش از دو میلیارد دلار برآورد می‌شود.

حسن خسروشاهی: خانواده خسروشاهی را به عنوان صنعتگران خوشنام در قبل از انقلاب می‌شناسند. پدرش علی خسروشاهی بنیانگذار شرکت مینو بود و زمانی که حسن سکان اداره این شرکت را در دست گرفت آن را به یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های صنایع غذایی کشور تبدیل کرد که تولید و صادرات زیادی داشت و سودآوری آن زبانزد بود. کارخانه‌های مینو و اموال خانواده خسروشاهی در جریان انقلاب مصادره شد و حسن خسروشاهی بعد از ناامیدی از بازپس‌گیری این اموال به کانادا رفت و آنجا مجدداً کسب و کار خود را با راه‌اندازی شرکت فیوچر شاپ ادامه داد. این شرکت به سرعت به یکی از بزرگ‌ترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای فروش محصولات الکترونیکی در کانادا تبدیل شد که شرکت‌های آمریکایی را به خرید آن وسوسه کرد. خسروشاهی فیوچر شاپ را به قیمت ۵۸۰ میلیون دلار واگذار کرد و هلدینگ پرسیس را راه‌انداخت تا کسب و کار خانواده خسروشاهی همچنان ادامه یابد. ثروت خالص حسن خسروشاهی بیش از ۱/۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

مانی مشعوف: او نیز یکی دیگر از ایرانی-آمریکایی‌های ثروتمند است که در یکی از رتبه‌بندی‌های نشریه فوربس جایگاه ۲۴۲ را بین ثروتمندترین افراد آمریکا به دست آورده بود. او بنیانگذار و دارنده برند Bebe است که در حوزه لوازم تزئینی و عطر برای بانوان فعالیت می‌کند. مشعوف تحصیل کرده دانشگاه سان‌فرانسیسکو در رشته علوم سیاسی است و با برخی از مشهورترین چهره‌ها و برندها در حوزه مد، لوازم آرایشی و پوشاک همکاری داشته است.

صنایع وابسته به منابع زیرزمینی فعالیت دارند یا اینکه تاجران بسیار خوش نام و خوش فکر و شناخته‌شده‌ای هستند.

در فهرست‌های مختلفی که از ایرانیان ثروتمند در رسانه‌ها و سایت‌های مختلف منتشر شده و مبنای آن هم چندان مشخص نیست، بیشتر چهره‌هایی به چشم می‌خورند که در ایران ساکن نیستند و فعالیت خود را به بیرون از مرزها برده‌اند. با این حال می‌توان از آنها به عنوان انسان‌های موفق یاد کرد که توانسته‌اند در بازارهای فوق‌رقابتی بین‌المللی برای خودشان ثروت و نامی دست‌وپا کنند. گرچه چندان به تقدم و تاخر نام‌ها و میزان دقیق ثروت این افراد نمی‌توان مطمئن بود اما بد نیست برخی از این نام‌ها را بایکدیگر مرور کنیم.

پی‌یر مراد امیدیار: او مهندس نرم‌افزار و کارآفرین ایرانی تبار و بنیانگذار eBay است. او در یک خانواده ایرانی در پاریس به دنیا آمد چون پدر و مادرش برای تحصیل به فرانسه رفته بودند. بعد از مدتی پدرش که پزشک جراح بود تصمیم گرفت به ایالات متحده مهاجرت کند و پی‌یر اغلب دوران کودکی و جوانی خود را در ویرجینیا گذراند. او در سال ۱۹۸۸ در دانشگاه ماساچوست لیسانس کامپیوتر گرفت. او با توجه به نبوغ و نوآوری که داشت توانست بسیار زود معروف و البته ثروتمند شود. او در سال ۱۹۹۱ دوران فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرد و یک استارت‌آپ برای فروش آنلاین را توسعه داد که پنج سال بعد در سال ۱۹۹۶ مایکروسافت آن را به قیمت یک میلیون دلار خریداری کرد و پی‌یر را به باشگاه میلیون‌دلاری‌ها برد. البته امیدیار یک سال قبل از فروش استارت‌آپ خود به مایکروسافت، کار روی یک سایت فروش آنلاین دیگر را آغاز کرده بود، چیزی که امروز همه ما آن را با نام eBay می‌شناسیم. گفته می‌شود ثروت امیدیار در حال حاضر حدود ۱۰ میلیارد دلار آمریکاست. پ

فرهاد مشیری: تا همین یک ماه پیش مالک باشگاه اورتون در لیگ برتر جزیره بود که آن را به قیمتی معادل ۶۸۵ میلیون دلار به گروه پارتیز ۷۷ فروخت. مشیری متولد

ثروت خالص او بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار برآورده می شود.

اسدالله عسگر اولادی: به گفته خودش یک کاسب جزء بود اما همه می گفتند هر روز قیمت زیره را در دنیا او تعیین می کند. کسی که اولین کار تجاری اش فروش خارو خاشاک به یک نانوایی برای استفاده به عنوان سوخت تنور بود، توانست با راه اندازی شرکت حساس و تجارت خشکبار به یکی از مشهورترین چهره های این حوزه در ایران و دنیا تبدیل شود. مرحوم عسگر اولادی در تهران به دنیا آمد و در دانشگاه تهران درس خواند و همیشه به دنبال یادگیری بود. اصول محکم و تخطی ناپذیری در فعالیت حرفه ای خودش داشت مانند اینکه هیچ وقت از بانک ها وام نگیرد. تاجری بسیار باهوش بود که توانست بسیاری از محصولات کشاورزی ایران را مانند زیره سیاه، زیره سبز، پسته، کشمش و دیگر خشکبار به سراسر جهان بفرستد و از

چین کمونیست گرفته تا آمریکای آزاد او را به عنوان یکی از چهره های بزرگ تجارت خشکبار دنیا بشناسند. عسگر اولادی تمام عمر خود را در ایران گذراند و تجارت کرد. اگر چه در مورد سرمایه گذاری های متعدد او در بخش های مختلف داستان های زیادی بر سر زبان هاست اما او اغلب همه آنها را تکذیب می کرد اگر چه از اینکه بگوید ثروتمند است ابایی نداشت. او یک بار پیشنهاد خرید نمایشگاه بین المللی تهران را به دولت داد که البته مورد پذیرش قرار نگرفت. عسگر اولادی که از او با عنوان سلطان پسته نیز یاد می شد در شهریور ۱۳۹۸ در ۸۶ سالگی درگذشت. اگر چه از میزان ثروت او اطلاع دقیقی در دست نیست اما دارایی های او تا حدود ۹ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

در میان ثروتمندان ایرانی نام های زیاد دیگری نیز وجود دارد، مانند علی انصاری که همه او را به عنوان بنیانگذار بانک آینده و سازنده ایران مال می شناسند. او مالک مجموعه های تجاری بزرگی با نام بازار میل ایران است. او احتمالا در حال حاضر یکی از ابر ثروتمندان ایرانی است که با وجود فعالیت های زیاد و شایعات فراوانی که در موردش وجود دارد، همچنان در حال فعالیت است.

اگر از دیگر ثروتمندان ایرانی بخواهیم نام ببریم باید از کسانی بگوییم که هم اکنون در زندان به سر می برند. کسانی مانند حسین هدایتی یا بابک زنجانی. هدایتی که زمانی در حوزه فولاد نام مشهوری بود، با ورود به عرصه فوتبال و هزینه کردهای گزاف خودش را بر سر زبان ها انداخت و همین باعث شد روی فعالیت های اقتصادی او تمرکز خاصی صورت بگیرد و در نهایت او را راهی زندان کند. بابک زنجانی نیز که زمانی با هوای پیمای شخصی به بانک هایش در کشورهای همسایه سر می زد و تجارت نفت می کرد، اکنون در زندان است و مشخص نیست پولی که بابت فروش نفت کشور به دست آورده و در خارج از مرزها نگهداری می کند، باز می گردد یا خیر. /

ثروتمندان جهان

کدام مدیران در فهرست ثروتمندترین افراد ۲۰۲۳ قرار گرفته اند؟

نشریه فوربس همه ساله فهرستی از ثروتمندترین افراد جهان را تهیه می کند. پانزده نفر نخست این فهرست در سال ۲۰۲۳ بر اساس برآوردهای این نشریه این افراد هستند.

Forbes





سرمایه‌گذاری‌های جذاب برای میلیاردرها

و بخشی از پورتفوی آنها از همان نوع شرکت‌هایی تشکیل شده که در سبد سرمایه‌گذاری سهامداران خرید یافت می‌شود. آنها از اهمیت سهام پایدار و قابل اعتماد که می‌توانند رشد ثابت و در برخی موارد سود سهام بزرگی را ارائه دهند، اطلاع دارند. با این حال، میلیاردرها منابعی برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل عمیق در مورد دارایی‌هایی دارند که این دارایی‌ها نسبت به بلو چیپ‌ها (بازارزش‌ترین شرکت‌های موجود در بازار)، کمتر آشنا هستند و البته ریسک بیشتری نیز دارند. آنها داده‌ها و بودجه لازم را برای سرمایه‌گذاری در IPOها (عرضه‌های اولیه عمومی)، خرید سهام در بازارهای نوظهور و قمار روی استارت‌آپ‌های امیدوارکننده دارند، به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران دیگر نمی‌توانند با آنها رقابت کنند. به عنوان مثال، برکشایر هاتاوی متعلق به وارن بافت، موقعیت بزرگی در شرکت پیشرو خودروهای الکتریکی چین، BYD، دارد که در هیچ بورسی در ایالات متحده فهرست نشده است. سرمایه‌گذاری بزرگی نیز تحت مدیریت بافت، در شرکت فین تک برزیلی Nu Holdings وجود دارد. همچنین برکشایر هاتاوی، در عرضه اولیه سهام شرکت اسنوفلیک شرکت داشت.

میلیاردرها در مورد نحوه سرمایه‌گذاری ثروت خود، گزینه‌های نامحدودی دارند. آنها می‌توانند بر ادامه رشد ثروتشان تمرکز کنند، یا از پول خود برای دنبال کردن علایقشان استفاده کنند؛ که برخی از آنها سودآور هستند، برخی دیگر نه. به عنوان مثال، ایلان ماسک (با دارایی حدود ۲۳۵ میلیارد دلار) دومین فرد ثروتمند در جهان و ثروتمندترین فرد در ایالات متحده است. در حالی که تنوع در پورتفولیوی ایلان ماسک وجود دارد، با این حال بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های او در پروژه‌های مربوط به تمایلات و علایق ماسک - تسلا، اسپیس ایکس و تویتر - است.

جف بزوس، بنیانگذار آمازون و سومین مرد ثروتمند جهان، بیشتر ثروت خود را در آمازون سرمایه‌گذاری کرده است. او ۱۰ درصد از این شرکت نزدیک به یک تریلیون دلاری را در اختیار دارد. به طور خلاصه، وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری میلیاردرها می‌شود، دقیق‌ترین پاسخ، شرکت‌های خودشان است. با این حال، آنها هنوز میلیاردها دلار دیگر دارند که باید آن را در جایی قرار دهند. پرسش مهم این است که: آنها این سرمایه‌ها را در چه صناعی سرمایه‌گذاری می‌کنند؟

بازار سهام

اکثر میلیاردرها در بازار سهام پول دارند



سرمایه‌گذاری در سهام خصوصی

با وجود اینکه IPOها یا عرضه‌های اولیه عمومی، به این دلیل که اولین فرصت برای خرید سهام در شرکت‌های نویدبخش آینده هستند، برای اکثر سرمایه‌گذاران هیجان‌انگیز است؛ با این حال، میلیاردرها منابع مالی و ارتباطات لازم را برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های در حال رشدی دارند که پتانسیل تبدیل شدن به اپل یا آمازون بعدی را قبل از اینکه عرضه عمومی شوند، دارند. این سرمایه‌گذاری‌ها با ریسک قابل توجهی همراه هستند، اما پاداش آن می‌تواند قابل توجه باشد. به عنوان مثال، زمانی که DoorDash و Bumble در سال ۲۰۲۱ عرضه عمومی شدند، بنیانگذاران آنها میلیاردر شدند و میلیاردرهایی که قبل از IPO سرمایه‌گذاری کرده بودند، مبالغ هنگفتی به ثروت خود اضافه کردند. از سوی دیگر، میلیاردرهایی که در استارت‌آپ فناوری سلامت ترانوس (Theranos) سرمایه‌گذاری کردند، وقتی مشخص شد ترانوس نمی‌تواند به وعده‌هایش عمل کند، همه چیز را از دست دادند.

کامودیتی‌ها

کالاها اغلب بخش دیگری از پورتفوی میلیاردرها را تشکیل می‌دهند و داشتن چنین دارایی‌هایی می‌تواند به محافظت در برابر ریسک، تورم و نوسانات کمک کند. به عنوان مثال، در سناریویی که تورم برای بقیه بازار مشکل ایجاد می‌کند، سرمایه‌گذاری در مواد اولیه که قیمت آنها در حال افزایش است، می‌تواند به محافظت از افراد در صورت آسیب دیدن سایر بخش‌های سبد سهامشان کمک کند. مردم و اقتصادها به کالاها وابسته هستند و تورم باعث می‌شود ارزش پولی بیشتری داشته باشند. مواد خام و محصولات کشاورزی، مانند فلزات گرانبها، فلزات صنعتی مانند مس، نفت و گاز طبیعی، قهوه، ذرت، گوشت خوک و دانه‌های سویا، انواع محبوبی از کالاها هستند که به وسیله میلیاردرها یا نمایندگان آنها نگهداری و معامله می‌شوند.

املاک و مستغلات



میلیاردرها باید به اندازه هر سرمایه‌گذار دیگری نقدینگی‌شان را مدیریت کنند، اما اثر و نشان به آنها این امکان را می‌دهد که دارایی‌های مشهود غیر نقدی نیز خریداری کنند. رایج‌ترین مثال این دارایی‌ها، املاک و مستغلات است که شامل اموال شخصی مانند خانه‌هایی در مکان‌های مطلوب و گاهی اوقات جزایر کوچک است. بسیاری از میلیاردرها دارای مجموعه‌ای از املاک تجاری، زمین و طرح‌های توسعه هستند؛ هم به دلیل پتانسیل این دارایی‌ها برای ایجاد سود، هم به دلیل افزایش ثباتی که این افراد می‌توانند از آن برای متعادل کردن سهام خود استفاده کنند. ساختمان‌های اداری محبوب‌ترین انتخاب هستند و پس از آن مراکز خرده‌فروشی و مراقبت‌های بهداشتی قرار دارند. همچنین از زمان حمله روسیه به اوکراین، خرید زمین‌های کشاورزی افزایش یافته است، زیرا این درگیری خطر تکیه بر یک منطقه کوچک به عنوان بخش بزرگی از عرضه غذایی جهان را نشان داد.

دارایی‌های جایگزین

علاوه بر املاک و مستغلات، بسیاری از دارایی‌های ملموس دیگر نیز وجود دارد که میلیاردرها، هم برای سود بالقوه‌ای که دارند و هم برای لذت بردن خودشان آنها را می‌خرند. به عنوان مثال، جمع‌آوری آثار هنری یک سرگرمی محبوب و مورد علاقه در میان ثروتمندان است.

برخی از مجموعه‌داران خصوصی گالری‌هایی دارند که با موزه‌های کوچک رقابت می‌کنند، مانند دیوید گفن (با خالص دارایی ۷/۷ میلیارد دلار)، که صاحب بزرگ‌ترین مجموعه هنری خصوصی در ایالات متحده و دومین مجموعه بزرگ در جهان است. استیون کوهن، مدیر بدنام صندوق تأمین (با خالص دارایی ۱۷ میلیارد دلار) بیش از یک میلیارد دلار در هنرهای زیبا سرمایه‌گذاری کرده است، از جمله آثار جف کونز، پیکاسو و واندی وارهول. سایر کلکسیون‌های ارزشمندی که می‌توان در مجموعه‌های میلیاردرها یافت، شامل کتاب‌های کمیاب، خودروها، آلات موسیقی کمیاب یا قدیمی، نسخه‌های خطی اصلی کتاب‌های معروف، جواهرات و مالکیت معنوی است. مایکل دل، بنیانگذار Dell Computers، روی عکس‌های قدیمی سرمایه‌گذاری کرد و جف بزوس، بنیانگذار آمازون، موشک‌های تقویت‌کننده آپولو ۱۱ را به همراه ده‌ها مصنوع دیگر ناسا از کف اقیانوس بیرون آورد. لری ایلسون او راکل دارای مجموعه‌ای چشمگیر از هواپیماها و خودروهاست و مایکروسافت متعلق به بیل گیتس، ماشین‌های اسپرت لوکس را جمع‌آوری می‌کند؛ ماشین‌هایی که ارزش آنها در طول زمان افزایش می‌یابد.



ارزهای دیجیتال

ارزهای دیجیتال، مانند بیت کوین، دوج کوین و اتریوم، برای بسیاری از جمله میلیاردرها بی ثبات و ترسناک به نظر می‌رسد، اما برخی از میلیاردرها سرمایه‌گذاری روی آنها را انتخاب کرده‌اند. حقیقت این است که ارزهای دیجیتال از نظر مشروعیت و ارزش در حال رشد هستند. ارز دیجیتال - بلاک چینی که بر روی آن ساخته شده است - یک فناوری انقلابی است که می‌تواند بسیاری از صنایع را تغییر دهد. بخشی از جذابیت کریپتو برای میلیاردرها این است که امکان ذخیره‌ایمن پول را فراهم می‌کند. به دلیل رمزنگاری، ارز دیجیتال را نمی‌توان مشمول مالیات، سرقت یا مصادره کرد. همچنین غیرسیاسی و به دور از نظارت دولت است. به علاوه، می‌توان آن را در سطح جهانی بدون نگرانی در مورد تغییر نرخ ارز استفاده کرد. البته ارزهای دیجیتال هنوز غیر قابل پیش‌بینی هستند و کاربرد گسترده‌ای پیدا نکرده‌اند. این امر بعضی از میلیاردرها را از سرمایه‌گذاری روی آنها باز می‌دارد، اما برخی دیگر ارزهای دیجیتال را فرصتی برای رشد ثروت خود یا حداقل محافظت از آن در برابر مالیات می‌دانند. این ارزها جابه‌جایی پول یا پرداخت هزینه‌ها را در کشورهای دیگر آسان می‌کنند.

امنیت سایبری

یکی از برترین صنایعی که امروزه میلیاردرها و تقریباً هر شرکتی عمدتاً از سر ناچاری در آن سرمایه‌گذاری می‌کند، امنیت سایبری است. با تکامل مداوم فناوری، تهدیدات و حملات سایبری روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند و این موضوع، سرمایه‌گذاری در سیستم‌های دفاعی قوی‌تر را ضروری می‌کند. میلیاردرها به این زمینه توجه کرده و سرمایه‌گذاری هنگفتی در شرکت‌های امنیت سایبری، از استارت‌آپ‌ها گرفته تا آنهایی که با سابقه هستند، انجام داده‌اند.

خودروهای برقی

وسایل نقلیه الکتریکی (EVs) در

سال‌های اخیر به یک گزینه محبوب برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند. خودروهای برقی نه تنها از خودروهای بنزینی سنتی پایدارتر هستند، بلکه مالکان آنها از کاهش هزینه سوخت و نیازهای تعمیر و نگهداری کمتر در مقایسه با خودروهای بنزینی بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این، داشتن یک خودرو الکتریکی به دلیل اعتبارات مالیاتی، مشوق‌های زیست‌محیطی و سایر عوامل می‌تواند بازده سرمایه‌گذاری بسیار خوبی داشته باشد. وقتی در مورد خودروهای الکتریکی صحبت می‌کنیم، منظور ما فقط خودروها نیست. اخیراً، نخستین کشتی باری تمام الکتریکی (Yara Birkeland)، به آب انداخته شد. این کشتی انقلابی بزرگ در زمینه پایدارسازی محیط زیست و بهره‌وری انرژی در صنعت کشتیرانی است.

صنعت فضا

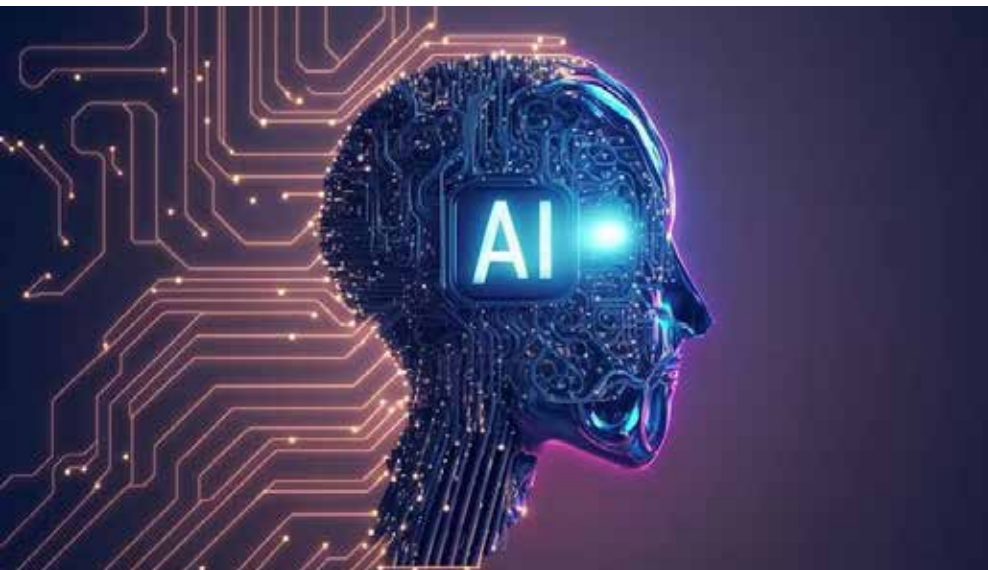
صنعت فضا یکی از هیجان‌انگیزترین صنایع برای سرمایه‌گذاری میلیاردرهاست. آنها از طریق شرکت‌های خصوصی مانند اسپیس ایکس و بلو اوریجین که از طریق پرتاب‌های جاه‌طلبانه و اکتشافات فضایی خبرساز شده‌اند، میلیاردها دلار برای موفقیت و دستاوردهای خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با فضا بازده بالقوه زیادی دارند، از پرتاب ماهواره و خدمات ارتباطی گرفته تا استخراج سیارک‌ها و گردشگری فضایی. فناوری فضایی در سال‌های اخیر به سرعت در حال پیشرفت بوده و نهادهای خصوصی بیشتری وارد این صنعت شده‌اند و مرزهای فناوری را فراتر برده‌اند.

هوش مصنوعی (به ویژه OpenAI و ChatGPT)

Open AI یک آزمایشگاه تحقیقاتی هوش مصنوعی است که رشد و سرمایه‌گذاری قابل توجهی در مدت زمان بسیار کوتاه دارد و میلیاردها دلار به این صنعت تزریق می‌شود. اوپن ای‌آی راه‌حل‌های مختلفی برای کمک به کسب و کارها در استفاده و توسعه فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی ارائه می‌دهد. مأموریت اوپن ای‌آی این است که اطمینان حاصل کند هوش مصنوعی به نفع همه بشریت است، به این معنی که سرمایه‌گذاری‌های آنها با هدف توسعه برنامه‌های کاربردی ایمن و اخلاقی برای فناوری هوش مصنوعی است؛ شامل پروژه‌هایی مانند روباتیک، پردازش زبان طبیعی و یادگیری ماشینی، که همگی کاربردهای گسترده‌ای در بسیاری از صنایع از مراقبت‌های بهداشتی تا مالی دارند.

صنایع ثروت‌ساز

به گزارش فوربس، در حالی که صنایع پرزرق و برق مانند ورزش، رسانه و سرگرمی می‌توانند بسیاری از ورزشکاران، بازیگران و تولیدکنندگان میلیونر را جذب کنند، اما آنهایی



بزرگ‌ترین سازنده واکسن جهان (براساس دوز).

-غذا و نوشیدنی-

۲۰۳ میلیارد/هشت درصد از فهرست

ثروتمندترین: ژونگ شان‌شین (۶۵/۷ میلیارد دلار)، رئیس شرکت آب معدنی Nongfu Spring. او همچنین داروخانه بیولوژیک «وانتای» پکن را که در فهرست عمومی قرار دارد، کنترل می‌کند.

-املاک و مستغلات-

۱۹۳ میلیارد/هفت درصد از فهرست

ثروتمندترین: لی شاو کی (۳۲/۶ میلیارد دلار)، یکی از بنیانگذاران توسعه‌دهنده املاک «سان هونگ کای». قبل از آن، او توسعه‌دهنده سون‌لندر در سال ۱۹۷۶ آغاز کرد که بخش اعظم ثروت او را تشکیل می‌دهد.

-پور تفوی متنوع-

۱۸۰ میلیارد/هفت درصد از فهرست

ثروتمندترین: موکش آمبانی (۹۰/۷ میلیارد دلار)، رئیس صنایع Reliance. این شرکت در زمینه پتروشیمی، نفت و گاز، خرده‌فروشی و مخابرات فعالیت دارد.

-رسانه و سرگرمی-

۱۰۹ میلیارد/چهار درصد از فهرست

ثروتمندترین: مایکل بلومبرگ (۸۲ میلیارد دلار)، یکی از بنیانگذاران شرکت اطلاعات مالی و رسانه‌ای بلومبرگ LP.

-انرژی-

۹۵ میلیارد/چهار درصد از فهرست

ثروتمندترین: فن هونگ‌وی (۱۸/۲ میلیارد دلار)، رئیس شرکت تامین‌کننده فیبر، Hengli Petrochemical، که پلی‌استر و منسوجات تولید می‌کند. /دنیای اقتصاد

که ثروتشان به میلیاردها می‌رسد معمولاً افراد معدودی هستند که سهام مالکیت در برندها و شرکت‌های پرسود دارند. ۲۶۶۸ میلیارد در موجود در فهرست فوربس در سال ۲۰۲۲، ثروت خود را به روش‌های مختلف تثبیت کرده‌اند. در ادامه، فهرست کاملی از بزرگ‌ترین صنایع برای میلیاردها آمده است:

-امور مالی و سرمایه‌گذاری-

۳۹۳ میلیارد/۱۵ درصد از فهرست

ثروتمندترین: وارن بافت (۱۱۸ میلیارد دلار)، رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل شرکت برکشایر هاتاوی، که دارای سهام بیش از ۶۰ شرکت از جمله Duracell و Dairy Queen است.

-تولید-

۳۳۷ میلیارد/۱۳ درصد از فهرست

ثروتمندترین: هه‌ژیان‌جیان (۲۸/۳ میلیارد دلار)، بنیانگذار گروه تولید لوازم خانگی Midea. این شرکت بیش از ۲۰۰ شرکت تابعه دارد و در بورس اوراق بهادار شنژن معامله می‌کند.

-تکنولوژی-

۳۳۲ میلیارد/۱۲ درصد از فهرست

ثروتمندترین: جف بزوس (۱۷۱ میلیارد دلار)، مؤسس غول تجارت الکترونیک آمازون، دومین فرد ثروتمند جهان و همچنین صاحب واشنگتن پست و شرکت موشکی بلوآوریجین است.

-مد و خرده‌فروشی-

۲۵۰ میلیارد/۹ درصد از فهرست

ثروتمندترین: برنارد آرنو (۱۵۸ میلیارد دلار)، رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل LVMH، که مالک بیش از ۷۰ برند از جمله لویی ویتون، تیفانی و Co. and Sephora است.

-مراقبت‌های بهداشتی-

۲۱۷ میلیارد/هشت درصد از فهرست

ثروتمندترین: سایروس پوناوالا (۲۴/۳ میلیارد دلار)، بنیانگذار موسسه «سرم» هند،



تصویر تجارت با ترکیه در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

فراز و فرود تجاری ایران و ترکیه

سهم) به ترتیب ۹ درصد و ۱۳ درصد از ارزش کل صادرات این کشور در سال ۲۰۲۲ را تشکیل می‌دهد.

با وجود اینکه طی دهه اخیر ترکیه همواره از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران بوده، تجارت با این کشور روند نزولی را در پیش گرفته و ایران نتوانسته جایگاه خود را در بازار کالایی ترکیه حفظ کند، به گونه‌ای که از رتبه ۷ در میان مبادی وارداتی ترکیه در سال ۲۰۱۳ به رتبه ۲۳ در سال ۲۰۲۲ سقوط کرده است. به طور کلی مطابق با آمار گمرک ترکیه، مبادلات تجاری ایران و ترکیه در سال ۲۰۲۲ حدود ۵/۴ میلیارد دلار (۳ میلیارد دلار صادرات و ۲/۴ میلیارد دلار واردات) بوده است. صادرات ایران به ترکیه را اغلب مواد اولیه خام تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که مطابق با آمارهای گمرک ایران در سال ۱۴۰۱ «گاز طبیعی مایع شده» مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به ترکیه بوده و سهم حدود ۴۱ درصدی از کل ارزش صادرات بدون نفت خام ایران به ترکیه را به خود اختصاص داده است. «آلومینیوم» و «سایر اوره حتی به صورت محلول در آب» پس از گاز طبیعی، حدود ۱۷ درصد از ارزش صادرات بدون نفت خام ایران در سال ۱۴۰۱ را تشکیل می‌دهند.

۷ رشته فعالیت مهم در نظر گرفته شده در این گزارش (محصولات صنایع غذایی، محصولات معدنی، محصولات صنایع شیمیایی، پوست خام، چرم، پوست‌های نرم و اشیای ساخته شده

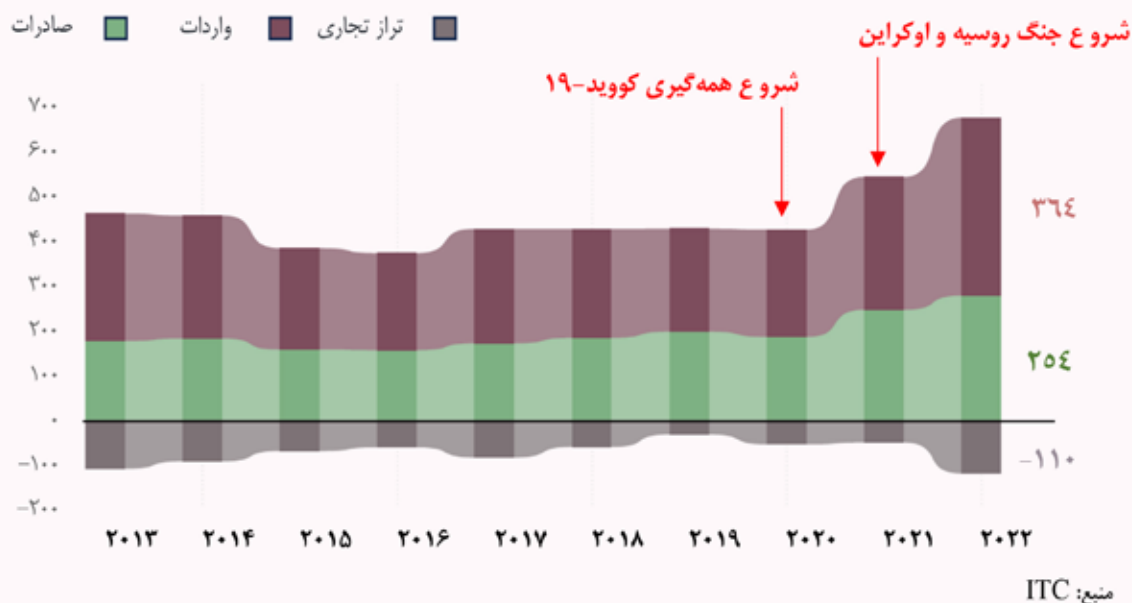
در این گزارش، ضمن نگاهی به وضعیت تجارت ترکیه با جهان، روابط تجاری این کشور با ایران مورد تحلیل قرار گرفته و در پایان به وضعیت صادرات ایران به ترکیه در ۷ رشته فعالیت کلیدی، طی سال‌های اخیر پرداخته شده است.

با وجود مواجهه با بحران کووید ۱۹ ترکیه توانسته طی ۱۰ سال گذشته، سطح صادرات خود را حفظ کند و پس از آن حتی با سرعت بیشتری افزایش دهد و همچنان انگیزه جست‌وجو برای بازارهای جدید، بهبود قدرت رقابتی و در نتیجه گسترش صادرات را برای این کشور فراهم کند. در بخش واردات نیز، این کشور شاهد افزایش موازی در ارزش کالاهای وارداتی بوده است.

به طور کلی در سال ۲۰۲۲ تجارت ترکیه بالغ بر ۶۱۸ میلیارد دلار بوده که ۲۵۴ میلیارد دلار آن متعلق به صادرات و ۳۶۴ میلیارد دلار مربوط به واردات بوده است. شایان ذکر است، تراز تجاری این کشور طی سال مذکور منفی ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است. آلمان، آمریکا، عراق، انگلستان و ایتالیا، ۵ مقصد عمده صادراتی محصولات ترکیه با سهم حدود ۳۰ درصدی بوده‌اند و در مقابل روسیه، چین، آلمان، سوئیس و آمریکا با سهم حدود ۶۱ درصد عمده مبادی وارداتی این کشور در سال ۲۰۲۲ را تشکیل داده‌اند. مهم‌ترین کالاهای صادراتی و وارداتی ترکیه در سال ۲۰۲۲ (۳۳ کالای ابتدایی با بیشترین



نمودار ۱. تجارت کالایی ترکیه با جهان طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ (میلیارد دلار)



کشور و همچنین نقش ترکیه به عنوان یک بازیگر مهم در تجارت جهانی، لازم است راهکارهایی جهت رفع مشکلات و موانع موجود برای افزایش سهم ایران در بازار این کشور ارائه شود. ترکیه طی سال‌های اخیر تلاش‌های قابل توجهی برای گسترش روابط تجاری و تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی خود انجام داده است. دولت این کشور ابتکارات مختلفی را برای افزایش رقابت تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای رشد اقتصادی اجرا کرده است. این تلاش‌ها منجر به تبدیل شدن ترکیه به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان به ویژه در بخش نساجی و خودرو شده است. شایان ذکر است، این کشور توانسته طی سال‌های گذشته مقاصد صادراتی خود را گسترش دهد و شرکای تجاری خود را متنوع‌تر کند. با توجه به موقعیت استراتژیک ترکیه برای ایران و همچنین جایگاه ایران و ترکیه به عنوان دو همسایه با سابقه دیرین از لحاظ مراودات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، این دو کشور همواره از شرکای تجاری مهم هم تلقی شده‌اند. ترکیه برای ایران هم در صادرات و هم در واردات شریک مهمی محسوب شده و سهم قابل توجهی از تجارت ایران را به خود اختصاص داده و همواره طی سال‌های اخیر از مهم‌ترین مقاصد صادراتی و مبادی وارداتی (سومین شریک تجاری مهم) برای آن بوده است.

از این مواد، مواد نساجی، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی و وسایل نقلیه) به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ سهم حدود ۲۹ درصد، ۵۴/۵ درصد و ۶۴/۵ درصد از ارزش صادرات بدون نفت خام ایران به ترکیه را به خود اختصاص داده‌اند که در میان آنها ایران تنها توانسته در صادرات مواد معدنی و محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته به آن عملکرد بهتری داشته باشد (سهم بالای ۹۰ درصد از ارزش از ۷ رشته فعالیت مورد بررسی).

با توجه به اهمیت گسترش مراودات تجاری ایران با ترکیه به عنوان یکی از شرکای اصلی، خود و کاهش سهم ایران در بازار این

نمودار ۲. سهم عمده گروه کالاهای ترکیه از کل ارزش صادرات و واردات آن در سال ۲۰۲۲ (درصد)



جدول ۱. ۱۰ کالای عمده صادراتی و وارداتی ترکیه در سال ۲۰۲۲ (میلیارد دلار-درصد)

صادرات				واردات			
ردیف	کد تعرفه	شرح تعرفه	ارزش	ردیف	کد تعرفه	شرح تعرفه	ارزش
۱	۲۷۱۰۱۹	سایر روغنهای غنی و روغنهای حاصل از مواد معدنی قیری، غیر خام	۹.۸	۱	۷۱۰۸۱۲	سایر اشکال خام طلا (از جمله طلای آبکاری شده یا پلاتین)	۲۰.۴
۲	۷۱۱۳۱۹	پورسلان یا جواهر آلات و اجزای آنها از سایر فلزات گرانبها، حتی آبکاری شده	۸.۰	۲	۲۷۱۰۱۹	سایر روغنهای غنی و روغنهای حاصل از مواد معدنی قیری، غیر خام	۱۸.۳
۳	۸۷۰۲۲۱	وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل کالا یا وزن ناخالص وسیله نقلیه (GVW) حداکثر ۵ تن	۴.۲	۳	۷۲۰۲۲۹	سایر قراضه و ضایعات چدن، آهن یا فولاد	۹.۵
۴	۹۹۹۹۹۹	سایر کالاها	۴.۱	۴	۲۷۰۱۱۲	زغال سنگ قیری	۷.۸
۵	۷۲۱۲۲۰	سایر میلهها از آهن یا از فولادهای غیر مزوج	۴.۰	۵	۷۲۰۱۱۰	آلومینوم غیرمزوج	۳.۵
۶	۸۷۰۲۴۰	سایر وسایل نقلیه، با هر دو موتور پیستونی درونسوز جرقهای احتراقی تناسلی و موتور برقی	۳.۳	۶	۷۲۰۲۱۱	کاکه و قهقهات کاکه	۳.۴
۷	۲۷۱۰۱۲	روغنهای سبک و فرآوردههای آن	۳.۲	۷	۱۰۰۱۹۹	سایر کتدم و مخلوط کتدم	۳.۳
۸	۸۷۰۲۲۱	کامیونهای سواری و سایر وسایل نقلیه موتوری با حجم سیلندر تا ۱ سیسی	۲.۴	۸	۵۲۰۱۰۰	تبلت، حلالی نشده یا شله زرد	۳.۲
۹	۸۵۲۳۴۹	سایر سیم عایق شده، کابل، و سایر هدایای برق عایق شده	۲.۴	۹	۸۷۰۲۲۲	توسیل‌های سواری و سایر وسایل نقلیه موتوری با حجم سیلندر بیشتر از ۱ سیسی اما کمتر از ۱۵ سیسی	۲.۹
۱۰	۵۷۰۲۲۲	فرش و سایر کپوش‌ها از مواد نسجی سنتتیک یا مصنوعی	۲.۲	۱۰	۲۹۰۲۱۰	پلی پروپیلن	۲.۹
سهم از کل ارزش صادرات ترکیه در سال ۲۰۲۲			۱۷.۲	سهم از کل ارزش واردات ترکیه در سال ۲۰۲۲			۲۰.۷
کل ارزش صادرات			۲۵۴	کل ارزش واردات			۳۱۴

منبع: ITC

به گونه‌ای که پس از آغاز آن، مناسبات تجاری بین دو کشور با افزایش همراه بوده و روسیه در سال ۲۰۲۲ به عمده‌ترین مبدا وارداتی ترکیه تبدیل شده است. در واقع، واردات نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ ترکیه از روسیه در سال ۲۰۲۲ به میزان قابل توجهی افزایش یافته و دلیل آن راتحریم روسیه توسط غرب می‌توان عنوان کرد که در راستای آن روسیه مجبور شد صادرات انرژی خود به بازار اتحادیه اروپا را متوقف کند و آن را به قیمت ارزان تر به سایر کشورها به فروش برساند. آنکارا به شدت از چنین فرصتی استفاده کرد و حتی در حال انجام مذاکرات با مسکو برای ایجاد یک هاب گاز طبیعی در خاک ترکیه است که این کشور را به پلی برای صادرات گاز روسیه برای ورود به بازارهای اروپایی تبدیل کند. ترکیه همچنین در حال مذاکره با روسیه برای دریافت تخفیف ۲۵ درصدی گاز طبیعی خود است.

در خصوص مناسبات تجاری بین ایران و ترکیه طی دهه گذشته (بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲) با وجود اینکه ترکیه سومین شریک تجاری مهم ایران محسوب می‌شود، اما ایران نتوانسته جایگاه خود را در بازار کالای ترکیه حفظ کند، به گونه‌ای که از رتبه ۷ در میان مبادی وارداتی ترکیه در سال ۲۰۱۳ به رتبه ۲۳ در سال ۲۰۲۲ سقوط کرده است. شایان ذکر است، سهم ایران در بازار ترکیه نیز از ۴ درصد از کل ارزش واردات این کشور در سال ۲۰۱۳ به حدود ۰/۹ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته که یکی از علل این کاهش را می‌توان جایگزین کردن روسیه به جای ایران در واردات نفت و گاز و همچنین کشف منابع جدید گازی در ترکیه عنوان کرد. مطابق نمودار ۱، به طور کلی در سال ۲۰۲۲ تجارت ترکیه بالغ بر ۶۱۸ میلیارد دلار بوده که ۴۱ درصد آن را (معادل ۲۵۴ میلیارد دلار) صادرات و مابقی آن معادل ۳۶۴ میلیارد دلار را واردات تشکیل داده است. تراز تجاری این کشور طی سال مذکور منفی ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است. روند صادرات ترکیه طی دهه اخیر نشان می‌دهد که این کشور با وجود مواجهه با بحران کووید ۱۹ توانسته سطح صادرات خود را حفظ کند و پس از آن حتی با سرعت بیشتری افزایش دهد که این اتفاق نه تنها طی این

با توجه به اهمیت مرادات تجاری با ترکیه برای ایران و از دست دادن جایگاه کشور در بازار ترکیه (سقوط از رتبه ۷ در میان مبادی وارداتی ترکیه در سال ۲۰۱۳ به رتبه ۲۳ در سال ۲۰۲۲) در ادامه این گزارش، ضمن نگاهی به وضعیت تجارت ترکیه با جهان، روابط تجاری این کشور با ایران مورد تحلیل قرار گرفته و در پایان به وضعیت صادرات ایران به ترکیه در ۷ رشته فعالیت کلیدی، طی سال‌های اخیر پرداخته شده است.

تجارت ترکیه با جهان

طی دهه گذشته، ترکیه رشد قابل توجهی را در صادرات و واردات خود تجربه کرده است. از نظر صادرات، این کشور شاهد افزایش مستمر ارزش کالاهای صادراتی خود بوده و بخش‌های کلیدی مانند خودرو، نساجی، ماشین‌آلات و مواد شیمیایی نقش مهمی در پیشبرد این رشد ایفا کرده‌اند.

در بخش واردات، ترکیه شاهد افزایش ارزش کالاهای وارداتی به ویژه در مقوله‌هایی مانند محصولات انرژی، ماشین‌آلات، الکترونیک و مواد شیمیایی بوده که نشان‌دهنده افزایش تقاضای این کشور برای حمایت از صنایع و زیرساخت‌های در حال رشد خود است. شایان ذکر است ترکیه روابط قابل توجهی با بازیگران بزرگ جهانی از جمله چین، آلمان، روسیه و آمریکا برقرار کرده و این کشورها جزو عمده مبادی وارداتی این کشور هستند.

یکی از اتفاقات مهم در خصوص تجارت ترکیه، تحت تاثیر قرار گرفتن آن توسط جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۱ بوده،

نمودار ۳. تجارت کالایی ایران با ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ (میلیارد دلار)



بحران، بلکه طی دو دهه گذشته نیز صادق بوده و ترکیه همواره تحت تاثیر بحران‌های اقتصادی قرار نگرفته است و از این طریق توانسته همچنان انگیزه جست‌وجو برای بازارهای جدید، بهبود قدرت رقابتی و در نتیجه گسترش صادرات را برای این کشور فراهم کند. شایان ذکر است، طی دهه گذشته تراز تجاری ترکیه همواره منفی بوده و در سال ۲۰۲۲ به منفی ترین حالت خود رسیده است. آلمان و آمریکا شرکای اصلی تجارت ترکیه در هر دو سمت صادرات و واردات محسوب می‌شوند. ارزش تجارت ترکیه با این دو کشور در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۷۷ میلیارد دلار بوده که ۱۲/۵ درصد از کل ارزش تجارت این کشور را تشکیل می‌دهد.

در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۱/۱ میلیارد دلار از انواع کالاها از مقصد ترکیه به آلمان صادر و در مقابل حدود ۲۴ میلیارد دلار از این کشور به ترکیه وارد شده است. در واقع در سال ۲۰۲۲ تراز تجاری بین دو کشور حدود ۳ میلیارد دلار به نفع آلمان بوده است. طیف متنوعی از محصولات از جمله اقلام موجود در فصول ۸۷ و سایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط راه‌آهن یا تراموای و...» ۸۴ «راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار آب گرم و...» و ۶۱ «لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف» عمده‌ترین کالاهای صادراتی ترکیه به آلمان را تشکیل می‌دهند. در مقابل، آلمان کالاهای مختلفی ذیل فصول ۸۴ «راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار آب گرم» ۸۷ «و سایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط راه‌آهن یا تراموای و...» و ۳۹ «مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد» را به ترکیه صادر کرده است.

آمریکا نیز یکی از شرکای تجاری بزرگ ترکیه است. در سال ۲۰۲۲ ارزش صادرات ترکیه به آمریکا حدود ۱۶۹ میلیارد دلار و در مقابل ارزش واردات آن حدود ۱۵۲ میلیارد دلار بوده است. در خصوص آمریکا نیز در سال ۲۰۲۲ تراز تجاری با رقم ۱/۷ میلیارد دلار به نفع ترکیه بوده است. عمده اقلام مبادلاتی بین دو کشور در حوزه صادرات ترکیه به آمریکا ذیل فصول ۷۱، ۸۴ «راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار آب گرم و...» و ۸۷ «و سایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط

جدول ۲. ۱۰ کالای عمده صادراتی ایران به ترکیه در سال ۱۴۰۱

ردیف	کد تعرفه	شرح	ارزش (میلیون دلار)	مقدار (هزار تن)	سهم از ارزش کل صادرات (درصد)
۱	۲۷۱۱۱۱۹۰	گاز طبیعی مایع شده در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۳۰۷۵	۸۷۲۸	۴۱.۴
۲	۷۶۰۱۱۰۰۰	گومینوم بصورت کار نشده، غیرمزوج	۶۴۲	۴۵۷	۸.۵
۳	۳۱۰۲۱۰۶۰	سایر آوره حتی به صورت مخلوط در آب	۶۰۲	۱۲۶۶	۸.۱
۴	۷۹۰۱۱۲۱۰	روی غیرمزوج محتوی ۹۵٪ ۹۹٪ ۹۹٪ وزنی به صورت کار نشده	۲۶۴	۱۰۹	۴.۹
۵	۳۱۰۲۱۰۰۰	آوره حتی به صورت مخلوط در آب	۲۵۹	۵۹۵	۴.۸
۶	۲۷۱۱۲۱۹۰	گاز طبیعی به حالت گازی در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۲۱۰	۱۱۰۷	۴.۲
۷	۷۲۰۳۱۰۰۰	کاذب و قطعات کاذب از مس نسبی شده	۱۶۹	۲۱	۴.۳
۸	۷۲۰۸۱۱۰۰	مختل از مس نسبی شده، که بزرگترین بعد سطح مقطع غرض آن بیش از ۱۰۰ میلی‌متر باشد	۱۲۲	۱۴	۱.۶
۹	۷۲۰۴۱۰۰۰	شش از آهن و فولاد غیر مزوج، که در جای دیگر ذکر نشده	۱۰۹	۲۲۶	۱.۵
۱۰	۷۲۱۲۲۰۰۰	میله های آهن یا فولادی، گرم نورد شده دارای دندان، برآمدگی گودی یا بعد از نورد تاب داده شده، یا با تغییر شکل یافته‌های حاصل از نورد	۹۸	۱۹۴	۱.۳
مجموع			۵۸۵۱	۱۲۵۲۵	۷۹

منبع: گمرک ج.ا

راه‌آهن یا تراموای و...»، و در حوزه واردات ترکیه از آمریکا ذیل فصول ۲۷ «سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها» و ۷۲ «چدن، آهن و فولاد» و ۸۴ «راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار آب گرم» قرار می‌گیرد.

روسیه و چین عمده مبادی وارداتی ترکیه محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که واردات ترکیه از این دو کشور در سال ۲۰۲۲ به تنهایی ۱۶۲ درصد از ارزش کل واردات این کشور طی مدت مذکور را به خود اختصاص می‌دهد. عمده کالای وارداتی ترکیه از روسیه ذیل فصل ۲۷ «سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها» و ۷۲ «چدن، آهن و فولاد» طبقه‌بندی می‌شود که حدود ۹۶ درصد از کل ارزش واردات ترکیه از روسیه را تشکیل می‌دهد. واردات ترکیه از چین نیز در سال ۲۰۲۲ عمدتاً شامل اقلام ذیل فصول ۸۴ «راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار آب گرم» و ۸۵ «ماشین آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آنها» قرار می‌گیرد که سهم حدود ۴۴ درصدی از کل ارزش واردات ترکیه از چین در سال ۲۰۲۲ است. مهم‌ترین کالاهای صادراتی ترکیه به جهان شامل «سایر روغن‌های نفتی و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیر» با کد تعرفه ۲۷۱۰۱۹ رقمی «زیور آلات یا جواهر آلات و اجزای آنها از سایر فلزات گرانبها، حتی آبکاری شده» با کد تعرفه ۶ رقمی ۷۱۱۳۱۹ «و سایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل کالا با وزن ناخالص وسیله نقلیه حداکثر ۵ تن» با کد تعرفه ۶ رقمی ۸۷۰۴۲۱ می‌شود که حدود ۹ درصد از ارزش کل صادرات ترکیه در سال ۲۰۲۲ را تشکیل می‌دهد.

۳ کالای عمده وارداتی ترکیه از جهان در سال ۲۰۲۲ نیز حدود ۱۳ درصد از کل ارزش واردات این کشور را دربر می‌گیرد و شامل «سایر اشکال خام طلا» (از جمله طلای آبکاری شده با

جدول ۳. ۱۰ کالای عمده وارداتی ایران از ترکیه در سال ۱۴۰۱

ردیف	کد تعرفه	شرح	ارزش (میلیون دلار)	مقدار (هزار تن)	سهم از ارزش کل صادرات (درصد)
۱	۱۵۱۲۱۱۰۰	روغن دانه آفتابگردان، روغن کزک یا زعفران کاذب خام	۲۶۱	۲۳۹	۱۱.۰
۲	۸۷۰۱۴۰۰۰	تراکتورهای جاده‌ای برای نیمه تریلرها	۲۶۵	۲۲	۷.۸
۳	۱۰۰۵۹۱۰۰	ذرت دامی	۲۵۸	۲۹۱	۴.۴
۴	۸۷۰۱۲۱۰۰	تراکتورها فقط با موتور دیزل، تراکمی - احتراقی	۲۴۲	۱۸	۴.۴
۵	۰۸۰۳۱۰۰۰	موز سبز تازه یا خشک کوفه	۲۴۵	۲۲۴	۴.۷
۶	۱۰۰۳۹۰۰۰	خو به استثنای بذر	۱۸۴	۴۰۴	۴.۰
۷	۱۲۰۱۹۰۱۰	دانه سویا تراریخته	۱۷۵	۲۲۳	۴.۹
۸	۵۵۰۱۳۰۰۰	دسته الیاف از رشته‌های سنتتیک از اکریلیک یا متاکریلیک	۱۲۲	۴۷	۴.۲
۹	۱۵۰۳۱۰۰۰	روغن خام سویا، حتی صمغ گرفته	۸۵	۵۴	۴.۴
۱۰	۳۹۰۳۱۰۰۰	پودر چای و پودرهای اکریلیک جامد	۵۴	۱۸	۰.۵
مجموع			۲۱۸۲	۲۵۲۹	۴۱.۶

منبع: گمرک ج.ا

نمودار ۶. روند صادرات ایران به ترکیه در رشته فعالیت‌های منتخب (میلیون دلار)



در حالی است که روند تجارت دو کشور از آن زمان تاکنون نه تنها افزایش نیافته بلکه به طور کلی روند کاهشی را در پیش گرفته و در سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین میزان خود طی دهه اخیر رسیده است. دلایل گوناگونی منجر به کاهش تجارت ایران با ترکیه شده که از جمله آنها می‌توان به ظهور بازارهای جدید برای صادرات محصولات پتروشیمی ایران و همچنین به وجود آمدن تغییراتی در نیازهای بازار ترکیه اشاره کرد که از سمت مقامات ایرانی توجهی به این مقوله صورت نگرفته و در واقع تولید صادراتی مناسب با بازار ترکیه شکل نگرفته است. یکی دیگر از دلایل کاهش تجارت ایران به ترکیه طی سال‌های اخیر را می‌توان به جایگزین شدن روسیه به جای ایران در بازار واردات گاز به این کشور نسبت داد که جنگ روسیه و اوکراین این عامل را تشدید کرده. زیرا در حال حاضر روسیه گاز خود را به قیمتی پایین‌تر به ترکیه عرضه می‌کند و امتیازات ویژه‌ای برای صادرات به این کشور در نظر گرفته است.

عدم موفقیت موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و ترکیه را می‌توان به عنوان یکی دیگر از مشکلات تجارت ایران با این کشور بیان کرد. شایان ذکر است بحران‌های جهانی طی سال‌های گذشته نظیر همه‌گیری کووید-۱۹ در کاهش مبادلات تجاری با ترکیه بی‌تاثیر نبوده و اثرات آن در حجم مبادلات ایران با ترکیه در سال ۲۰۲۰ به وضوح قابل رویت است. به طور کلی مطابق با آمار گمرک ترکیه (نمودار ۳)، کل مبادلات تجاری ایران و ترکیه در سال ۲۰۲۲ حدود ۵/۴ میلیارد دلار بوده که حدود ۳ میلیارد دلار آن متعلق به صادرات بوده و ۲/۴ میلیارد دلار آن رانیز واردات تشکیل می‌دهد. طی ۱۲ سال منتهی به سال ۲۰۲۲ تراز تجاری بین دو کشور، به جز دو سال ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ به نفع ایران بوده است. مطابق با آمار منتشر شده توسط گمرک ترکیه، عمده گروه کالایی صادراتی ایران به ترکیه ذیل فصول ۷۶ «آلومینیوم و مصنوعات از آلومینیوم»، ۷۴ «مس و مصنوعات از مس» و ۳۹ «مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد» قرار می‌گیرد که به تنهایی ۶۰ درصد از ارزش صادرات ایران به این کشور را در سال ۲۰۲۲ تشکیل می‌دهد. نکته قابل توجه در خصوص گروه کالاهای صادراتی ایران به ترکیه سهم حدود ۲/۳ درصدی صادرات «سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها» به ترکیه بوده است. این اتفاق در حالی رخ داده که تنها طی حدود ۱۰ سال سهم ایران در بازار ترکیه در این گروه کالایی از ۸۸ درصد در سال ۲۰۱۱ به این رقم در سال ۲۰۲۲ رسیده که نشان‌دهنده از دست دادن بازار ترکیه در این گروه کالایی است.

آمارهای گمرک ایران در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که «گاز طبیعی مایع شده» با کد تعرفه

ادامه در صفحه ۵۸

پلاتین)) با کد تعرفه ۶رقمی ۷۱۰۸۱۲ «سایر روغن‌های نفتی و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری غیر خام» با کد تعرفه ۶رقمی ۲۷۱۰۱۹ «سایر قراضه و ضایعات چدن، آهن یا فولاد» با کد تعرفه ۶رقمی ۷۲۰۴۴۹ می‌شود.

تجارت ترکیه با ایران

کشور ترکیه طی سال‌های گذشته از شرکای مهم تجاری ایران محسوب شده به گونه‌ای که مطابق با آمار منتشر شده توسط گمرک جمهوری اسلامی ایران، این کشور طی ۱۰ سال گذشته همواره جزو ۵ کشور نخست در عمده مبادی وارداتی ایران بوده است و از سال ۱۳۹۵ توانسته در صادرات هم جایگاه خودش را به عنوان ۵ مقصد مهم صادراتی ایران تثبیت کند و پس از آن نیز از سال ۱۳۹۸ تا ۵ ماهه نخست ۱۴۰۲ همواره سومین شریک تجاری ایران پس از چین و امارات متحده عربی باشد.

با توجه به اینکه طی دهه اخیر ترکیه همواره از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران بوده، تجارت با این کشور روند نزولی را در پیش گرفته است؛ به گونه‌ای که پس از آنکه کل تجارت ایران با ترکیه در سال ۲۰۱۲ به حدود ۲۲ میلیارد دلار رسید، دو کشور تصمیم گرفتند هدف گذاری سالانه تجارت را تا حدود ۳۰ میلیارد دلار افزایش دهند. این



شاخص بهره‌وری آب در ایران از متوسط جهانی بسیار کمتر است

رد پای صنایع در بحران آب

شاخص نسبت آب مصرفی به پتانسیل منابع آب ایران، مطابق آمارهای سازمان ملل، از وضعیتی به شدت بحرانی خبر می‌دهد. ایران بایش از ۷۵ درصد مصرف آب نسبت به میزان پتانسیل منابع آب خود، تنها وضعیتی بهتر از برخی کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا دارد. طی سال‌های اخیر، ذخایر منابع آب تجدیدپذیر کشور به کاهش بوده و در آمار سال ۱۳۹۹، این عدد به ۱۰۲.۴ میلیارد متر مکعب رسیده است. مطابق با طبقه‌بندی وضعیت آبی حوضه‌های آبریز درجه یک بر اساس شاخص سرانه آب تجدیدپذیر، کشور وضعیتی بحرانی دارد و اگرچه حوضه‌های آبریز خزر و خلیج فارس وضعیتی مناسب دارند، فلات مرکزی با کم‌آبی مطلق، حوضه آبریز مرزی شرق با کم‌آبی، حوضه آبریز قره‌قوم با کم‌آبی مطلق و حوضه آبریز دریاچه ارومیه با وضعیتی بحرانی مواجه است.

توجه به تجارت آب مجازی و اصلاح ماموریت‌های استانی به خصوص در بخش کشاورزی و صنایع آب‌بر و اصلاح الگوهای زندگی، امنیت غذایی را به صورتی پایدار فراهم کرد. برای اصلاح مسیرهای نادرست گذشته که منشأ مشکلات امروز بخش آب هستند، باید به این نکته نیز توجه کرد که مشکلات آبی مناطق مختلف کشور تابع مقیاس آن منطقه بوده و نمی‌توان برای کل کشور نسخه واحدی ارائه داد. حال آنکه تنها نسخه واحدی که می‌توان برای کل کشور در حوزه آب ارائه داد، جایی است که فقدان مدیریت صحیح، رنج عظیمی را به منابع آب کشور تحمیل کرده و اصلاح شیوه مدیریتی آب در همه جای کشور ضروری است.

مروری بر وضعیت منابع آبی ایران

بررسی‌های بازوی پژوهشی مجلس نشان می‌دهد که ایران در اقلیمی عمدتاً گرم و خشک با محدودیت‌های منابع آبی، به خصوص در مناطق مرکزی و شرقی روبه‌روست. مقدار آب تجدیدپذیر کشور در دو دوره آماری مهم شامل دوره اول (بلندمدت تا سال ۱۳۸۵) و دوره دوم (از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵) به ترتیب حدود ۱۲۵ و ۸۹ میلیارد متر مکعب و میزان بارندگی نیز به ترتیب در این دو دوره برابر ۲۴۶ و ۲۱۷ میلی‌متر بوده است. در دوره دوم مقدار بارندگی در کل کشور نسبت به دوره اول حدود ۱۲ درصد کاهش یافته که اثر آن در کاهش میزان آب تجدیدپذیر حدود ۲۹ درصد برآورد شده است. کاهش بارندگی و آب تجدیدپذیر به دلایل خشکسالی، تغییر اقلیم، افزایش دما و تغییر الگوهای بارش (نوع بارش و مدت آن) اتفاق افتاده است. در مقیاس حوضه‌های آبریز درجه یک کشور که شامل ۶ حوضه بزرگ است، بیشترین کاهش آب تجدیدپذیر در حوضه آبریز قره‌قوم به میزان ۵۷ درصد اتفاق افتاده است. کاهش مذکور در حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان با توجه به اینکه این حوضه بیشترین حجم تولید آب را در میان سایر حوضه‌های آبریز درجه یک کشور دارد، بسیار چشمگیر

این درحالی است که شاخص بهره‌وری آب ایران نیز تنها یک دلار بر متر مکعب آب شیرین از کشورهای با درآمد پایین جهان بیشتر است و با ۵ دلار، تفاوت فاحشی با میانگین ۲۱ دلار جهان در این شاخص دارد. بخش اعظمی از این مشکلات، ناشی از استفاده ایران از صنایع آب‌بر، مصرف بالای آب شرب برای هر نفر در طول یک‌روز و درصد بالای شاخص وابستگی کشاورزی به منابع آب زیرزمینی در ایران به نسبت جهان است که عدد ۶۲٫۱ درصد را به خود اختصاص داده است. مشخصاً با این اوصاف، اگر هدف خودکفایی، تولید محصولات غذایی مورد نیاز جمعیت در کشور باشد، با الگوی فعلی مصرف غذا و تولید محصولات کشاورزی، منابع آب کافی برای پاسخگویی وجود ندارد. این شرایط به صورت اضافه‌برداشت از منابع آب سطحی و زیرزمینی بروز پیدا کرده که به بحران آب دامن خواهد زد. به همین سبب نیاز است با اعمال مدیریت تقاضا، افزایش بهره‌وری،

شاخص بهره‌وری آب

کشورها	مقدار شاخص (دلار بر مترمکعب آب شیرین)
کشورهای با درآمد پایین	۴
کشورهای با درآمد متوسط	۱۱
کشورهای با درآمد بالا	۵۶
ایران	۵
جهان	۲۱

شاخص در ایران از متوسط جهانی بسیار کمتر است. علت اصلی این امر می‌تواند در برداشت و مصرف بالای آب در بخش کشاورزی و همچنین قیمت بسیار پایین یا مجانی بودن آب در این بخش جست‌وجو کرد. پایین بودن مقدار این شاخص در حقیقت بیانگر این است که در شرایط بهره‌وری موجود، پتانسیل تحت‌الشعاع قرار گرفتن امنیت آبی و در نتیجه امنیت غذایی بالاست. با ایجاد خلل در شرایط امنیت آبی با توجه به زمان‌بر بودن افزایش بهره‌وری، آسیب‌های چشمگیری می‌تواند به امنیت غذایی وارد شود.

شاخص سرانه آب تجدیدپذیر

با استفاده از شاخص سرانه آب تجدیدپذیر می‌توان وضعیت آبی یک حوضه آبریز یا یک کشور را براساس حجم آب تجدیدپذیر و جمعیت آن مورد بررسی قرار داد. یکی از شاخص‌های شناخته‌شده به این منظور، شاخص فالکن مارک است که وضعیت منابع آب را براساس سرانه آب تجدیدپذیر دسته‌بندی و تعیین می‌کند. حوضه آبریز فلات مرکزی که مناطق بسیار وسیعی از کشور را تشکیل می‌دهد و حوضه آبریز قره‌قوم دارای بدترین وضعیت (کم آبی مطلق) هستند. در مقیاس کشوری نیز وضعیت بحرانی بوده که به معنای امنیت آبی نامناسب است. ریشه این وضعیت را می‌توان ناشی از توسعه بدون توجه به ظرفیت منابع آب دانست. در حال حاضر نیز نداشتن برنامه و سند آمایش، عملاً امنیت غذایی را در معرض خطر جدی قرار داده و می‌تواند به تنش‌های اجتماعی منجر شود.

شاخص نسبت آب مصرفی به پتانسیل منابع آب

شاخص دیگری که برای بررسی وضعیت منابع آب مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص نسبت آب مصرفی به پتانسیل منابع آب است که علاوه بر میزان آب تجدیدپذیر، مصارف را هم مدنظر قرار می‌دهد. این شاخص به عنوان شاخص سازمان ملل نیز شناخته شده و نسبت به شاخص قبلی دید صحیح‌تری از وضعیت منابع آب در دسترس ارائه می‌دهد. این شاخص براساس نسبت آب مصرفی به پتانسیل منابع آب محاسبه و تعیین می‌شود. مقدار این شاخص در ایران به طور چشمگیری از بقیه نقاط جهان بالاتر است. این امر حاکی از وارد آمدن فشار بیش از حد به منابع آب است و نشان‌دهنده وضعیت بحرانی شدید برای ایران است. با توجه به مقدار این شاخص در ایران و فاصله کم آن با وضعیت شکست، باید عنوان کرد که از منظر این شاخص در حال حاضر تصویر مناسبی از امنیت آبی در ایران برقرار نیست. شایان توجه است که در مقیاس‌های مکانی کوچک‌تر از کل کشور (مثلاً مقیاس حوضه‌های آبریز درجه دو یا استان‌ها)، متأسفانه در برخی موارد وضعیت شکست حاصل شده و تحت این شرایط مصارف آب از منابع تجدیدپذیر مربوطه پیشی گرفته است. این امر به آن معناست که مصارف از منابع

است. از کاهش ۳۶ میلیارد مترمکعبی حجم آبی تجدیدپذیر دوره دوم نسبت به دوره اول داده‌های آماری بخش آب، سهم هر یک از حوضه‌های آبریز درجه یک خلیج فارس و دریای عمان، فلات مرکزی، دریای خزر، دریاچه ارومیه، قره‌قوم و مرزی شرق به ترتیب ۶۰، ۱۹، ۹، ۵، ۴ و ۳ درصد بوده است.

شاخص وابستگی کشاورزی به منابع آب زیرزمینی

یکی از بخش‌های مهم و در عین حال بزرگ مصرف‌کننده منابع آب، بخش کشاورزی است که تامین مصارف این بخش می‌تواند از منابع سطحی یا زیرزمینی صورت گیرد. معمولاً در اقلیم‌های خشک، منابع آب استراتژیک زیرزمینی نقش بسیار مهمی در تامین بخش‌های مختلف مصرف داشته و صیانت از این منابع دارای ضرورتی حیاتی است. پ

شاخص وابستگی منابع کشاورزی به منابع آب زیرزمینی، می‌تواند سهم این بخش از برداشت‌های صورت گرفته و پتانسیل آن برای برداشت مازاد از این منابع را مشخص کند. می‌توان گفت که با افزایش این شاخص تهدیدپذیری کشاورزی و به تبع آن امنیت غذایی از نوسانات منابع آب زیرزمینی بیشتر می‌شود. کسری مخازن دشت‌های کشور و شور شدن آنها و مهاجرت مردم ساکن این نواحی و ایجاد توزیع جمعیتی نامتوازن، از مواردی است که ارتباط این شاخص را با امنیت آبی و امنیت اجتماعی نیز روشن می‌سازد. شاخص وابستگی کشاورزی به منابع آب زیرزمینی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ایران در تامین آب کشاورزی خود بیشترین وابستگی را به این منابع دارد.

شاخص بهره‌وری آب

بهره‌وری آب از دو منظر بیوفیزیکی و اقتصادی قابل بررسی است. با وجود این، به طور کلی می‌توان کشورهای مختلف را با توجه به نسبت تولید ناخالص داخلی به میزان برداشت از منابع آب متعارف (شیرین) مورد بررسی قرار داد و بهره‌وری آب را برآورد کرد. براساس شاخص بهره‌وری آب و جداول مربوط به آن می‌توان گفت که این

طبقه‌بندی وضعیت آبی حوضه‌های آبریز درجه یک براساس شاخص سرانه آب تجدیدپذیر

وضعیت شاخص	حوضه آبریز درجه یک
مناسب	دریای خزر
مناسب	خلیج فارس و دریای عمان
بحرانی	دریاچه ارومیه
کم آبی مطلق	فلات مرکزی
کم آبی	مرزی شرق
کم آبی مطلق	قره‌قوم
بحرانی	کل کشور

شاخص نسبت آب مصرفی به پتانسیل منابع آب

منطقه	مقدار شاخص (درصد)
شمال آفریقا و غرب آسیا	۸۳/۹
آمریکای شمالی	۲۰/۲
شرق و جنوب شرق آسیا	۳۰/۴
اروپا	۸/۴
غرب آسیا	۶۸/۹
اقیانوسیه	۲/۷
ایران	بیش از ۷۵
جهان	۱۸/۲

جمعیت بوده و در مقابل روند تولید برخی محصولات کشاورزی نظیر دانه‌های روغنی و محصولات پروتئینی، پاسخگوی نیاز جمعیتی نیست. در عین حال برآوردها حاکی از آن است که تولید مواد غذایی به خصوص در ۲۰ سال اخیر از ظرفیت منابع آبی کشور در بخش کشاورزی فراتر رفته است (با ظرفیت آب تجدیدپذیر متناسب ندارد). این امر حساسیت و اهمیت اصولی برنامه‌ریزی منابع آب برای تامین پایدار مصارف و نیازهای مناطق مختلف در قالب سند آمایش سرزمین را دوچندان می‌سازد. متأسفانه در ۵۰ سال اخیر به واسطه تغییر و تحولات جمعیتی، فشار زیادی به منابع زیستی به‌ویژه منابع آب ایران تحمیل شده، به گونه‌ای که طی سال‌های اخیر نگرانی‌های جدی در خصوص عدم تکافوی منابع آبی و تشدید ناامنی آبی به وجود آورده است. برای نمونه در مصوبه «۵» شورای عالی آب از تعادل بین امنیت آبی و امنیت غذایی به عنوان ابرچالش و دغدغه برانگیزترین مسائل کلان کشور یاد شده و طی بندهای سیاست‌های کلی جمعیتی، بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیست با تاکید بر تامین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی مورد تاکید قرار گرفته است.

بی‌توجهی به این ابرچالش و دخالت اقتصاد سیاسی و تبعات جهت‌گیری غلط توسعه، به‌خصوص در مناطق فلات مرکزی، این ابرچالش را به یکی از دغدغه‌های مهم حکمرانی آب تبدیل کرده، به نحوی که بدخیم بودن این چالش روزبه‌روز مشهودتر شده است. مفهوم امنیت آبی با مفهوم امنیت غذایی و به تعبیر کلی تر، امنیت تولید، ارتباطی تنگاتنگ دارد. در حال حاضر توجه توأمان به دو عنصر ظرفیت آب و خاک به چشم می‌خورد و از کمبود آب شیرین برای جامعه کشاورزی و صنایع آب‌بر به عنوان تهدید محیطی بسیار جدی برای امنیت غذایی و تولید یاد می‌شود، حتی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در تعریفی امنیت آبی را توانایی تامین کافی و مطمئن برای جمعیت ساکن در مناطق خشک جهان به منظور رفع نیازهای تولید به خصوص کشاورزی معرفی می‌کند. حال توجه به برخی ابزارهای سیاست‌گذاری کلان‌کشوری، نظیر آب قابل برنامه‌ریزی و سند ملی تغذیه و امنیت غذایی، زمینه پاسخگویی دقیق‌تری به این سوال کلیدی، یعنی پیدا کردن رابطه تعاملی بین جمعیت، امنیت غذایی، امنیت آبی و امنیت تولید فراهم خواهد کرد. به عبارت دیگر آیا با توجه به وضعیت منابع آب، کشور ما ظرفیت پاسخگویی به تحولات جمعیتی موجود را دارد یا خیر. برای پاسخ به این سوال لازم است با استفاده از ردپای آب مورد استفاده واقعی محصولات کشاورزی، منابع آب لازم برای تولید الگوی مطلوب مواد غذایی در کشور برآورد و با میزان آب قابل برنامه‌ریزی کشور مقایسه شود. در این راستا فقدان تناسب میان الگوی غذایی و تولیدی جمعیت فعلی و ظرفیت منابع آب سطحی و زیرزمینی کشور مشهود است. این موضوع به خصوص در آب‌های زیرزمینی، باعث کسری مخازن زیرزمینی به میزان بیش از ۱۴۳ میلیارد مترمکعب در چهار دهه اخیر شده است. تخلیه مخازن آب‌های زیرزمینی در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، تشدید شده و باروندی افزایشی تداوم یافته است، به طوری که متناسب با افزایش جمعیت و توسعه بخش کشاورزی به شرایط سخت و نسبتاً برگشت‌ناپذیر در برخی مناطق رسیده است.

شرایط آینده کشور

میزان آب تجدیدپذیر کشور محدود است. در این مورد سه نکته قابل توجه است: اول، به دلیل تغییرات اقلیم، همین میزان محدود رو به کاهش است؛ دوم، به دلیل افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی و در نتیجه آنها توسعه مصارف، نیاز کشور به آب رو به افزایش است که در دید کلی این امر به معنای کاهش امنیت آبی است؛ سوم، براساس شاخص‌های استاندارد بین‌المللی، تمام آب تجدیدپذیر را نمی‌توان استفاده کرد. حداکثر میزان قابل استفاده از آب تجدیدپذیر، ۴۰ درصد است

استاتیک زیرزمینی که طی سال‌های متمادی ذخیره شده است، تامین می‌شود که این موضوع به کسری مخزن می‌انجامد. نتیجه حاصل از اختلال در امنیت غذایی و در نتیجه ناپایداری محیط زیست، ناامنی اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

تعادل بین جمعیت، امنیت آبی، تولید و غذایی

این گزارش بر چند موضوع تاکید دارد که فقدان درک یا کم توجهی به آنها موجب بروز ناپایداری مخرب در محیط زیست، توسعه ملی و بحران‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی می‌شود و خروج از این شرایط ناپایدار، مستلزم بازنگری برنامه‌ریزی‌های موجود و همچنین اتخاذ اقدامات طولانی مدت همراه با ارزیابی و نظارت‌های مستمر برای توقف مسیر انحراف و تصحیح جهت‌گیری توسعه است. در جهت‌گیری کلان توسعه، سند آمایش سرزمین به عنوان محور اصلی مطرح می‌شود که یکی از اهداف مهم این سند عملاً ارائه الگوی مکانی و زمانی توسعه متناسب با ظرفیت‌های موجود، پیوند و ارائه نقطه تعادل بین جمعیت، امنیت آبی و امنیت غذایی کشور است. اما فقدان این سند در چهار دهه اخیر باعث تغییر و تحولات خطرناک به خصوص در مصارف بخش کشاورزی با هدف ایجاد امنیت غذایی شده و در نهایت عدم تناسب بین امنیت آبی و امنیت غذایی برای جمعیت موجود را به همراه داشته است. شرایط موجود حاکی از آن است که روند تولید برخی محصولات غذایی فراتر از نیاز

با توجه به افزایش نیازهای آبی کشور از منظرهای مختلف (شرب، صنعت و کشاورزی) به دلیل افزایش جمعیت در سال‌های آتی، در صورت ادامه روندهای موجود در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت بخش آب، به طور مسلم امنیت آبی منتج از امنیت غذایی کشور با مخاطرات جدی‌تر روبه‌رو خواهد شد. همان‌طور که اشاره شد، میزان آب تجدیدپذیر کشور محدود است. در این مورد سه نکته قابل توجه است: اول، به دلیل تغییرات اقلیم، همین میزان محدود رو به کاهش است؛ دوم، به دلیل افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی و در نتیجه آنها توسعه مصارف، نیاز کشور به آب رو به افزایش است که در دید کلی این امر به معنای کاهش امنیت آبی است؛ سوم، براساس شاخص‌های استاندارد بین‌المللی، تمام آب تجدیدپذیر را نمی‌توان استفاده کرد. حداکثر میزان قابل استفاده از آب تجدیدپذیر، ۴۰ درصد است. علت اصلی این امر در عدم قطعیت‌ها و پایداری و حفظ محیط زیست است.

مدل تحلیل پویایی‌شناسی بحران آب

در این بخش به معرفی اجمالی مدل پویایی‌شناسی، متغیرها و روابط علی موجود پرداخته شده است. برای این منظور بخش‌های مختلف مدل به صورت تدریجی و در قالب شکل تشریح شده‌اند.

میزان مصارف آبی کشور تحت تاثیر میزان تقاضای آب قرار دارد که خود از متغیرهای مختلفی اثر می‌پذیرد. تقاضا در مدل توسعه داده شده از متغیرهای جمعیت، سطح زیر کشت، توسعه فضای سبز و باغات و انگیزه اشتغال‌زایی در کشاورزی تاثیر می‌پذیرد. با افزایش عوامل مصرف‌کننده آب مانند زمین‌های کشاورزی و باغات و همچنین فضای سبز شهرهای بزرگ مصرف آب با رشد چشمگیری مواجه می‌شود. همچنین عوامل مختلفی همچون پایین بودن هزینه اشتغال در بخش کشاورزی و مشکل بیکاری بر انگیزه توسعه بخش کشاورزی تاثیر گذاشته و تقاضا برای آب را افزایش داده و فشار مضاعفی به منابع کشور وارد می‌کند. این موارد در کنار تضادهای منافع و فساد موجب کاهش بهره‌وری و افزایش اتلاف

منابع آبی می‌شود. با افزایش کم‌آبی، خشکی و افت کیفیت منابع آب نیز افزایش می‌یابد که به مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت منجر می‌شود. این مهاجرت توسعه متوازن محلی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کاهش توسعه متوازن محلی باعث افزایش فقر و محرومیت و در نتیجه افزایش فشار اجتماعی می‌شود. کمبود آب علاوه بر تاثیرات محیطی موجب تلاش برای اصلاح الگوهای مصرف و همچنین کاهش توسعه مصارف جدید نیز می‌شود. با وقوع کمبود در منابع آبی تصور پرابی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. کاهش انتظارات در مورد ظرفیت منابع آبی روی انگیزه اصلاح الگوی مصرف، انگیزه برای مصارف جدید و همچنین سطح زیر کشت اثر می‌گذارد و این متغیرها به مرور تقاضای مصرف آب را کاهش می‌دهند. کمبود آب همچنین موجب افزایش فشار اجتماعی می‌شود. یکی از نتایج این فشار اجتماعی، پرداخت یارانه بیشتر توسط دولت در حوزه آب است تا تاثیر کمبود آب بر هزینه‌ها را جبران کند. در حالی که این رویکرد به منظور حمایت توسط دولت اتخاذ می‌شود، ولی انگیزه کاهش مصرف را کاهش داده و موجب افزایش تقاضای مصرف می‌شود.

یارانه‌های پرداخت شده، تصور عمومی در مورد تحت فشار بودن منابع آبی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر هنگامی که آب با قیمت ارزان در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد، این تصور در آنها شکل می‌گیرد که این منابع به وفور در اختیار است و دقت و انگیزه آنها را برای استفاده بهره‌ور و بهینه از آن کاهش می‌دهد. از نتایج دیگر افزایش فشار اجتماعی، اتخاذ اقدامات اصلاحی توسط دولت است که در دو شاخه تلاش برای اکتشاف منابع آبی جدید یا انتقال بین حوضه‌ای آب و همچنین توسعه طرح‌های آبخیزداری است. مورد اول با وجود اینکه در کوتاه مدت مشکلات را تا حدی رفع می‌کند، ولی در بلندمدت موجب کاهش انگیزه اصلاح الگوی مصرف شده و ایجاد مصارف جدید در منطقه دچار بحران می‌شود. از سوی دیگر با اجرای صحیح و متوازن طرح‌های آبخیزداری و لحاظ نقش آن در بیابان منابع آب می‌توان توزیع پایدار این منابع را انتظار داشت.

نابسامانی فرش دستباف ایران در بازار جهانی



فرش دستباف ریشه در تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین داشته و برخلاف دیگر صنایع دستی ایرانی، توسط گروه عظیمی از مردم در پراکندگی جغرافیایی گسترده‌ای در کشور و در میان اقوام و خرده فرهنگ‌های مختلف ایران تولید می‌شود و به همین علت شاخصه فرهنگی این سرزمین در دنیا است. فرش ایران یک کالای صرفاً صنعتی نیست، بلکه کالایی فرهنگی است که پیشینه تاریخی و هنری را در پشت سر خود دارد.

قالی پازیریک قدیمی‌ترین فرش موجود در دنیا است که در سال ۱۹۴۹ میلادی توسط سرگئی رودنکو، باستان‌شناس روس در دره پازیریک در کنار اشیای باستانی دیگری کشف شده و دارای طرح و نقشی شبیه نقوش اصیل هخامنشی است. هنر فرش بافی از همان زمان نسل به نسل در ایران توسعه پیدا کرده و در داخل و خارج از کشور در طول تاریخ، فرش ایران آینه تمام‌نمای هنر و صنعت قوم‌ها و قبیله‌های مختلف ایرانی بوده و هر شهر و روستا نقشه‌ها، رنگ آمیزی و تکنیک بافت منحصر به خود را داشته‌اند. فرش ایران همواره پیام آور فرهنگ، هنر این مرز و بوم بوده و شکوه طبیعت را به خانه مصرف کنندگان هدیه می‌کند.

صنعت فرش دستباف گستره‌ای از اقشار، قومیت‌ها، هنرمندان، بازرگانان، کارآفرینان و دانش‌پژوهان را دربر گرفته و همه خانوارهای ایرانی به داشتن فرش دستباف تمایل دارند که شایسته است همگی با عزمی راسخ و تلاشی مستمر به دنبال حفظ و اعتلای آن به عنوان «هنر جاویدان سرزمین کهن ایران» باشند تا دگر بار با نگاهی نو و نگرشی علمی، فرش را با نام ایران و ایران را با فرش در تمام دنیا باز شناسند. بنابراین در این گزارش سعی بر این است ضمن شناخت وضعیت جهانی فرش دستباف، جایگاه ایران و چالش‌های موجود در این بازار مورد بررسی قرار گیرد.

سابقه تاریخی فرش دستباف

فرش به عنوان یکی از دستاوردهای مردم، خود یک فرهنگ است که با هنرهای دیگر مانند مینیاتور، طراحی، تشعیر و تهذیب، خاتم کاری، رنگرزی، کاشیکاری و غیره ترکیب شده و باعث تکامل و توسعه این هنر اصیل شده است. بخش عمده‌ای از هنر و تمدن ایران مدیون فرش است و یکی از بهترین راه‌ها و ابزارهای انتقال فرهنگ اصیل ایران به دیگر جوامع است.

مطابق گزارش مرکز ملی فرش ایران، براساس روایات شاهنامه، آغاز رشتن و بافتن به زمان تهمورث یعنی زمان پیشدادیان بازمی‌گردد. در تاریخ طبری نیز از فرش‌هایی

که با مو و پشم حیوانات در این دوره بافته شده سخن به میان آمده است. قدیمی‌ترین نشانه از هنر قالی بافی به عصر مفرغ بازمی‌گردد. این نشانه یک کارکرد قالی باقی است که از گورهای عهد مفرغ ترکمنستان و شمال ایران یافت شده است.

دوره صفویه به دوره اوج رشد و شکوفایی هنر قالی بافی معروف بوده و توجه ویژه‌ای به کلیه هنرهای دستی از قبیل قالی بافی شده است. در دوران صفوی پس از عصر جدید ارتباطات ایران با اروپا، بازار اروپا که کم و بیش با فرش ترکی آشنا بود، کم‌کم با فرش ایرانی آشنا شد و آن را جایگزین فرش ترکی در بسیار از کاخ‌ها و تالارهای اشراف کرد. این دوره را می‌توان یکی از مهم‌ترین و مفیدترین دوره‌های تاریخی در نظر گرفت. افزایش رو به رشد هنر فرش بافی را می‌توان مدیون این دوره از تاریخ بود، چرا که اکثر قالی‌های بافته شده ارزشمند موجود در موزه‌های امروزی، هنر دست اساتید بزرگ دوره صفویه است. فرش‌های نفیس این دوران به بیش از سه هزار تخته تخمین زده شده است. در دوره قاجار اروپا و آمریکا تقاضا برای خرید فرش ایران را افزایش داده و شرکت‌های چندملیتی فرش در ظاهر برای تشویق به صادرات و در واقع برای سودجویی کشورهای استعمار طلب تاسیس شد. در دوران پهلوی نظم و بهداشت کارگاه‌ها را تقویت و دستگاه فرش ماشینی نیز وارد ایران شد. پس از انحلال موسسه قالی ایران،

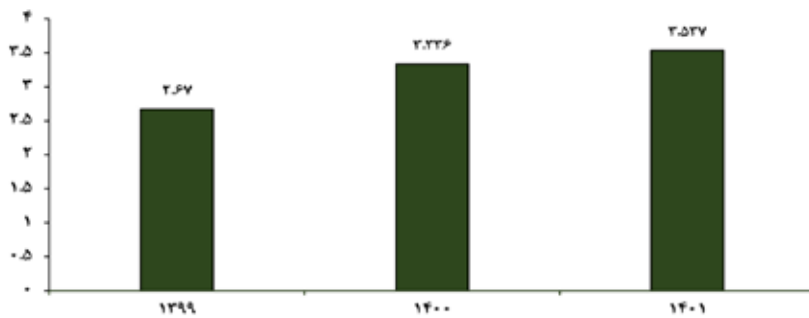
ادعا کرد که فرش آن منطقه دارای هویت و شناسنامه است.

جایگاه فرش دستباف در اقتصاد ملی

نقش فرش دستباف ایرانی در اقتصاد ایران به خصوص خانوارهای روستایی قدمت دیرینه‌ای دارد. از آنجا که هزینه مواد اولیه تنها ۲۰ درصد از مبلغ فرش را تشکیل می‌دهد و ۸۰ درصد مابقی هزینه طرح، برند و کار است، فرش به عنوان محصولی با ارزش افزوده نسبتاً بالا که می‌تواند به تقویت اقتصاد ملی کمک کند، معرفی می‌شود. به منظور شناخت واقعی از جایگاه فرش دستباف در اقتصاد ملی، وضعیت فرش دستباف براساس دو شاخص تولید و تجارت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تولید

فرش دستباف با توجه به نیاز نسبی اندک به سرمایه و امکانات، از صناعی به شمار می‌رود که نقشی اساسی در اشتغالزایی و تامین نیاز اقتصاد خانواده‌ها دارد و می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهای اشتغالزایی، خروج از فقر و توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد. جهان امروز دنیای رقابت اقتصادی است. یکی از روش‌های دستیابی به رقابت‌پذیری، توان پاسخگویی به خواسته‌های بازار است. در عصر حاضر دغدغه داشتن مشتری، مهم‌ترین عامل، موفقیت هر شرکتی است.



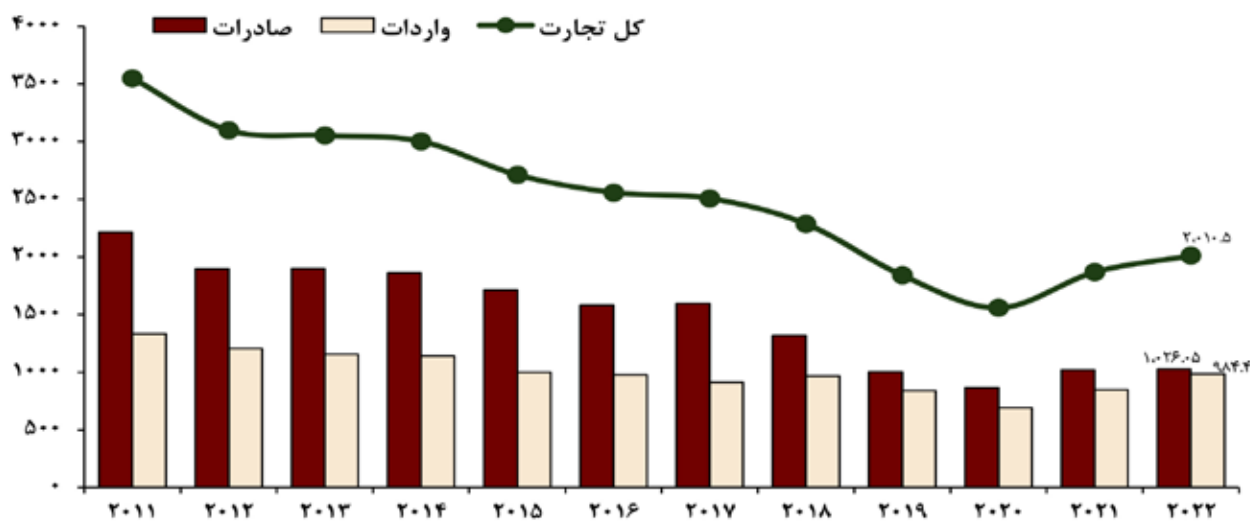
نمودار ۱. آمار تولید فرش دستباف ایران طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ - میلیون متر مربع

منبع: مرکز ملی فرش ایران

اولویت اصلی در هر شرکتی باید جلب و حفظ مشتری باشد و ناکامی در تحقق بخشیدن به این امر به معنی از دست دادن سود، رشد نکردن، از دست دادن شغل و سرانجام کسب و کار است. بنابراین در فضای رقابت شدید، مشتری محور نبودن یک خطر بزرگ برای شرکت به حساب می‌آید. از آنجایی که نظام فعلی تولید و توزیع فرش دستباف مبتنی بر تولید کالا و روانه کردن آن به بازارها معمولاً بدون توجه به سلايق مشتریان است که در اصطلاح به آن نظام فشاری گفته می‌شود، پیامدهای این نظام نه تنها موجب می‌شود بابت تولید این کالا متحمل هزینه‌های مالی و غیر مالی زیادی شویم، بلکه این بی توجهی به سلیقه و خواست مشتری باعث می‌شود سهم خود را در بازار از دست بدهیم و تقاضا کاهش یابد.

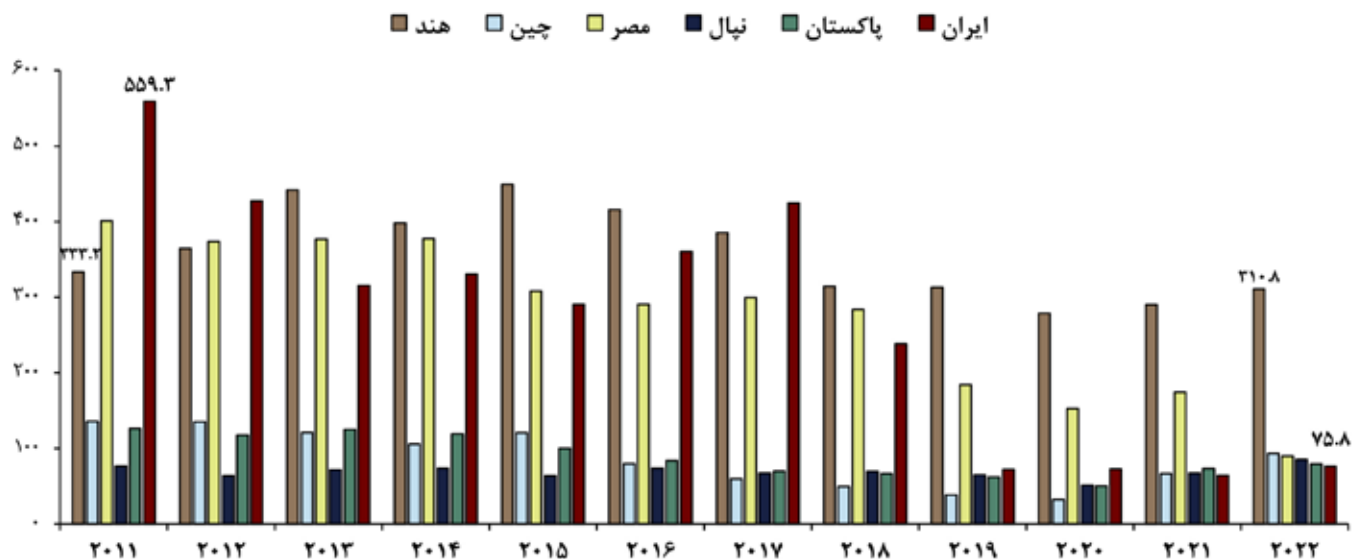
بازار فرش دستباف به جهت قیمت بالا از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست. از طرف دیگر وجود جانشینی قوی به لحاظ قیمت برای این کالا، یعنی فرش ماشینی، موجب شده بازار فرش دستباف بیشتر از گذشته تضعیف شود. از سوی دیگر ویژگی‌های مهم دیگری همچون نقش‌های مشتری پسند، قیمت پایین، تنوع بسیار زیاد آن و بهبود کیفیت، فرش ماشینی را بیشتر از گذشته جذاب کرده است.

از ویژگی‌های صنعت فرش این است که عمده تولید فرش دستباف در کشور، برای صادرات تولید می‌شود. براساس اعلام مرکز ملی فرش ایران ۷۰ درصد تولید فرش دستباف صادر می‌شود. با عنایت به این مطلب با ایجاد رکود در بازار جهانی یا کاهش در سهم ایران، تولید داخل با مشکل مواجه شده و شاغلان این صنعت دچار معضل بیکاری می‌شوند. یکی



نمودار ۲. میزان تجارت فرش دستباف در جهان طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ - میلیون دلار

منبع: ITC



نمودار ۳. صادرات فرش دستباف کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ - میلیون دلار

منبع: ITC

میلیون دلار رسیده است. میانگین رشد سالانه واردات منفی ۲/۷ درصد بوده است. بررسی‌های آماری و عددی در زمینه تجارت جهانی فرش دستباف نشان‌دهنده این موضوع است که در سال‌های اخیر کشورهای صادرکننده فرش دستباف کاهش نسبی فروش و رکود صادرات را داشته‌اند و این کاهش برای کشور ایران که زمانی مهم‌ترین کشور صادرکننده فرش دستباف (هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی) بود، بیشتر قابل لمس است.

صادرات فرش دستباف در جهان

بر اساس آمار سازمان تجارت جهانی طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ در بازار تجارت جهانی فرش دستباف به صورت میانگین بیش از ۱۵۰ کشور صادرکننده وجود دارد. طی سال ۲۰۲۲ کشورهای هند با ۳۱۰ میلیون دلار و سهم حدود ۳۰/۳ درصد از کل صادرات فرش، چین با ۹۳/۱ میلیون دلار و سهم حدود ۹/۱ درصد از کل صادرات فرش و مصر با ۸۹/۸ میلیون دلار با سهم حدود ۸/۸ درصد از کل صادرات سه کشور عمده در صادرات فرش دستباف طی سال‌های مزبور بوده‌اند. پس از این کشورها نپال با سهم حدود ۸/۳ درصد، پاکستان با سهم حدود ۷/۷ درصد و ایران با سهم ۷/۴ درصد از کل صادرات فرش دستباف جهان در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. ۷۱/۵ درصد از کل صادرات فرش دستباف جهان توسط این شش کشور تامین می‌شود.

آمارها حاکی از این است که ایران در سال ۲۰۱۱ حدود ۲۵/۵ درصد از عرضه فرش دستباف در بازارهای جهانی را به خود اختصاص داده که بیشترین متوسط سهم سالانه جهانی از بازار فرش را در دوره ۲۰۱۱-۲۰۲۲ دارا بوده است. سهم ایران از صادرات فرش دستباف در دوره ۲۰۱۱-۲۰۲۲ کاهش یافته و از ۲۵/۵ درصد به ۷/۴ درصد رسیده است. برعکس سهم رقبای ایران از جمله هند، چین، نپال و پاکستان در حال افزایش بوده است. به نحوی که هند توانسته است سهم خود را از ۱۵ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳۰/۳ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش دهد و این امر می‌تواند زنگ خطری برای صنعت فرش دستباف ایران باشد. البته باید عنوان کرد که صادرات هند تغییر قابل توجهی نداشته و دلیل افزایش سهم هند از بازار صادرات جهانی، کاهش قابل توجه صادرات ایران بوده است. با توجه به اینکه همزمان با کاهش صادرات ایران، صادرات جهانی بارکود مواجه شده این سوال مطرح می‌شود که آیا تقاضای جهانی برای فرش کاهش یافته است؟

از راه‌های برون‌رفت از وضعیت مذکور، خلاقیت و نوآوری در تولید فرش دستباف متناسب با نیاز و سلیقه‌های متفاوت مشتریان و همچنین توسعه و گسترش بازارهای هدف است.

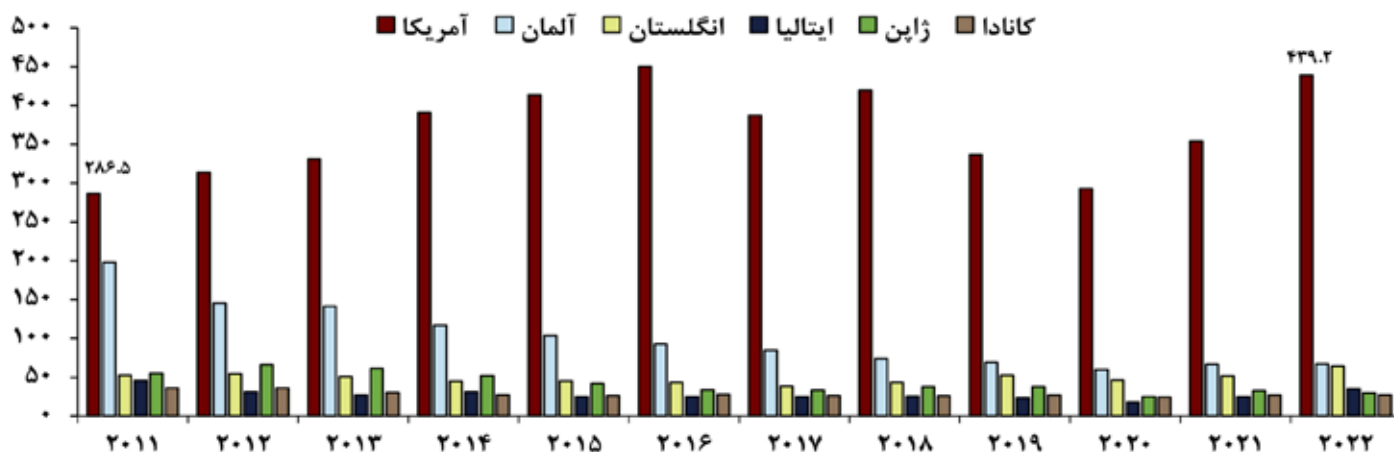
بر اساس آمار دریافتی از مرکز ملی فرش ایران تولید فرش دستباف ایران در سال ۱۴۰۱ رویه رشد بوده و حدود ۳/۵۷۳ میلیون مترمربع فرش دستباف تولید شده که نسبت به سال ۱۴۰۰، رشدی حدود ۶ درصد را تجربه کرده است.

تجارت فرش در جهان

طی سال‌های ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۲، روند عمومی صادرات جهانی فرش دستباف ذیل کد تعرفه ۵۷۰۱، نزولی بوده و میانگین رشد سالانه طی این بازه زمانی، منفی ۶/۸ درصد است.

بر اساس نمودار ۲، کمترین رقم صادرات ۸۶۴/۳ میلیون دلار و مربوط به سال ۲۰۲۰ است که کمتر از نصف سال ۲۰۱۱ است. در سال ۲۰۲۲ میزان صادرات فرش دستباف به ۱۰۲۶ میلیون دلار رسید که نسبت به سال ۲۰۲۱ رشد بسیار اندک و نزدیک به یک درصد را تجربه کرده است.

واردات جهانی فرش نیز طی سال‌های مورد بررسی روند نزولی با شیب ملایم را طی کرده و در سال ۲۰۲۲ رقم آن به ۹۸۴



نمودار ۴. واردات فرش دستباف کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ - میلیون دلار

منبع: ITC

طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ برابر با منفی ۱۹ درصد بوده است. سهم صادرات فرش دستباف ایران از کل صادرات غیر نفتی، از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۰/۰۹ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

در بازه زمانی مورد بررسی کمترین رقم صادرات محصول مزبور مربوط به سال ۱۴۰۱ بوده و بیشترین رقم صادرات به سال ۱۳۹۶ اختصاص دارد. آمار حاکی از نابسامانی و تضعیف فرش دستباف ایران در بازار جهانی است. موضوع مهم و تأثیرگذار در روند کاهش سهم جهانی فرش دستباف ایران، نه‌رکود اقتصادی بلکه به وجود آمدن رقبای جدید تولیدکننده و تبلیغات جهانی و گاهی توانمندی‌های تولیدی با داشتن هزینه تولید پایین برخی از کشورهای رقیب است؛ موضوعی که هم‌اکنون هند، پاکستان، نپال و چین از این مزیت نسبی برای تولید در مقابل ایران برخوردارند.

واردکنندگان برتر فرش دستباف ایران

براساس آمار گمرک در سال ۱۴۰۱ کشورهای آلمان با سهم حدود ۱۷/۶ درصد، امارات متحده عربی با سهم حدود ۱۷/۲ درصد و چین با سهم حدود ۱۶/۲ درصد و پاکستان با سهم حدود ۶ درصد از ارزش کل صادرات فرش دستباف عمده مقاصد صادراتی این محصول بوده‌اند. طی همین سال کشورهای چین، استرالیا و هند به ترتیب با سهم حدود ۳/۹ درصد، ۳/۸ درصد و ۳/۷ درصد از ارزش کل صادرات فرش در رتبه‌های بعدی عمده کشورهای واردکننده فرش ایران قرار می‌گیرند.

شایان ذکر است ۷۰ درصد فرش دستباف ایران از حیث ارزش به این هفت کشور صادر می‌شود. یکی از بهترین شیوه‌های ارتقای جایگاه فرش ایران در سطح بین‌المللی شناسایی بازارهای هدف این صنعت با هدف توسعه تجارت خارجی و صادرات است چراکه فراتر از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های هر کشور در تولید و صدور کالاها نقش بازارهای صادراتی و بازارهای هدف حائز اهمیت فراوانی است. عدم درک پتانسیل‌های یک کشور و عدم تشخیص بازارهای هدف مناسب، همواره فرصت‌های زیادی را از صادرکنندگان گرفته است. برخی کشورهای هدف فرش دستباف ایران مانند آلمان و امارات طی سال‌های گذشته به عنوان محلی برای صادرات مجدد فرش‌های دستباف مطرح شده‌اند که بخش زیادی از واردات فرش خود را مجدداً به کشورهای دیگر صادر می‌کنند.

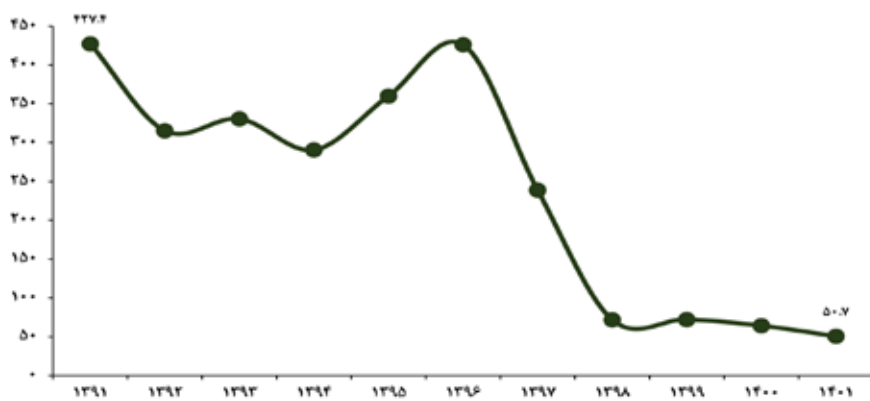
زنجیره تامین فرش دستباف

واردات فرش دستباف در جهان

در بررسی ساختار روند واردات جهانی فرش دستباف در چند سال اخیر، چهار کشور آمریکا، آلمان، انگلیس و ژاپن به عنوان مهم‌ترین واردکنندگان فرش دستباف در جهان معرفی شده‌اند. در سال ۲۰۲۲ آمریکا به تنهایی بیش از ۴۴ درصد بازار (۴۳۹ میلیون دلار) را در اختیار گرفته است. دو کشور آمریکا و آلمان بیش از ۵۰ درصد بازار را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهای انگلستان با سهم حدود ۶/۸ درصد، ایتالیا با سهم حدود ۳/۶ درصد، ژاپن با سهم حدود ۳ درصد و کانادا با سهم حدود ۲/۸ درصد به ترتیب عمده‌ترین واردکنندگان فرش دستباف هستند که فرش را عمدتاً با هدف مصرف داخلی یا صادرات مجدد وارد می‌کنند. این شش کشور جمعاً بیش از ۶۷ درصد کل تقاضای جهانی را تشکیل می‌دهند.

صادرات فرش دستباف ایران

بررسی روند صادرات فرش دستباف ایران طی دهه گذشته روند نزولی این محصول را نشان می‌دهد. براساس آمار گمرک ارزش صادرات فرش دستباف ایران از ۴۲۷/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۹۱ به ۵۰/۷ میلیون دلار در سال ۱۴۰۱ رسیده است. متوسط رشد سالانه ارزش صادرات فرش دستباف ایران به نقاط مختلف جهان



نمودار ۵. صادرات فرش دستباف ایران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ - میلیون دلار

منبع: ITC

چالش‌های موجود در صنعت فرش را می‌توان در سه محور تامین مواد اولیه، تولید فرش و توزیع، بازاریابی و فروش طبقه‌بندی کرد:

در محور تامین مواد اولیه: خام‌فروشی مواد اولیه به دلالتان خارج کشور، استفاده از مواد اولیه نامرغوب و باکیفیت پایین، عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته در تولید مواد اولیه از جمله رنگ و نخ.

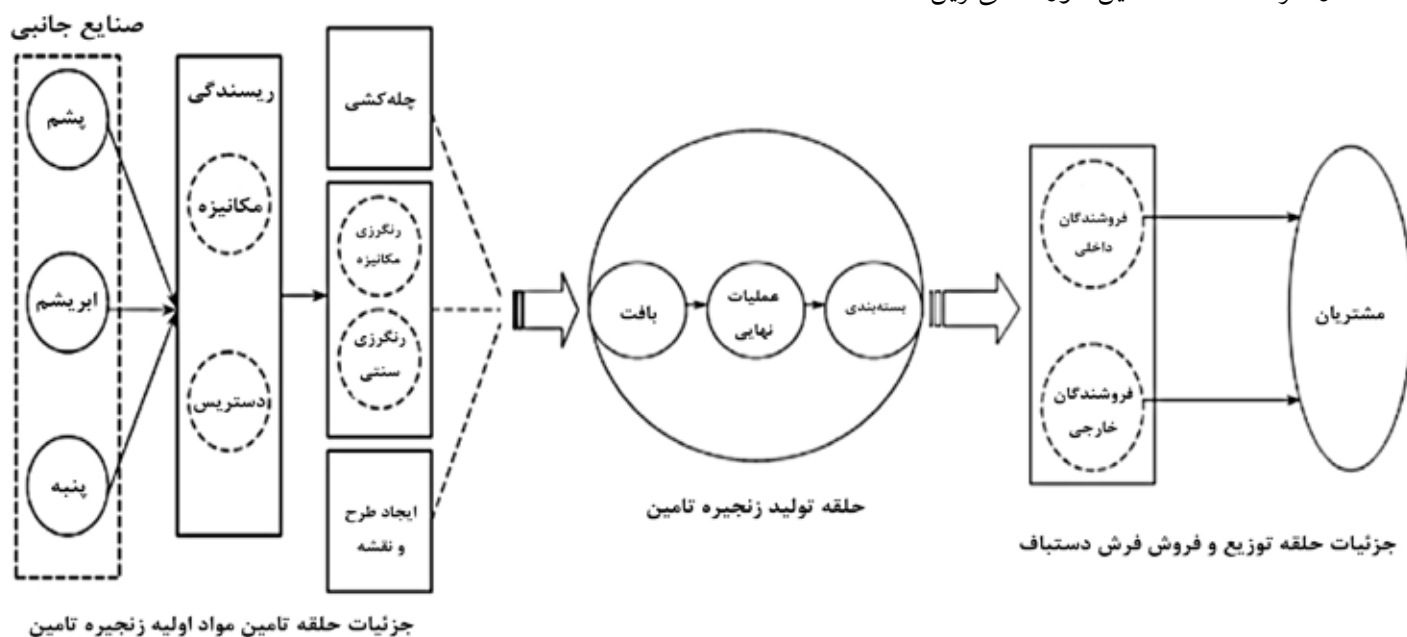
در محور تولید فرش: بهره‌گیری از محیط غیراستاندارد برای تولید فرش، کم‌توجهی به حقوق و مزایا و بیمه کارگران شاغل در این صنعت، عدم بهره‌گیری از کارگاه‌های متمرکز، عدم توجه به سلايق و نیازهای مصرف‌کنندگان، عدم دسترسی به اطلاعات و نیازهای بازار، عدم حمایت مادی و معنوی دولت از بافندگان فرش دستباف.

در محور توزیع، بازاریابی و فروش قانون تعهدارزی، رویکردهای سنتی بازاریابی، تبلیغات سنتی و عدم انطباق باشیوه‌های تبلیغاتی بازارهای مقصد، عدم رعایت استانداردهای بسته‌بندی و ارسال فرش، مسائل سیاسی و تحریم‌ها.

در اقتصاد امروز دیگر رقابت یک شرکت در برابر یک شرکت دیگر مطرح نیست، بلکه رقابت بر سر یک زنجیره با یک زنجیره دیگر است. مدیریت زنجیره تامین از مواردی است که اهمیت بسیار زیادی دارد. در صنعت فرش دستباف، زنجیره تامین را می‌توان از قسمت‌های ابتدایی زنجیره که کشاورز و سپس دامدار است شروع کرده و به قسمت‌های انتهایی آن که عمده‌فروش، خرده‌فروش و مصرف‌کننده نهایی هستند رسید. مدیریت مناسب این زنجیره می‌تواند باعث ارتقای سودآوری کل زنجیره شود. مدیریت زنجیره تامین مدیریت شبکه‌ای از کسب‌وکارهای به هم پیوسته است که در تدارک نهایی کالاها و خدمات مورد نیاز مشتریان نهایی مشارکت دارند. تقاضای فرش دستباف در دنیا به تاثیر و اثرات بین عوامل مختلفی مرتبط است که تعیین‌کننده سطح عملکرد زنجیره تامین در این حوزه از صنعت است. تنه‌زمانی که محدودیت‌های بازار شناخته شده باشند، یک واحد می‌تواند به تهیه، استخراج و توسعه استراتژی در جهت پوشش نیازهای زنجیره تامین و درواقع مشتری نهایی اقدام کند.

چالش‌های صنعت فرش دستباف

براساس مطالعات صورت گرفته اصلی و نظرات متخصصان این حوزه اصلی‌ترین



تصویر ۳. زنجیره تامین فرش دستباف



افزایش قیمت واحدهای مسکونی در ۲۱ کشور دنیا

وضعیت مسکن در جهان

گرفته‌اند، ۲۱ کشور نیز با تورم منفی مسکن روبه‌رو بوده‌اند. تورم مسکن در قطر حدود نیم درصد منفی بوده است. این رقم برای دانمارک منفی ۲/۵ درصد، انگلیس منفی ۳/۱ درصد، کانادا منفی ۷ درصد، آلمان منفی ۹ درصد و سوئد منفی ۱۲/۳ درصد بوده است.

گران‌ترین شهرهای جهان برای خرید و اجاره خانه

موناکو دومین کشور کوچک جهان است که در قلب آفریقا قرار گرفته و به عنوان گران‌ترین شهر جهان برای خرید خانه شناخته می‌شود. از مهم‌ترین علت این افزایش قیمت نیز می‌توان به محدودیت فضا و کمبود امکانات آن اشاره کرد. برای مثال قیمت یک واحد آپارتمان ۲۳۸ متری سه‌خوابه در موناکو، ۹/۹۹۰/۰۰۰ یورو است. بعد از موناکو هنگ کنگ جزو دومین کشور است که گران‌ترین خانه‌های جهان را در خود جای داده است. بازار مسکن در این شهر بسیار رقابتی است و قیمت خانه‌ها بالاست. برای مثال یک واحد آپارتمان ۹۷ متری در لیسبون پرتغال، ۳۹۳/۰۰۰ دلار است. سان‌فرانسیسکو در کالیفرنیا آمریکا قرار دارد و جزو لوکس‌ترین شهرهای دنیا به شمار می‌آید که می‌توان گران‌ترین خانه‌های جهان را در آن مشاهده کرد. از دلایل افزایش این گرانی نیز می‌توان به تقاضای بالا و محدودیت فضا اشاره کرد. برای مثال یک واحد آپارتمان ۹۰ متری، ۶۵۰/۰۰۰ دلار است.

نیویورک شهری پرجمعیت و پرتراکم است و به عنوان یکی از گران‌ترین شهرهای جهان برای خرید خانه شناخته می‌شود. بازار مسکن در نیویورک بسیار رقابتی بوده و قیمت‌ها

گران‌ترین شهرهای جهان برای اجاره خانه و خرید ملک، ممکن است با توجه به عوامل مختلف مانند موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و تقاضا، متغیر باشند. افزایش قیمت مسکن یکی از مشکلات گریبان‌گیر بسیاری از کشورهای جهان است. بررسی تغییرات قیمت مسکن در ۶۳ کشور دنیا طی یک سال منتهی به ژوئن ۲۰۲۳ نشان می‌دهد ۴۱ کشور در این دوره با افزایش ۰/۲۸ تا ۹۵/۸ درصدی قیمت مسکن مواجه بوده‌اند.

بالاترین رقم تورم مسکن در میان کشورهای مورد بررسی به ترکیه اختصاص داشته است. تورم یک ساله مسکن در این کشور ۹۵/۸ درصد برآورد شده که بیشتر از همه کشورهای مورد بررسی بوده است.

مصر با تورم ۳۳/۹ درصدی با فاصله بسیار زیاد از ترکیه در رتبه دوم قرار دارد. نرخ تورم مسکن در پاکستان نیز ۲۱/۱ درصد بوده و این کشور در رتبه سوم از این نظر قرار گرفته است. امارات با تورم مسکن ۱۶/۹ درصدی و پورتوریکو با ۱۵/۵ درصد رتبه‌های چهارم و پنجم را به خود اختصاص داده‌اند.

بر اساس این گزارش، قیمت مسکن در آمریکا در یک سال گذشته ۳ درصد، یونان ۱۴/۱ درصد، ژاپن ۱۲/۸ درصد، اسپانیا ۷/۶ درصد، سوئیس ۳/۸ درصد، چین ۲/۹ درصد، عربستان یک درصد و فرانسه ۰/۵۳ درصد افزایش یافته است.

در میان ۶۳ کشوری که مورد بررسی قرار



گرانی مسکن در ۴۱ کشور



بر اساس قیمت مسکن در ۴۱ کشور دنیا طی دوره ده ماهه منتهی به ژوئن ۲۰۲۳ نشان می‌دهد ۴۱ کشور در این دوره با تورم ۲۸ تا ۹۵.۸۸ درصدی در بخش مسکن مواجه شده‌اند. افزایش قیمت مسکن یکی از مشکلات گریبان گیر بسیاری از کشورهای جهان است.

میانگین ۴۵۲/۹۲ یورو، آپارتمان سه‌خوابه در مرکز شهر به‌طور میانگین ۱/۳۰۵/۲۶ یورو، آپارتمان سه‌خوابه خارج از مرکز ۲/۳۵۶ یورو، قیمت خرید هر متر مربع آپارتمان در مرکز شهر به‌طور میانگین ۳/۹۹۷/۵۰ یورو و قیمت خرید هر متر مربع آپارتمان خارج از مرکز به‌طور میانگین در آلمان ۲/۴۴۰/۰۵ یورو است.

اسپانیا

قیمت آپارتمان یک‌خوابه در مرکز شهر ۵۴۰/۶۹ یورو، آپارتمان (یک‌خوابه) خارج از مرکز ۴۰۰/۴۷ یورو، آپارتمان (سه‌خوابه) در مرکز شهر ۸۷۲/۳۵ یورو، آپارتمان (سه‌خوابه) خارج از مرکز ۶۵۰/۶۳ یورو، قیمت خرید هر متر مربع در مرکز شهر ۲۸۲۴ یورو و قیمت خرید هر متر مربع خارج از مرکز شهر ۱۷۷۸ یورو است.

انگلستان

نرخ آپارتمان یک‌خوابه در مرکز شهر ۷۱۷ پوند، آپارتمان یک‌خوابه خارج از مرکز شهر ۵۶۶ پوند، آپارتمان سه‌خوابه در مرکز شهر ۱۱۸۸ پوند، آپارتمان سه‌خوابه خارج از مرکز شهر ۹۲۳ پوند، خرید هر متر مربع در مرکز شهر ۳۷۹۷ پوند و خرید هر متر مربع خارج از مرکز شهر ۲۷۵۱ پوند است.

فرانسه

فرانسه در بین کشورهای گران دنیا قرار دارد. نسبت به محلی که برای زندگی انتخاب می‌کنید برای یک آپارتمان بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ یورو در ماه باید هزینه کنید. با این حال اگر می‌خواهید هزینه زندگی دانشجویی برای شما مقرون به صرفه تر باشد، می‌توان با اجاره آپارتمانی کوچک و نقلی چیزی حدود ۳۰۰ یورو در ماه پرداخت کرد. با این حال برخی هزینه‌های مسکن در فرانسه به این صورت هستند: در پاریس چیزی حدود ۱۰۵۰ تا ۱۲۰۰ یورو (هزینه‌ها برای خوابگاه دانشجویی) است. هزینه آپارتمان‌های خوب در شهر پاریس بین ۱۳۰۰ تا ۲۵۰۰ یورو است.

بالاست. یک واحد آپارتمان ۴۰۹ متری، ۶۷۰۰۰/۰۰۰ دلار است.

لندن به عنوان یکی از مراکز مهم جهانی در برابر خرید خانه قیمت بالایی دارد، اما این موضوع نمی‌تواند ارزش و جذابیت این شهر را کاهش دهد، زیرا لندن به لحاظ فرهنگی، تاریخی و اقتصادی یکی از شهرهای برجسته جهان است. برای مثال قیمت یک واحد آپارتمان ۶۴ متری، ۵۳۰/۰۰۰ پوند است.

سنگاپور یک کشور کوچک با مساحت محدود است که ساخت و ساز در آن در مقایسه با تقاضا پایین است؛ همین امر باعث می‌شود قیمت اجاره و خرید خانه در این شهر بالا باشد. برای مثال یک واحد آپارتمان ۷۹ متری در سنگاپور، ۸۰/۰۰۰ دلار است.

آلمان

میانگین هر فوت مربع قیمت مسکن در کشور آلمان بنابر لیست ارائه‌شده، ۹۸ دلار آمریکا برابر ۲۹۸ دلار و ۷۰ سنت در هر متر مربع است. آپارتمان یک‌خوابه در مرکز شهر به‌طور میانگین در آلمان ۶۷۲/۵۹ یورو، آپارتمان یک‌خوابه خارج از مرکز به‌طور



مرکز شهر ۲۸۲۰ دلار و خرید هر متر مربع خارج از مرکز شهر ۱۸۰۹ دلار است. این هزینه‌ها میانگین کلی از هزینه‌های اجاره و خرید خانه در آمریکا هستند. به طور مثال اگر بخواهیم در مورد اجاره خانه در نیویورک صحبت کنیم رقم اجاره آپارتمان خیلی بالاتر است. هزینه اجاره یک آپارتمان یک خوابه در شهر نیویورک هزینه‌ای حدود ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ دلار خواهد داشت. خرید هر متر مربع آپارتمان در شهر نیویورک از قیمت نجومی ۱۰۰۰۰ دلار آغاز می‌شود و حتی به ۲۰۰۰۰ دلار نیز می‌رسد. برای آپارتمان‌های فوق لوکس که در منطقه منهتن قرار گرفته است، این ارقام می‌تواند کاملاً تغییر کند و قیمت‌ها خیلی بالاتر نیز هستند.

کانادا

حداقل اجاره آپارتمان یک خوابه در مرکز شهر تورنتو ماهانه ۱۴۹۰ دلار کانادا و در خارج از مرکز شهر ۱۱۲۵ دلار است. برای خرید ملک در مرکز شهر ۵۳۲۸ دلار تا ۱۰۶۴۴ دلار و خرید آپارتمان در خارج از مرکز شهر ۴۸۴۴ تا ۸۰۰۰ دلار کانادا است. میانگین هزینه‌های مسکن در کانادا به این صورت هستند: آپارتمان یک خوابه در مرکز شهر ۱۱۷۲ دلار، آپارتمان یک خوابه خارج مرکز شهر ۹۶۹ دلار، آپارتمان سه خوابه در مرکز شهر ۱۹۵۹ دلار، آپارتمان سه خوابه خارج از مرکز شهر ۱۵۸۳ دلار، خرید هر متر مربع در مرکز شهر ۵۷۷۳ دلار و خرید هر متر مربع خارج از مرکز شهر ۳۹۱۰ دلار است.

استرالیا

هزینه اجاره ماهانه آپارتمان یک خوابه در مرکز شهر بین ۱۲۰۰ تا ۲۴۰۰ دلار استرالیا است، هزینه اجاره ماهانه آپارتمان یک خوابه در حومه شهر بین ۹۵۰ تا ۱۷۴۰ دلار استرالیا، هزینه اجاره ماهانه آپارتمان سه خوابه در مرکز شهر بین ۱۸۰۰ تا ۴۰۰۰ دلار استرالیا، هزینه اجاره ماهانه آپارتمان سه خوابه در حومه شهر بین ۱۴۰۰ تا ۲۶۰۴ دلار استرالیا، هزینه خرید هر متر مربع آپارتمان در مرکز شهر بین ۴۶۰۰ تا ۱۲۵۰۰ دلار استرالیا و هزینه خرید هر متر مربع آپارتمان در حومه شهر بین ۳۰۰۰ تا ۸۰۰۰ دلار استرالیا است.

خرید هر متر مربع در مرکز شهر پاریس از قیمت سرسام آور ۱۱۱۶۹ یورو آغاز می‌شود و برای خارج مرکز شهر حدود ۸۲۰۰ یورو است. هزینه مسکن در شهر نیس ماهانه بین ۷۰۰ تا ۹۲۰ یورو و در شهرهای نانت، لیون، بوردو و تولوز ماهانه بین ۶۵۰ تا ۹۰۰ یورو است.

هلند

قیمت آپارتمان یک خوابه در مرکز شهر بین ۶۷۵ تا ۱۴۷۳ یورو، آپارتمان یک خوابه خارج از مرکز شهر بین ۴۹۱ تا ۱۱۰۵ یورو، آپارتمان سه خوابه در مرکز شهر بین ۹۸۲ تا ۲۳۳۳ یورو، آپارتمان سه خوابه خارج از مرکز شهر بین ۷۹۸ تا ۱۸۴۲ یورو، خرید هر متر مربع در مرکز شهر بین ۲۴۵۶ تا ۶۱۴۱ یورو و خرید هر متر مربع خارج از مرکز شهر بین ۱۸۴۲ تا ۳۷۴۹ یورو است.

ایالات متحده آمریکا

هزینه مسکن در آمریکا از شهری به شهر دیگر متفاوت است، به طوری که هزینه تهیه مسکن از چند هزار دلار تا چند میلیون دلار متفاوت است. به طور میانگین می‌توان گفت که آپارتمان یک خوابه در مرکز شهر ۱۲۵۶ دلار، آپارتمان یک خوابه خارج از مرکز شهر ۹۹۴ دلار، آپارتمان سه خوابه در مرکز شهر ۲۰۵۸ دلار، آپارتمان سه خوابه خارج از مرکز شهر ۱۵۹۴ دلار، خرید هر متر مربع در



معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران در گزارشی منتشر کرد

تهدیدهای جدی ثبات مالی کلان ۲۰۲۳

پرتغوی سرمایه‌گذاری و خطوط اعتباری را مجدداً به خارج از حوزه ژئوپلیتیکی و کشورهای دورتر تخصیص می‌دهند. این عامل می‌تواند باعث تغییر ناگهانی گردش سرمایه و کاهش قیمت دارایی و همچنین باعث پیامدهای مرتبط برای ثبات مالی در سطح کلان شود. جدای از این اثرات کوتاه‌مدت، با کاهش فرصت‌ها در جهت تنوع ریسک‌ها، افزایش فروپاشی مالی ممکن است کشورها را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی نامطلوب آسیب‌پذیر کند و در نتیجه، احتمال بحران مالی سیستماتیک در بلندمدت را افزایش دهد. تاثیر مالی افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی ممکن است در میان کشورها یکسان نباشد. در صورت تشدید تنش‌ها و مناقشات باشرکای اقتصادی و مالی بزرگ، احتمالاً کشورهای بیشتر تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. ممکن است به دلیل ظرفیت محدود برای جذب پیامدهای نامطلوب چنین شوک‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادهایی که سیستم‌های مالی کمتر توسعه یافته‌ای دارند یا دارای ضربه‌گیرهای خارجی الزم نیستند، آسیب‌پذیر تر باشند.

در این خصوص، این گزارش به بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی به عنوان محرک‌های فروپاشی مالی و ریسک‌های ثبات مالی

افزایش تنش‌ها و مناقشات ژئوپلیتیکی باعث تشدید نگرانی‌ها در خصوص فروپاشی اقتصادی و مالی در جهان شده است. تنش‌های ژئوپلیتیکی در جهان، طی چند سال اخیر و در زمان تیره شدن روابط دیپلماتیک بین آمریکا و چین و همچنین حمله روسیه به اوکراین، افزایش یافته است.

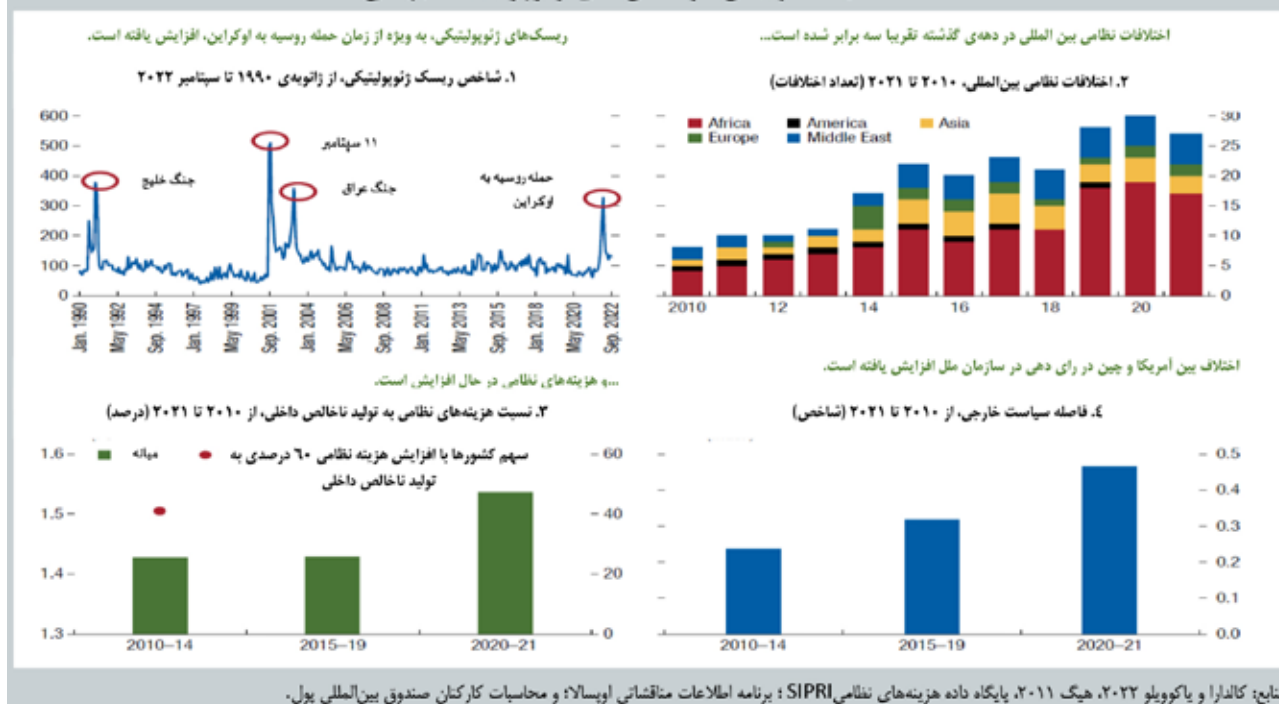
انعکاس چنین افزایشی در وقوع فزاینده تهدیدها و درگیری‌های ژئوپلیتیکی، افزایش هزینه‌های نظامی در اقتصاد و افزایش اختلاف در نحوه رای‌دهی آمریکا و چین در مورد مسائل سیاست خارجی در سازمان ملل متحد، مشهود است (شکل ۱). تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی باعث افزایش نگرانی‌هایی در خصوص فروپاشی اقتصاد منطقه‌ای شده است که می‌تواند برای اقتصاد جهانی هزینه‌بر باشد.

در حال حاضر ممکن است عوامل ژئوپلیتیکی بر چشم‌انداز اقتصادی و مالی جهان تاثیرگذار باشد. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که عوامل ژئوپلیتیکی برای ارتباطات تجارت بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است و در سال‌های اخیر و پس از اعمال محدودیت‌های جدید در تبادلات کالاها و خدمات از سوی کشورهای بزرگ، کاهش یافته است. به علاوه، به نظر می‌رسد روابط ژئوپلیتیکی برای تخصیص سرمایه برون‌مرزی نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده و سرمایه‌گذاران با داشتن چشم‌انداز سیاست خارجی نسبت به کشور خود، عموماً سهم کمتری از سرمایه خود را به کشورهای در یافت‌کننده کمک اختصاص می‌دهند.

به علاوه، با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی در سال‌های اخیر، محدودیت‌های گردش سرمایه برون‌مرزی نیز افزایش یافته و پیامدهای آشکاری برای تخصیص سرمایه بین‌المللی داشته است. برای مثال، پس از حمله روسیه به اوکراین و تحریم‌های اعمال شده آمریکا و اتحادیه اروپا بر روسیه، گردش بدهی بانکی و پرتغوی برون‌مرزی به روسیه و متحدانش (کشورهایی که در ماه مارس ۲۰۲۲ در سازمان ملل پیشنهاد محکوم کردن حمله روسیه به اوکراین را رد کردند) به شدت تغییر یافته و تخصیص‌ها به ترتیب حدود ۲۰ درصد و ۶۰ درصد نسبت به پیش از حمله روسیه، کاهش یافته است.

افزایش تنش‌ها و مناقشات ژئوپلیتیکی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر ثبات مالی در سطح کلان داشته باشد. اعمال محدودیت‌های مالی یا افزایش عدم اطمینان و ریسک‌گریزی ناشی از این تنش‌ها می‌تواند فروپاشی مالی جهانی را تشدید کند؛ چرا که سرمایه‌گذاران بین‌المللی

شکل ۱. افزایش در تنش‌های ژئوپلیتیک جهانی



کشورهای به دست آمده از تحقیق هیگ (۲۰۱۱) است. این معیار و اندازه‌گیری، نشان‌دهنده اختلاف و تضاد در رفتار رای‌دهی کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل است، به طوری که کشورهایی که الگوی رای‌دهی متفاوت‌تری دارند، از نظر ژئوپلیتیکی، دورتر تلقی می‌شوند. حساسیت نتایج به دست آمده، با استفاده از معیارهای جایگزین و براساس رفتار رای‌دهی سازمان ملل از مقاله هیگ (۲۰۱۱) و بیلی، استرنف و ووتن (۲۰۱۷) و همچنین شاخص‌های مختلفی همچون تحریم‌های مالی دو جانبه و تجارت تسلیحات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چارچوب مفهومی

تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند از طریق دو کانال کلیدی و مهم، منجر به بی‌ثباتی مالی شوند. کانال اول مستقیماً از طریق یک کانال مالی است که ناشی از محدودیت‌های اعمال‌شده بر گردش سرمایه و پرداخت‌ها (از جمله کنترل سرمایه، تحریم‌های مالی، و مسدود کردن دارایی‌های بین‌المللی) است یا از طریق افزایش عدم اطمینان و ریسک‌گریزی سرمایه‌گذاران در محدودیت‌های آتی، تشدید تنش‌ها یا سلب مالکیت است. این عوامل می‌توانند بر تخصیص سرمایه برون‌مرزی تأثیر گذار باشد و منجر به فروپاشی مالی و همچنین کاهش قیمت دارایی شوند، چرا که سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان ممکن است تخصیص سرمایه‌گذاری پرتفوی را تغییر و خطوط اعتباری برون‌مرزی به کشور رقیب (یا مجموعه‌ای از کشورها) را کاهش دهند. اگر سرمایه به طور ناگهانی تخصیص داده شود، با افزایش هزینه تامین بودجه یا ریسک انتقال بدهی و همچنین با کاهش ارزش دارایی و سودآوری کلی، می‌تواند باعث استرس یا تنش نقدینگی و پرداخت بدهی در بخش‌های مالی و غیر مالی شود که در نتیجه ثبات مالی در سطح کلان را تهدید می‌کند. از طریق یک کانال واقعی، تأثیرات کانال مالی بر ثبات مالی می‌تواند تشدید شود. به علاوه، از طریق یک کانال واقعی که تحت تأثیر محدودیت‌های تجارت بین‌الملل و انتقال فناوری و همچنین تحت تأثیر اختلال در زنجیره تامین و بازارهای کالا است، افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند به طور غیرمستقیم بر بی‌ثباتی مالی تأثیر گذار باشد. این پیامد می‌تواند بر تجارت بین‌المللی و رشد اقتصادی، تأثیر منفی بگذارد و باعث فشارهای تورمی شود. این عوامل به نوبه خود، می‌توانند بر نقدینگی و سودآوری شرکت‌های غیر مالی نیز تأثیر منفی بگذارند، ریسک اعتباری برای بانک‌ها ایجاد کنند و ثبات مالی در سطح کلان را

مرتبط می‌پردازد. ابتدای این گزارش با طرح یک چارچوب مفهومی ساده در جهت بحث در خصوص کانال‌های اصلی آغاز می‌شود که از طریق آن، تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند به فروپاشی مالی و تهدید ثبات مالی در سطح کلان منجر شوند. این گزارش با استفاده از نمونه اقتصادهای پیشرفته و بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در دودهمه گذشته، به بررسی تحولات مالی جهانی پرداخته و سه سوال کلیدی و اساسی را تجزیه و تحلیل می‌کند.

سوال اول این است که آیا عوامل ژئوپلیتیک بر تخصیص برون‌مرزی سرمایه تأثیر می‌گذارد؟ سوال دوم اینکه، آیا شوک‌های ژئوپلیتیکی و فروپاشی مالی ناشی از این شوک‌ها، ثبات مالی را در سطح کلان که با رفتار سوددهی، پرداخت بدهی و وام‌دهی بانک‌ها ایجاد می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

و سوال سوم اینکه، آیا فروپاشی مالی با کاهش فرصت‌های تنوع ریسک بین‌المللی، کشورها را در برابر شوک‌های نامطلوب، آسیب‌پذیرتر می‌کند یا خیر؟

برای به دست آوردن عوامل ژئوپلیتیک، اساساً تحلیل تجربی مبتنی بر معیار و اندازه‌گیری رایج «فاصله ژئوپلیتیک» بین

شکل ۲. تنش‌های ژئوپلیتیکی و فروپاشی مالی جهانی



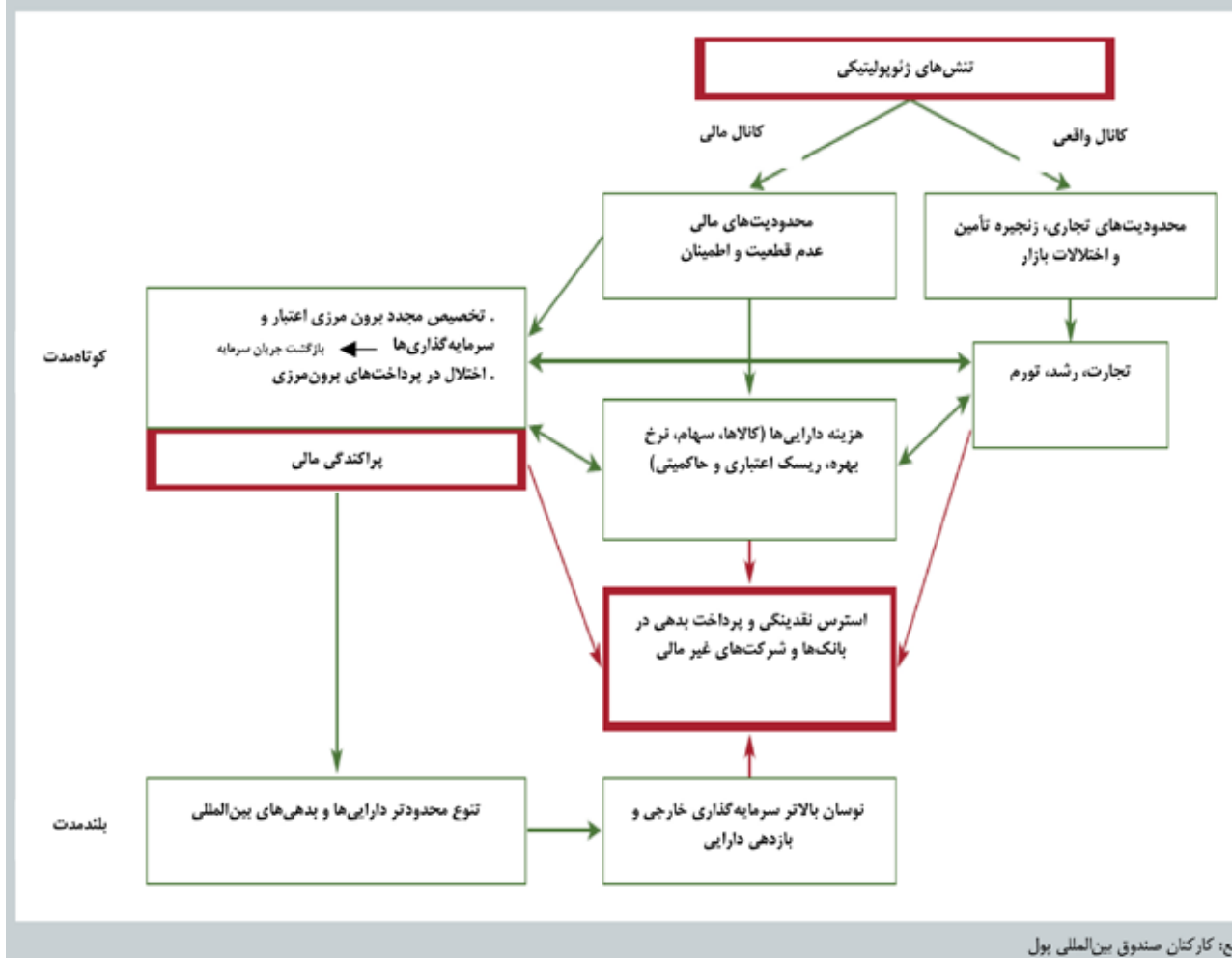
منابع: بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، آمار بانکداری منطقه‌ای، FinFlows، پایگاه داده تحریرهای مالی جهانی، موسسه مالی بین‌المللی، نظارت گردش سرمایه؛ صندوق بین‌المللی پول، نظرسنجی هماهنگ سرمایه‌گذاری مستقیم؛ صندوق بین‌المللی پول، نظرسنجی هماهنگ سرمایه‌گذاری پرتو؛ و محاسبات کارکنان صندوق بین‌المللی پول.

فروپاشی مالی با محدود کردن احتمال تنوع ریسک بین‌المللی، می‌تواند بی‌ثباتی یا نوسان گردش سرمایه در بلندمدت را افزایش دهد. بی‌ثباتی یا نوسان گردش سرمایه به نوبه خود، منجر به نوسانات بیشتر در بازارهای مالی داخلی می‌شود که سیستم‌های مالی را مستعد شوک و بحران‌های بیشتر می‌کند. تاثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی و فروپاشی مالی، به ویژگی کشورها بستگی دارد. به منظور کمک به کاهش تاثیر تخصیص مجدد و ناگهانی سرمایه خارجی و بسته به ویژگی‌های یک کشور، مثل ارتباط متقابل مالی، میزان پیشرفت مالی، اندازه ضربه گیرهای خارجی موجود، تاثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی بر ثبات مالی در سطح کلان می‌تواند بسیار نامتقارن باشد. کشورهایی که ارزش آنها معمولاً به عنوان ذخایر بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود، ممکن است در طول زمان با تغییر تمایل سرمایه‌گذاران خارجی (همچون بانک‌های مرکزی) به سمت دارایی‌های ذخیره کشورها هم‌تراز از نظر ژئوپلیتیک مواجه شوند که به طور بالقوه تاثیرات بر بازارهای مالی را بی‌ثبات می‌کنند. در برخی موارد، پیامدهای نامطلوب فروپاشی مالی ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی ممکن است تنها در صورتی کاهش یابد که به تضمین تداوم بیشتر به دسترسی منابع مالی خارجی کمک کند، چراکه کشورها از منابع مالی کمتر قابل پیش‌بینی کشورهایی دوری می‌کنند که از نظر ژئوپلیتیکی با آنها فاصله دارند و از تامین مالی باثبات و احتمالی کشورهایی استقبال می‌کنند که از نظر ژئوپلیتیکی هم‌تراز هستند. تاثیر مالی در سطح کلان تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند به کشورهای دیگری که مستقیماً در تنش‌ها و مناقشات دخیل نیستند نیز سرایت کند. تاثیرات تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند برای شرکای مالی و تجاری مهم در سراسر مرزها بازتاب داشته باشد و برای مثال، از طریق زیان در موسسات مالی، استحصال خطوط اعتباری، کاهش قیمت دارایی‌ها، تورم بالا یا رکود در فعالیت اقتصادی، در نتیجه اختلال در تجارت برون‌مرزی و زنجیره‌های تامین، ثبات مالی جهانی را به خطر بیندازد. اثرات جانبی برون‌مرزی احتمالاً در صورتی تشدید خواهند شد که تنش‌های ژئوپلیتیکی، به جای اقتصادهای کوچک‌تر با تجارت داخلی و ارتباطات

تضعیف‌کنند.

این کانال‌های واقعی و مالی، به احتمال زیاد به طور متقابل تقویت می‌شوند. ممکن است بین کانال‌های واقعی و مالی، حلقه‌های بازخوردی معکوس ایجاد شود که سرمایه‌گذاری برون‌مرزی و همچنین فعالیت اقتصادی و ارتباطات متقابل تجاری را تضعیف می‌کند. به همین ترتیب، اختلالات در بازار کالاهای فیزیکی ناشی از افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند منجر به تورم بیشتر شود که مستلزم تقویت سیاست پولی است که می‌تواند در کنار کاهش قیمت‌داری‌ها، هزینه‌های استقرار برای شرکت‌های غیرمالی را افزایش دهد و همچنین منجر به ایجاد ریسک‌های ثبات مالی شود. با محدود کردن تنوع ریسک برون‌مرزی، فروپاشی مالی ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند باعث افزایش آسیب‌پذیری اقتصادها در برابر شوک‌های نامطلوب شود. افزون بر اثر کوتاه‌مدت تخصیص مجدد سرمایه برون‌مرزی بر ثبات کلان‌مالی که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت،

شکل ۳. کانال‌های کلیدی انتقال تنش‌های ژئوپولیتیکی و ثبات اقتصاد کلان



مشکل ساز کنند. رسیدگی به تغییرات آب و هوایی نیازمند همکاری بین‌المللی در جهت تعیین تعهداتی در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای کشوری و همچنین یکپارچگی مالی عمیق جهانی است تا از سرمایه‌گذاری لازم برای کاهش و سازگاری با تغییرات آب و هوایی حمایت کند. این عامل ممکن است خطر تحول آب و هوایی نامنظم را افزایش دهد که می‌تواند خطرات سیستم‌های مالی را تشدید کند و افزایش دهد. به علاوه، رسیدگی به مشکلات بدهی خارجی بسیاری از کشورها پس از همه‌گیری کرونا، به همکاری میان‌دولتی نفع‌ان نیاز دارد که بدون آنها، هم کشورهای طلبکار و هم کشورهای وام‌گیرنده ممکن است متحمل زیان‌های قابل توجهی شوند. هدف این گزارش، بررسی کانال مالی مستقیم انتقال تنش‌های ژئوپلیتیکی است. در ادامه، این گزارش نشان می‌دهد که چگونه روابط مالی برون‌مرزی طی چند دهه گذشته تغییر و تکامل یافته است تا هرگونه نشانه نوظهور از فروپاشی فزاینده در کنار هم‌ترازی از نظر ژئوپلیتیک را اندازه‌گیری کند. سپس این گزارش نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعیین ارتباط‌های مالی برون‌مرزی و پیامدهای آنها برای ثبات مالی در سطح کلان را به طور شفاف ارزیابی می‌کند.

چشم انداز مالی جهانی

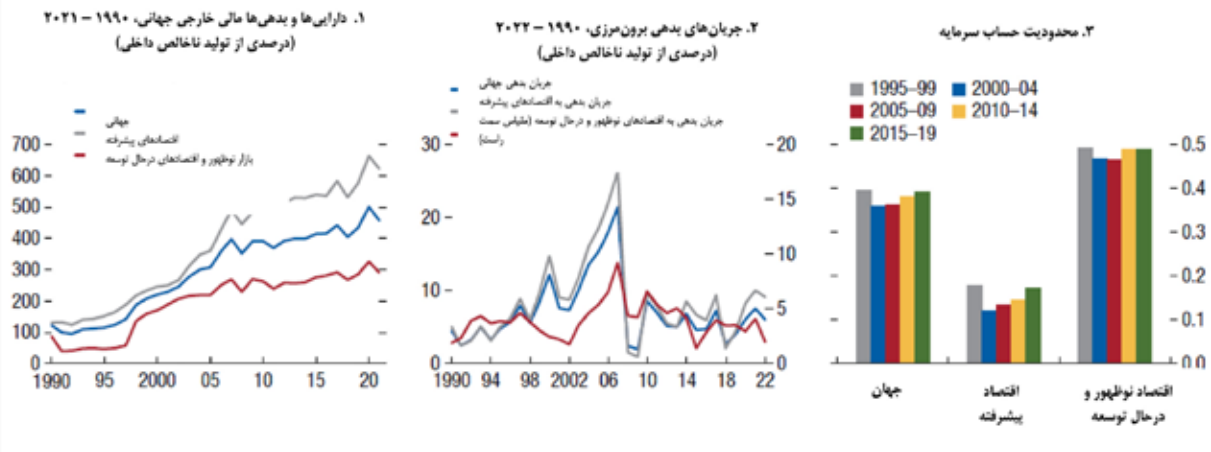
یکپارچه‌سازی مالی جهانی در آستانه بحران مالی جهانی به شدت افزایش یافت، اما از آن زمان، شدت این اتفاق کمتر شده است. با افزایش گردش سرمایه برون مرزی در اقتصادهای پیشرفته و بازارهای نوظهور و همچنین اقتصادهای در حال توسعه در بحبوحه کاهش محدودیت‌های حساب سرمایه در دهه ۱۹۹۰ و در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ مجموع دارایی‌ها و بدهی‌های مالی خارجی به سرعت گسترش یافته است (شکل ۴). این روند در آغاز

متقابل مالی، اقتصادهای بزرگ و یکپارچه جهانی را در برداشته باشند. اگرچه برخی از کشورهای «بی طرف» ممکن است بتوانند از تخصیص مجدد سرمایه ناشی از افزایش تنش های ژئوپلیتیکی بین اقتصادهای بزرگ با جذب سرمایه خارجی جدید استفاده کنند، اما تأثیرات مفید چنین سرمایه ای احتمالاً به ظرفیت جذب آنها و چارچوب سیاستی موجود در جهت مدیریت تزریق یا جریان ورودی سرمایه عظیم بستگی دارد.

تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند از طریق چندین کانال دیگر بر ثبات مالی تأثیر بگذارند. ریسک‌های صنعتی یا مدرن همچون ریسک‌ها و خطرات امنیت سایبری ممکن است در نتیجه تنش‌های ژئوپلیتیکی افزایش یابد و ثبات مالی در سطح کلان را تهدید کند. به علاوه تنش‌های ژئوپلیتیکی و فروپاشی مالی ممکن است در کنار خطوط ژئوپلیتیکی، باعث شکاف در بازارهای کالا شوند و رسیدگی به تغیرات آب و هوایی را

شکل ۴. توسعه و پیشرفت در یکپارچگی مالی جهانی

موقعیت‌های خارجی برون‌مرزی در دهه ۱۹۹۰ به شدت گسترش یافت، اما این روند از زمان بحران مالی جهانی کند شده است و با کاهش جریان سرمایه در بجهوده‌ی افزایش محدودیت‌های حساب سرمایه همراه بوده است

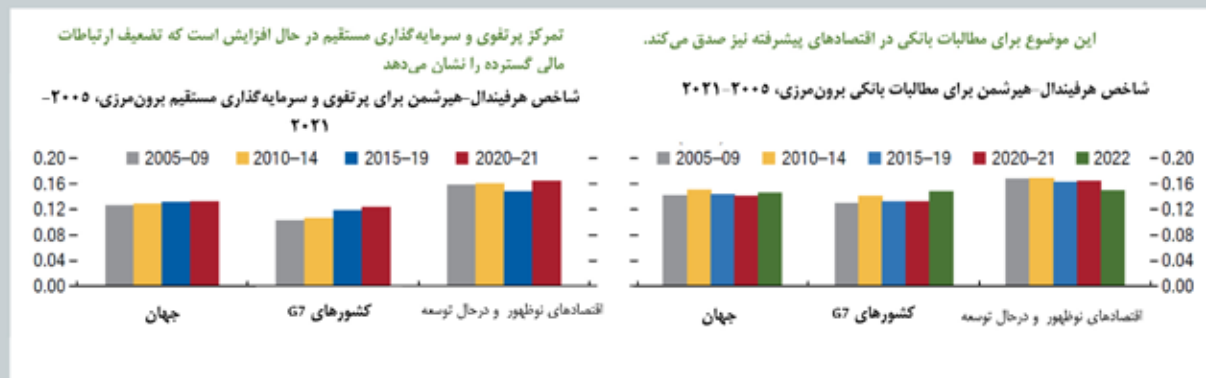


با توجه به اینکه ممکن است عوامل دیگری از جمله محدودیت‌های رسمی که به طور فزاینده‌ای بر گردش سرمایه اعمال می‌شوند نیز تاثیرگذار باشند، محدودیت‌های حساب سرمایه در جریان ورودی و خروجی سرمایه، به طور قابل توجهی از زمان بحران مالی جهان افزایش یافته و در حال حاضر، تقریباً به اندازه سطوح مشاهده شده در اوایل دهه ۹۰ میلادی، در اقتصادهای پیشرفته و نوظهور و همچنین اقتصادهای در حال توسعه، رایج است. با وجود تغییرات در گردش سرمایه برون‌مرزی، در کنار سلطه آمریکا بر بازارهای مالی، اهمیت چین نیز افزایش یافته است. سهم آمریکا در بدهی جهانی طی چند دهه گذشته به طور گسترده‌ای ثابت مانده، گرچه سهم این کشور در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش یافته است. همزمان چین و چندین مرکز مالی بین‌المللی (از جمله ایرلند و لوکزامبورگ) با افزایش قابل توجه دارایی‌های خارجی خود، در نظام مالی جهانی به جایگاه مهمی دست یافته‌اند. به طور کلی، به نظر می‌رسد ارتباطات مالی متقابل و دوجانبه در سال‌های اخیر کمرنگ‌تر شده و سرمایه‌گذاری برون‌مرزی کمتری در کشورهای متحد انجام شده است، به طوری که هم اقتصادهای پیشرفته و هم بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه تمایل دارند که روابط مالی نزدیک‌تری با اقتصادهای پیشرفته داشته باشند. اگرچه به نظر می‌رسد احتمال ریسک مالی بین‌المللی، عمدتاً به طور کلی متمرکز شده است و اقتصادهای پیشرفته مهم و اقتصادهای بازار نوظهور با کشورهای متحد کمتری

بحران مالی جهانی معکوس شد؛ زمانی که گردش سرمایه برون‌مرزی برای بسیاری از کشورها به شدت کاهش یافت. از آن زمان به بعد، یعنی زمانی که گردش سرمایه نسبت به تولید در اقتصادهای پیشرفته و در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه بسیار پایین‌تر از نقطه اوج بود، این گردش سرمایه کاهش یافته است.

ممکن است عوامل متعددی از جمله افزایش محدودیت‌های حساب سرمایه در تمامی کشورها، توضیح‌دهنده کاهش گردش سرمایه برون‌مرزی باشد. کاهش جابه‌جایی سرمایه برون‌مرزی از زمان بحران مالی، تا حد زیادی نتیجه کاهش گردش بانکی ناشی از اصلاحات ساختاری بانک‌های جهانی بوده است.

شکل ۵. ارتباطات مالی برون‌مرزی دوجانبه



شکل ۱۰. فروپاشی مالی، آسیب‌پذیری به شوک‌ها را تشدید می‌کند

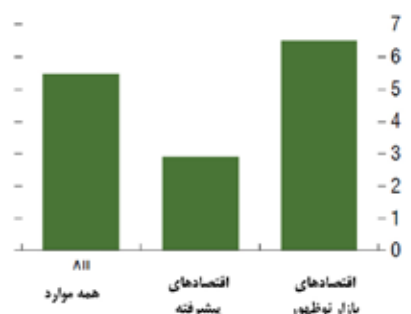
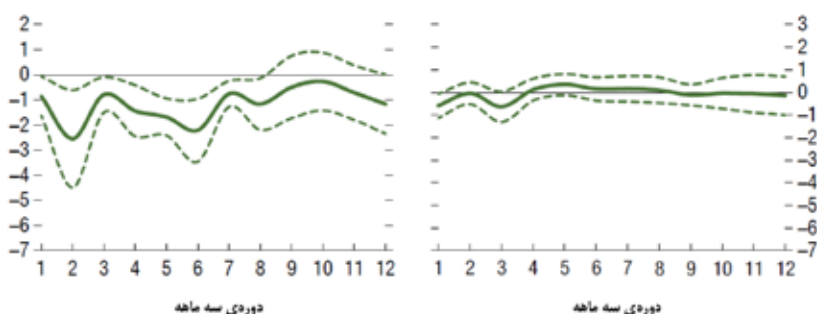
انقباض پولی در کشورهای شریک و متحد به معنی کاهش قابل توجه جریان سرمایه‌ی خالص به بازارهای نوظهور با احتمال ریسک متمرکز نسبت به آنهایی است که احتمال ریسک کمتر متمرکز دارند.

کشورهایی که احتمال ریسک خارجی متمرکزتری دارند، نوسان جریان سرمایه‌ی بیشتری را تجربه می‌کنند.

۱. افزایش نرخ سیاست خارجی و جریان سرمایه‌ی خالص به اقتصادهای بازار نوظهور: پرتغویهای خارجی متمرکزتر

۲. افزایش نرخ سیاست خارجی و جریان سرمایه‌ی خالص به اقتصادهای بازار نوظهور: پرتغویهای خارجی کمتر متمرکز

۳. نوسان جریان سرمایه خالص و تمرکز بر پرتغویهای خارجی



بین کشورها را تضعیف می‌کند. ممکن است سرمایه‌گذاران بنابر دلایل مختلف تصمیم به تخصیص سرمایه کمتر به اقتصادهایی داشته باشند که از نظر ژئوپلیتیکی در فاصله دورتری از آنها قرار دارند. از جمله این دلایل می‌توان به محدودیت‌های مالی و افزایش هزینه تعاملات، ناهمگونی اطلاعاتی، عدم اطمینان عمومی و ترس از سلب مالکیت اشاره کرد. تحلیل‌های تجربی براساس مدل گرانشی روابط مالی برون‌مرزی و دوجانبه، این موضوع را تایید می‌کنند و نشان می‌دهند کشورهای منبع سرمایه‌گذاری تمایل دارند سرمایه بسیار کمتری را به کشورهای دریافت‌کننده اختصاص دهند؛ کشورهایی که با آنها توافق کمتری در مسائل سیاست خارجی دارند.

تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی بر مطالبات بانکی برون‌مرزی و تخصیص پرتغوی، به ویژه برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری، قابل توجه است. مشخصاً کنترل کردن طیف وسیعی از عوامل دوجانبه و مختص کشورها و افزایش یک انحراف معیار در فاصله ژئوپلیتیکی بین کشور منبع و کشور دریافت‌کننده (برای مثال، همان اختلاف و تفاوت در رفتار رای‌دهی آمریکا و چین در سازمان ملل از سال ۲۰۱۶)، با کاهش حدود ۱۵ درصدی تخصیص سرمایه‌گذاری پرتغوی برون‌مرزی و دوجانبه و همچنین مطالبات بانکی همراه است. تخصیص پرتغوی برون‌مرزی صندوق‌های سرمایه‌گذاری در کشورهایی که از نظر ژئوپلیتیکی در فاصله دورتری قرار دارند، حساسیت بیشتری نسبت به تغییرات مشابه دارند و سرمایه‌گذاری‌های بیش از ۲۰ درصد کاهش می‌یابند. این تأثیرات مشروط به چندین مشخصه و ویژگی کشور دریافت‌کننده است. به خصوص اینکه تخصیص برون‌مرزی، حساسیت کمتری نسبت به تغییرات در تنش‌های ژئوپلیتیکی کشورها دارد؛ به ویژه کشورهایی که از نظر مالی پیشرفته‌تر هستند یا ذخایر عظیم بین‌المللی یا دارایی‌های خالص خارجی دارند.

بنابراین افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند باعث برگشت گردش سرمایه عظیم و بالقوه از کشورها شوند. نتایج مدل گرانشی نشان می‌دهد جریان خروجی پرتغوی و بانکی ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند از نظر تولید ناخالص داخلی کشورهای دریافت‌کننده، قابل توجه باشند. برای مثال نتایج پژوهش‌های گذشته حاکی از آن است که اگر فاصله ژئوپلیتیکی بین کشور دریافت‌کننده و تمامی کشورهای متحدی که در خصوص مسائل سیاست خارجی اتفاق نظر کمتری با هم دارند، افزایش یابد. بنابراین میانه (میانگین) جریان خروجی سرمایه‌گذاری ناخالص پرتغوی، به ازای هر واحد معادل ۱/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور دریافت‌کننده خواهد بود. این نتیجه و تأثیر می‌تواند در سطح جهانی نیز قابل توجه باشد؛ به طوری که کاهش در جریان یا گردش پرتغوی، به حدود ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کل کشورهای جهان می‌رسد. به طور کلی، نتایج پژوهش‌های مشابه در خصوص جریان و

به تجارت مالی می‌پردازند، اما واضح است که احتمال ریسک مالی برون‌مرزی در میان اقتصادهای پیشرفته در چند سال اخیر افزایش یافته است (شکل ۵). ممکن است عوامل ژئوپلیتیکی بر تخصیص سرمایه برون‌مرزی تأثیرگذار باشد. اگرچه ارتباطات متقابل مالی جهانی پیچیده بوده و عوامل زیادی در آن دخیل هستند، اما به نظر می‌رسد وابستگی‌های ژئوپلیتیکی که شباهت رفتار رای‌دهی کشورها در سازمان ملل مشخص می‌شود - در تخصیص سرمایه برون‌مرزی از اهمیت بالایی برخوردار است. به علاوه، رویدادها و اتفاقات اخیر نشان می‌دهد عوامل ژئوپلیتیکی در تعیین سرمایه برون‌مرزی حائز اهمیت است. برای مثال، به نظر می‌رسد گردش و جریان‌های مالی آمریکا به چین، واکنش به تنش‌های سیاسی فزاینده بین این دو کشور را نشان می‌دهد. اگرچه به نظر نمی‌رسد این تأثیرات تاکنون پایدار بوده باشد. با توجه به اینکه تصمیمات سرمایه‌گذاران برای تخصیص سرمایه معمولاً نشأت گرفته از عوامل جهانی و داخلی است، این گزارش در ادامه به بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی در هدایت و توجیه تخصیص سرمایه برون‌مرزی از طریق تحلیل رگرسیون می‌پردازد.

اهمیت عوامل ژئوپلیتیکی برای تخصیص سرمایه برون‌مرزی

افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی، روابط مالی

شکل ۸. تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی بر مجموع جریان یا گردش سرمایه



داشته باشند. مشخصاً اعمال تحریم‌های مالی می‌تواند حجم و جوه ارسالی به کشور تحریم شده را تا حدود ۱۷/۱ درصد در یک و نیم سال کاهش دهد، در حالی که هزینه و جوه ارسالی (هزینه‌ها و حاشیه‌های تبادل ارزی) را تا ۳ درصد افزایش می‌دهد.

تأثیر شوک‌های ژئوپلیتیکی بر افزایش ریسک‌های ثبات مالی

تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند از طریق چند کانال بر بخش بانکداری تأثیر بگذارند. درخصوص کانال اول، تغییر یا معکوس شدن ناگهانی اعتبار برون مرزی و سرمایه‌گذاری‌ها که منجر به فروپاشی مالی می‌شوند، می‌توانند ریسک‌های تجدید بدهی بانک‌ها و هزینه‌های تامین مالی را افزایش دهد. درخصوص کانال دوم، برای مقدار مشخصی از تامین مالی خارجی، عدم قطعیت و اطمینان فزاینده مرتبط با تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند اوراق قرضه بین‌کشوری و ریسک اعتباری را افزایش دهد، در نتیجه اختلالات احتمالی در ۲۰ ارزش دارایی‌های بانکی را کاهش و هزینه‌های تامین مالی آنها را افزایش دهد.

زنجیره‌های تامین و بازارهای کالاهای فیزیکی و تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی بر رشد داخلی و تورم می‌تواند بازار بانک‌ها و زیان‌های اعتباری را تشدید کند همچنین نسبت‌های سودآوری و سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. استرس یا تنش بدهی و نقدینگی احتمالاً ظرفیت ریسک‌پذیری بانک‌ها را کاهش می‌دهد و آنها را ترغیب می‌کند وام‌دهی داخلی را کاهش دهند و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی را تشدید کنند.

عملکرد بانک‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی تحت تأثیر افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی قرار گیرد. افزایش فاصله ژئوپلیتیکی بین یک کشور و متحد مالی آن، می‌تواند هزینه‌های تامین مالی بانک را به طور قابل توجهی افزایش و سودآوری آنها را کاهش دهد. علاوه بر این می‌تواند آنها را ترغیب کند قراردادهایی را برای وام‌دهی وضع کنند. این تأثیرات برای بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه بسیار وسیع‌تر هستند و بر آسیب‌پذیری بیشتر و ظرفیت محدود آنها جهت جذب چنین شوک‌هایی تأکید می‌کند. نتایج پژوهش‌ها، همچنین رفتار غیر خطی در تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی را نشان می‌دهد به طوری که هنگام افزایش تنش‌ها در رابطه با وام‌دهندگان خارجی، تأثیر کلی به ویژه برای وام‌دهی بانک‌ها بیشتر می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جدا از تأثیر شوک‌های ژئوپلیتیکی بر بانک‌هایی که نسبت سرمایه بالایی دارند (بانک‌هایی که نسبت سرمایه آنها، بالای صدک بیست و پنجم در توزیع سالیانه و خاص کشور است) در مقایسه با سایر بانک‌ها، این بانک‌ها دیگر هستند که با افزایش بسیار زیادی در هزینه‌های استقراض، کاهش سود و کاهش وام‌دهی مواجه هستند. این نتایج حاکی از آن است که ایجاد ضربه‌گیرهای سرمایه بانکی باید به عنوان یک راه موثر برای کاهش انتقال شوک‌های ژئوپلیتیکی به اقتصاد واقعی (از طریق تامین اعتبار) در نظر گرفته شوند.

گردش بانکی برون مرزی نیز صدق می‌کند. هرچند که تخمین زده می‌شود، پاسخ و واکنش به شوک‌های ژئوپلیتیکی کمتر باشد و کاهش ۰/۳ درصدی میانه (میانگین) تولید ناخالص داخلی کشور دریافت‌کننده را به دنبال داشته باشد. تحلیل مبتنی بر کل گردش سرمایه تایید می‌کند که افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند باعث معکوس شدن ناگهانی گردش سرمایه شود. این تأثیر به خصوص برای اقتصادهای بازار نوظهور مشهودتر است، که افزایش یک انحراف معیار در فاصله ژئوپلیتیکی با شرکا و متحدان مالی یک کشور، به طور میانگین، با کاهش حدوداً ۳ درصدی گردش سرمایه خالص از تولید ناخالص داخلی همراه است که برای اقتصادهای پیشرفته این میزان حدود ۲ درصد است. برای این نوع اقتصادها (اقتصادهای پیشرفته و نوظهور)، بخش زیادی از این تأثیر بر جریان سرمایه خالص، با کاهش در جریان پرتفوی همسویی دارد.

علاوه بر تأثیر آنها بر تخصیص سرمایه برون مرزی، افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند فعالیت پرداخت‌های برون مرزی را نیز مختل کند. برای مثال، تحریم‌های مالی اعمال شده در واکنش به تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند باعث افزایش هزینه انجام پرداخت‌های برون مرزی شوند و مشارکت‌پذیری پلتفرم‌های مختلف پرداخت را تضعیف کند. تحلیل مطالعه رویدادی گردش و جوه ارسالی بین‌المللی به شکل پرداخت برون مرزی نشان می‌دهد که تحریم‌های مالی می‌تواند تأثیر زیادی بر حجم و هزینه و جوه ارسالی برون مرزی



کلان داده‌ها چگونه ارزش‌های جدید اقتصادی خلق می‌کند

اقتصاد و کلان داده‌ها

از وقوع قابل پاسخگویی بودند، اکنون در همان زمان می‌توان به آنها پرداخت. بنابراین اقتصاددانان از پیش‌بینی به سمت مطالعه زمان کنونی حرکت کرده‌اند. به عنوان مثال، اکنون می‌توان از جست‌وجوهای گوگل در زمان واقعی برای پیش‌بینی تغییرات بیکاری یا از داده‌های Yelp برای پیش‌بینی الگوهای کسب‌وکار محلی استفاده کرد.

همه این موارد، آشنایی با کلان داده‌ها و روش‌های تحلیل آن را برای اقتصاددانان، صاحبان کسب‌وکار و سیاستگذاران اقتصادی ضروری می‌کند. با این حال این حوزه در کشور ما هنوز تا حد زیادی مغفول واقع شده و بسیاری از سیاستگذاران و صاحبان کسب‌وکار با مفاهیم اساسی مربوط به این حوزه آشنایی درستی ندارند. این امر اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند.

واقعیت آن است که کلان داده حوزه نوظهوری است که در آن فناوری‌های خلاقانه، راه‌های جدید برای استخراج ارزش از موج اطلاعات جدید ارائه می‌دهد. اکنون توانایی مدیریت موثر اطلاعات و استخراج دانش به عنوان یک مزیت رقابتی کلیدی در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از سازمان‌ها کسب‌وکار اصلی خود را براساس توانایی جمع‌آوری می‌کنند و تحلیل اطلاعات برای

عصر فناوری را که اکنون در آن زندگی می‌کنیم می‌توان عصر «تحول دیجیتال» نامید. رایانه‌ها، تلفن‌ها و بسیاری از فناوری‌های دیگر ارزان، قابل حمل و سریع شده‌اند و در نتیجه در همه جا وجود دارند. امروزه همه چیز به سرعت در حال تغییر است. محرک اصلی این تغییرات، مصرف‌کننده «دیجیتال» است. سرعت تغییر در ترجیحات مشتری، باعث افزایش تقاضا برای کیفیت، عملکرد و طراحی محصولات شده است.

احساسات اکنون برای مصرف‌کننده مهم هستند. الگوهای مصرف در حال تغییر هستند. این تغییر از روندهای آشکار موجود پدیدار می‌شود: تعامل از طریق دستگاه‌های هوشمند، عملکرد کسب‌وکار با سرعت بالا، افزایش تقاضا، اشباع بازارهای سنتی برای شرکت‌ها، افزایش رقابت و ظهور رقبای فناوریانه جدید. فناوری‌های منسوخ برای مدت طولانی سود زیادی به ارمغان نمی‌آورند، مدرن‌سازی آنها گران است و به منابع نسبتاً زیادی برای نگهداری آنها نیاز دارد.

بازار جهانی کلان داده‌ها بسیار سریع در حال رشد است. فعال‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داده، بخش عمومی، مراقبت‌های بهداشتی، تولید و خرده‌فروشی هستند. با این حال، حجم داده‌ها به طور تصاعدی در حال افزایش است و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۸۱ زتابایت (۱۸۱ تریلیون گیگابایت) داده مفید وجود داشته باشد. ما در آستانه عصری هستیم که هر دستگاهی آنلاین است، عصری که در آن حسگرها در جهان ما همه جا وجود دارند و جریان‌های پیوسته‌ای از داده‌ها را تولید می‌کنند، عصری که حجم انبوه داده‌های ارائه شده و مصرف شده در اینترنت به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد، عصری که اینترنت اشیا اثر انگشت دیجیتالی از دنیای ما تولید خواهند کرد.

در حالی که به طور سنتی داده‌ها فقط برای یک هدف خاص، اغلب توسط یک نهاد ملی آماری، جمع‌آوری می‌شدند، اکنون جهان به طور فزاینده‌ای در حال کمی شدن است، جایی که حتی کوچک‌ترین شرکت‌ها داده‌های دقیق و گاهی فردی را جمع‌آوری و ثبت می‌کنند. این کار از طریق اکوسیستم وسیعی از نرم‌افزارها (برنامه‌ها) و سخت‌افزار (حسگرها) تعبیه شده در دریای وسیع فناوری هوشمند از جمله تلفن‌ها، وسایل متصل به Wi-Fi، اتومبیل‌ها و ماهواره‌ها انجام می‌شود. این حجم داده‌ها به طور چشمگیری هم تنوع داده‌ها و هم سرعت ثبت داده‌ها را افزایش داده است. فرصت‌های جدید برای ایجاد مجموعه داده‌های جدید از اطلاعات بدون ساختار قبلی، مانند متن و تصاویر ماهواره‌ای، فراوان است. این توسعه زمینه‌های جدیدی از مطالعات اقتصادی را باز کرده است. سوالاتی که قبلاً فقط چندین ماه یا حتی سال‌ها پس

استخراج دانش و بینش تجاری می‌سازند. حالا دیگر پذیرش فناوری کلان‌داده‌ها در بخش‌های صنعتی یک امر لوکس نیست، بلکه یک نیاز ضروری برای بیشتر سازمان‌ها برای بقا و کسب مزیت رقابتی است و آشنایی با ابعاد مختلف آن از این حیث اهمیت دارد.

کلان‌داده چیست؟

اصطلاح «کلان‌داده» در حدود سال ۲۰۱۰ وارد واژگان اصلی شد، زمانی که مردم از سرعت تولید داده‌ها، عمدتاً از طریق استفاده از رسانه‌های اجتماعی، آگاه شدند. مهندسان و دانشمندان کامپیوتر به سرعت دریافتند که کلان‌داده را نمی‌توان صرفاً براساس اندازه تعریف کرد. در حالی که مطمئن‌اند درست است که حجم داده‌ها در طول دهه گذشته مرتباً افزایش یافته است، اما عوامل دیگری نیز چشم‌انداز اطلاعات را تغییر داده‌اند.

کلان‌داده‌ها اصول رویکردهای فن موجود را به چالش می‌کشد و نیاز به اشکال جدید از پردازش داده‌ها را ایجاد می‌کند تا امکان تصمیم‌گیری، کشف بینش و بهینه‌سازی فرآیند افزایش یابد. با بلوغ حوزه کلان‌داده، چالش‌های دیگر مانند حقیقت (کیفیت داده و عدم قطعیت)، ارزش و غیره اضافه شده است. ارزش کلان‌داده‌ها را می‌توان در زمینه پویایی سازمان‌های مبتنی بر دانش توصیف کرد، جایی که فرآیندهای تصمیم‌گیری و اقدام سازمانی به فرآیند حس‌سازی و خلق دانش وابسته است.

بهره‌برداری از کلان‌داده‌ها

اثرات کلان‌داده فراتر از دنیای تجارت است. در جامعه علمی، انفجار داده‌های موجود چیزی را ایجاد می‌کند که علم داده نامیده می‌شود؛ یک رویکرد جدید مبتنی بر داده برای کشف علمی. توانایی تلسکوپ‌ها یا شتاب‌دهنده‌های ذرات برای تولید چندین پتابایت داده در روز، مشکلات مختلفی را از نظر ذخیره‌سازی و پردازش ایجاد می‌کند. دانشمندان راه‌حل‌های آماده‌ای برای تحلیل و مقایسه صحیح مجموعه داده‌های پراکنده و عظیم ندارند. فعال کردن این چشم‌انداز به فناوری‌های نوآورانه کلان‌داده‌ها برای مدیریت داده، پردازش، تحلیل، کشف و

استفاده نیاز دارد.

داده‌ها همانند دارایی‌های سخت و سرمایه انسانی به عامل جدیدی برای تولید تبدیل شده‌اند. داشتن پایه تکنولوژیکی و ساختار سازمانی مناسب برای بهره‌برداری از داده‌ها ضروری است. اکنون تمام کشورها باید از پتانسیل داده‌های بزرگ برای ایجاد ارزش برای جامعه، شهروندان و کسب و کارها استفاده کنند و استفاده از آن می‌تواند به یک مزیت رقابتی تبدیل شود. برای افزایش رقابت‌پذیری صنایع از طریق کلان‌داده‌ها به یک استراتژی روشن نیاز است و ضرورت دارد که برای آن برنامه‌ریزی مناسب شود. عدم ورود مناسب به این حوزه، کشورها را وابسته به خارج کرده و ممکن است ذی‌نفعان را از استفاده کامل فناوری کلان‌داده بازدارد. رقابت در فناوری‌ها و راه‌حل‌های کلان‌داده به کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه، منبع جدیدی از رقابت و پتانسیل ایجاد یک صنعت جدید مرتبط با داده را می‌دهد که مشاغل جدید ایجاد می‌کند.

تحول بخش‌های صنعتی

پیش‌بینی می‌شود فواید بالقوه کلان‌داده‌ها بر همه بخش‌ها، از جمله مراقبت‌های بهداشتی، رسانه‌ها، انرژی و خرده‌فروشی تأثیر بگذارد. پتانسیل تحول مثبت در قبال تعدادی از بخش‌های کلیدی شناسایی شده است.

مراقبت‌های بهداشتی

اکنون بسیاری از جوامع به سمت سالخورده‌گی حرکت می‌کنند و تا چند دهه آینده، بحران جمعیت سالخورده یکی از بحران‌های عمومی در بسیاری از کشورها، از جمله ایران خواهد بود؛ همین امر باعث افزایش مطالبات برای توسعه زیرساخت‌های مراقبت‌های بهداشتی می‌شود. به همین دلیل نیاز فوری به توسعه و بهبود کارایی سیستم مراقبت‌های بهداشتی فعلی برای پایدارتر کردن آن وجود دارد. از آنجایی که هزینه توسعه و بهبود این سیستم‌ها می‌تواند بالا باشد، استفاده از کلان‌داده‌ها یک مزیت مهم برای این کار ایجاد می‌کند و می‌تواند باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های این کار شود. به طور مثال، در اتحادیه اروپا، استفاده از کلان‌داده‌ها می‌تواند منجر به صرفه‌جویی ۹۰ میلیارد یورویی در هزینه‌های مربوط به این بخش شود. کاربردهای بالینی کلان‌داده گسترده و وسیعی را شامل می‌شود؛ از جمله تحقیقات راجع به اثربخشی بالینی و مالی مداخلات تانسل بعدی سیستم‌های پشتیبانی تصمیم بالینی که از مجموعه داده‌های بهداشتی ناهمگن جامع و همچنین تحلیل‌های پیشرفته عملیات بالینی استفاده می‌کنند. برنامه‌های تحقیق و توسعه مراقبت‌های بهداشتی شامل مدل‌سازی پیش‌بینی‌کننده، ابزارهای آماری و الگوریتم‌هایی برای بهبود طراحی کارآزمایی بالینی، پزشکی شخصی‌سازی شده و تحلیل الگوهای بیماری‌های می‌شود.

بخش عمومی

بخش عمومی بخشی مهمی از تولید ناخالص داخلی کشورها را تشکیل می‌دهد و می‌تواند به طور قابل توجهی از کلان‌داده‌ها برای به دست آوردن کارایی در فرآیندهای اداری بهره‌مند شود. پیش‌بینی می‌شود کلان‌داده‌ها می‌توانند هزینه‌های فعالیت‌های اداری را به میزان ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش دهند. مزایای بالقوه به کارگیری کلان‌داده‌ها در بخش عمومی شامل بهبود شفافیت از طریق داده‌های باز (data open)، بهبود تدارکات عمومی، افزایش تخصیص بودجه به برنامه‌ها، خدمات با کیفیت بالاتر، افزایش پاسخگویی بخش عمومی و شهروندی با آگاهی بهتر است. برای آینده، لازم است سیاست‌هایی راجع به اشتراک گذاشتن داده‌ها در میان سازمان‌های دولتی و اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد مخاطرات بین خطرات حریم خصوصی و امنیتی ناشی از اشتراک‌گذاری داده‌ها و مزایایی که می‌تواند به دست آورند، تعریف شود. کلان‌داده‌ها همچنین با توانمندسازی شهروندان برای درک مسائل سیاسی و اجتماعی به روش‌های شفاف جدید، رابطه بین شهروندان و دولت را تغییر می‌دهد و آنها را

قادر می‌سازد تا از طریق مشارکت با مسائل محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی درگیر شوند.

امور مالی و بیمه

راه‌های مختلف برای شرکت‌های خدمات مالی وجود دارد که می‌توانند با استخراج و تحلیل داده‌ها به مزایای تجاری دست یابند. این خدمات شامل افزایش خدمات مشتری خرده‌فروشی، شناسایی تقلب و بهبود کارایی، عملیاتی می‌شود. کلان‌داده‌ها را می‌توان در طیف وسیعی از ابزارهای مالی پیچیده مانند مشتقات مالی استفاده کرد. تحلیل پیش‌بینی‌کننده داده‌های داخلی و خارجی منجر به مدیریت بهتر و پیشگیرانه طیف گسترده‌ای از مسائل، از ریسک اعتباری و عملیاتی (مانند تقلب و ریسک شهرت) گرفته تا وفاداری و سودآوری مشتری، می‌شود. یک چالش برای بخش مالی این است که چگونه از وسعت و عمق داده‌های موجود برای جلب رضایت طرفداران تنظیم‌گری بیشتر و همچنین ارائه خدمات شخصی برای مشتریان خود استفاده کند.

رسانه و سرگرمی

تکنیک‌های تحلیل و مصورسازی کلان‌داده‌ها می‌تواند ارائه محتوای رسانه‌ای موثر را امکان‌پذیر کند و تکامل کاربران را قادر می‌سازد تا به طور پویا با رسانه‌ها و محتوای جدید در چندین پلتفرم تعامل داشته باشند.

خرده‌فروشی

فرصت‌های قابل توجهی برای استفاده از فناوری کلان‌داده در تعاملات بین خرده‌فروشان و مصرف‌کنندگان وجود دارد. داده‌ها در اینجا نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند، زیرا مصرف‌کنندگان به جست‌وجو، تحقیق، مقایسه، خرید و پشتیبانی آنلاین می‌پردازند و محصولات فروخته‌شده توسط خرده‌فروشان به طور فزاینده‌ای ردپای داده‌ای خود را ایجاد می‌کنند. کلان‌داده‌ها می‌توانند بهره‌وری و کارایی را افزایش دهند که منجر به افزایش بالقوه ۶۰ درصد حاشیه عملیاتی خرده‌فروشان می‌شود. کلان‌داده‌ها می‌توانند بر خرده‌فروشی در زمینه‌های زیر

تاثیرگذارند:

بازاریابی: فروش متقابل، بازاریابی مبتنی بر مکان، تحلیل رفتار مشتریان، تقسیم‌بندی خرد مشتری، تحلیل احساسات مشتری، بهبود تجربه مصرف‌کننده چندانالی. تجاری سازی: بهینه‌سازی مجموعه، بهینه‌سازی قیمت گذاری، بهینه‌سازی مکان و طراحی. عملیات: شفافیت عملکرد، بهینه‌سازی ورودی‌های نیروی کار. زنجیره تامین: مدیریت موجودی، توزیع و بهینه‌سازی لجستیک، اطلاع‌رسانی مذاکرات تامین‌کننده مدل‌های کسب و کار جدید: خدمات مقایسه قیمت، بازارهای مبتنی بر وب.

تولید

بخش تولید اولین پذیرنده فناوری اطلاعات برای طراحی، ساخت و توزیع محصولات است. نسل بعدی کارخانه‌های هوشمند با ماشین‌آلات هوشمند و شبکه‌ای (یعنی اینترنت اشیا، صنعت ۴/۰) شاهد بهبود کارایی بیشتر در طراحی، تولید و کیفیت محصول خواهد بود. کلان‌داده‌ها از طریق محصولات دقیقاً هدفمند و توزیع موثر، نیازهای مشتری را برآورده می‌کند. علاوه بر افزایش بهره‌وری و نگهداری پیش‌بینی‌شده، کلان‌داده‌ها مدل‌های تجاری کاملاً جدیدی را در زمینه تولید انبوه محصولات فردی ایجاد می‌کند.

انرژی و حمل و نقل

کلان‌داده‌ها فرصت‌های جدیدی را با روش‌های نوآورانه برای نظارت و کنترل شبکه‌های حمل و نقل و لجستیک با استفاده از انواع منابع داده و اینترنت اشیا باز می‌کند. پتانسیل کلان‌داده‌ها در بخش حمل و نقل در سراسر جهان در قالب صرفه‌جویی در زمان و سوخت، با اجتناب از انتشار ۳۸۰ مگاتن CO₂، ۵۰۰ میلیارد دلار در سراسر جهان برآورد شده است. دیجیتال شدن سیستم‌های انرژی امکان‌دستیابی به داده‌های با وضوح بالا و در زمان واقعی را از طریق کنتورهای هوشمند فراهم می‌کند که می‌توانند در تحلیل‌های پیشرفته برای بهبود سطوح کارایی در هر دو طرف تقاضا و عرضه شبکه‌های انرژی مورد استفاده قرار گیرند. ساختمان‌های هوشمند و شهرهای هوشمند محرک‌های کلیدافزایش بهره‌وری در بخش‌های انرژی خواهند بود. فناوری کلان‌داده در بخش‌های آب و برق این پتانسیل را دارد که انتشار CO₂ را تا بیش از ۲ گیگاتن، معادل ۷۹ میلیارد یورو کاهش دهد.

صنعت تلکام یا صنایع ارتباطات، شاخه‌ای از فناوری اطلاعات و ارتباطات است که از کلیه شرکت‌های ارتباطات، مخابرات و نیز ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی تشکیل می‌شود. این صنعت امروزه نقشی اساسی در توسعه ارتباطات سیار و تکامل جوامع اطلاعاتی ایفا می‌کند.

کلان‌داده برای سیاست‌گذاری و تحلیل اقتصادی

در دسترس بودن کلان‌داده‌ها امکان بررسی سوالات طولانی مدت را با استفاده از اطلاعات دقیق‌تر در مورد رفتار اقتصادی فراهم می‌کند. این مجموعه داده‌ها امکان کشف حقایق تجربی جدیدی را فراهم می‌کند که قبلاً به دلیل کمبود اطلاعات شناخته شده نبودند.

نقش «کلان‌داده‌ها» در زمینه برنامه‌های اقتصاد دقیقاً چیست؟ کلان‌داده‌ها را می‌توان به عنوان مجموعه داده‌هایی تعریف کرد که تحلیل‌شان به سخت‌افزار محاسباتی یا ابزارهای نرم‌افزاری پیشرفته نیاز دارد. یکی از این ابزارها محاسبات توزیع شده است که پردازش یک کار را در چندین ماشین به اشتراک می‌گذارد، به جای یک ماشین واحد که معمولاً توسط اقتصاددانان انجام می‌شود. نمونه‌هایی از کلان‌داده‌های مورد استفاده در تحلیل اقتصادی، داده‌های اداری (مانند سوابق مالیاتی برای کل جمعیت یک کشور)، مجموعه داده‌های تجاری (مانند پانل‌های مصرف‌کننده) و داده‌های متنی (مانند داده‌های توئیتر یا اخبار) هستند. در برخی موارد، مجموعه داده‌ها ساختار یافته و آماده برای تحلیل هستند، در حالی که در موارد دیگر (به عنوان مثال متن)، داده‌ها ساختاری ندارند و نیاز به یک مرحله مقدماتی برای استخراج



شکل ۱- سطوح مختلف اکوسیستم کلان داده

یک کودک با مسیر درآمدهای آتی او که از داده‌های مالیاتی سرویس درآمد داخلی (IRS) به دست می‌آید، تطبیق داده می‌شود. در موقعیت‌های دیگر، کلان داده‌ها به اندازه‌گیری مقادیری اجازه می‌دهند که تاکنون نمی‌توانستیم اندازه‌گیری کنیم. حوزه‌ای که از این منابع جایگزین داده سود می‌برد، اقتصاد توسعه است. به عنوان مثال، استوریگارد (۲۰۱۶) از داده‌های ماهواره‌ای نور شب برای تخمین درآمد شهرهای جنوب صحرائی آفریقا استفاده می‌کند. یکی دیگر از ابعاد مهمی که در آن کلان داده‌ها می‌توانند به تحلیل اقتصادی کمک کنند، ارائه اطلاعاتی است که نه تنها جزئی تر بوده، بلکه در بعد زمانی نیز فراوان تر هستند. در مواقعی که شرایط اقتصاد به سرعت در حال تغییر است، سیاستگذاران برای طراحی پاسخ مناسب سیاستی به اندازه‌گیری دقیق وضعیت اقتصادی نیاز دارند؛ در روزهای ابتدایی همه‌گیری کووید ۱۹ در مارس ۲۰۲۰، درست زمانی که سیاستگذاران فشار را احساس کردند تا با وجود فقدان آمار رسمی برای اندازه‌گیری میزان رکود، اقدام به حمایت از اقتصاد کنند. کلان داده‌ها کمک می‌کنند تا این داده‌ها زودتر در اختیار اقتصاددانان و سیاستگذاران قرار گیرند. بسیاری از شاخص‌های اقتصادی مرتبط به ندرت مشاهده می‌شوند، مانند تولید ناخالص داخلی (GDP) در دفعات سه ماهه و نرخ بیکاری و شاخص تولید صنعتی در دفعات ماهانه. این متغیرها با تاخیرهایی از چند روز تا چند ماه منتشر می‌شوند. به این دلایل، کلان داده‌ها پتانسیل تولید شاخص‌هایی از شرایط کسب و کار را دارند که دقیق تر و به موقع تر باشند. به طور کلی، شرکت‌های خصوصی در حال جمع‌آوری مقادیر قابل توجهی از داده‌ها هستند که می‌تواند برای تکمیل آمار رسمی و اطلاع‌رسانی سیاست‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. همان‌طور که توسط Bostic و همکاران بحث شده است. رویکرد سازمان‌های دولتی برای تولید آمار رسمی، تا حد زیادی بر اساس نظرسنجی‌های مصرف‌کننده و تجاری است. این رویکرد دقت و نمایندگی بودن نمونه را تضمین می‌کند، اگرچه روشی گران و زمانبر است. از این رو، در دسترس بودن مجموعه داده‌های جایگزین امکان استخراج اطلاعاتی را فراهم می‌کند که می‌تواند شواهد به دست آمده از بررسی‌ها را تکمیل کند. / اتاق بازرگانی تهران

و سازماندهی اطلاعات مربوطه دارند. اقتصاددانان هنوز در مراحل اولیه تحلیل کلان داده‌ها هستند و از تحولات سایر رشته‌ها درس می‌گیرند. به طور خاص، پس از کاربردهای اولیه در دهه ۹۰ علاقه مجددی به الگوریتم‌های یادگیری ماشین (ML) وجود دارد. چگونه کلان داده‌ها می‌توانند به درک بهتر اقتصاد و حمایت از سیاستگذاری کمک کنند؟ در سطح بسیار کلی، کلان داده‌ها فرصتی را برای آشکار کردن ناهمگونی در مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها فراهم می‌کنند که معمولاً در آمارهای رسمی نادیده گرفته می‌شود. جزئیات زیاد کلان داده‌ها می‌تواند برای ساختن شاخص‌هایی که برای توضیح پدیده‌های خاص طراحی شده‌اند، به عنوان مثال، در امتداد یک بعد جغرافیایی یا جمعیتی، مورد سوءاستفاده قرار گیرد. علاوه بر این، بسیاری از مدل‌های اقتصادی مفروضاتی در مورد پارامترهای رفتاری عمیق ایجاد می‌کنند که بر آورد آنها بدون مجموعه داده‌های دقیق دشوار است. یک مثال در پژوهش چتی و همکاران (۲۰۱۴) نشان داده شده است که در آن اطلاعات فردی در مورد عملکرد مدرسه

مشکلات بنگاه‌های خانوادگی



براساس این گزارش ۷۱ درصد از مشاغل خانوادگی در آخرین سال مالی خود رشد داشته‌اند به طوری که ۴۳ درصد رشد دورقمی داشته و ۷۷ درصد نیز پیش‌بینی کرده‌اند در دو سال آینده رشد کنند. بنگاه‌های خانوادگی محدود به خطه جغرافیایی خاصی نیست و ایران نیز با الگوی ظرفیت‌های اقتصادی خود تعداد زیادی را به خصوص در حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط دارد.

اگرچه بنگاه‌های شناخته‌شده بزرگی به خصوص در حوزه صنایع غذایی و لوازم خانگی نیز وجود دارند که با مالکیت و مدیریت خانوادگی شکل گرفته و فعالیت دارند اما باید در نظر داشت با توجه به ابعاد بخش خصوصی در اقتصاد ایران و تمرکز دولت و نهادهای حاکمیتی بر بنگاه‌داری، بخش بزرگی از بنگاه‌های خانوادگی مادر سبک و کوچک و متوسط هستند که به تبعیت از وضعیت فضای کسب و کار در معرض مشکلات فراوان بوده و به دلیل ظرفیت‌های خود در مواجهه با معضلات مقاومت کمتری نسبت به بنگاه‌های بزرگ یا آنها که تحت حمایت نهادهای دولتی و حاکمیتی هستند دارند. بدون شک اشاره این یادداشت به بنگاه‌های اقتصادی است که در مسیر معمول چرخه (منحنی) رشد قرار دارند و مولید حاصل از سرمایه‌داری رفاقتی (Cronycapitalism) از تحلیل و نقد اثرگذاری این فشارها مستثنی هستند.

در ابعاد بین‌المللی بسیاری از بنگاه‌های خانوادگی به وسیله نسل‌های بعد از بنیانگذاران ادامه یافته و تقویت می‌شوند و در بسیاری موارد حتی نسبت به شرکت‌های فاقد حضور یک ساختار ثابت خانوادگی (مانند بنگاه‌های سهامی عام) در بحران‌ها بهتر عمل می‌کنند که از دلایل عمده آن قدرت بالای احساس مالکیت سهامداران و البته اقدام نسل‌های دوم و سوم در اصلاح نواقص و خلأهای نسل بنیانگذار (مانند پیاده‌سازی تئوری‌های جدید مدیریتی متأثر از تحصیلات عالیه در دانشگاه‌های معتبر و بعضاً بین‌المللی یا استفاده بیشتر و بهینه از تکنولوژی روز دنیا و حتی جسارت بیشتر در هماهنگی با تغییرات اجتماعی موثر بر جامعه و بازار مصرف) یا اتحاد کامل تصمیم‌سازان بنگاه در پاسخ به فشارهای محیطی و پشتوانه محکم در تصمیم‌سازی است که حاصل اعتماد یا پیروی از مناسبات خانوادگی و چابکی فارغ از هزار چم‌های بوروکراتیک است. اما بنگاه‌های خانوادگی در ایران در معرض یک تهدید بزرگ حاصل از کوچ سرمایه‌ای اعم از سرمایه انسانی و مالی به سبب فقدان افق روشن برای آینده هستند.

با وجود فضای کسب و کار غبار آلود در کشوری با سطح بالای نااطمینانی که هر روز شاهد تحمیل ریسک‌های جدید به شرکت‌هاست، چطور می‌شود نسبت به نحوه عبور از بحران‌های وارده در آینده برنامه مشخص داشت.

در کشوری که مبتنی بر رویکرد سیاسی-اجرایی دولت‌های مستقر، هر دوره به ظرف زمان خود سیاست‌گذاری می‌شود و اقتصاد آن غرق در تصمیمات خلق الساعه و در شرایطی بدتر سلیقه‌ای شده است، بسیار دور از ذهن است که یک بنگاه بتواند برای نسل‌های بعدی خود منشأ امید و تکیه‌گاه اقتصادی باشد.

این موضوع در کنار تهدیدات خارجی، سیاست کلان کشور در مواجهه با فشارهای بیرونی، تحریم، جنگ و مناسبات غیرخطی بین‌المللی، محیط رشد و توسعه بنگاه‌ها را (به صورت

کسب و کارهای خانوادگی در جهان بستر مناسبی است برای خانواده‌ها تا ضمن تجمیع و حفظ دارایی‌های بین‌نسلی و خانوادگی خود به ایجاد یکسری منابع مطمئن در آمدی و باز تولید سرمایه برای نسل‌های آینده در یک خانواده انجامد. گزارش شاخص ۲۰۲۳ کسب و کارهای خانوادگی که به وسیله موسسه EY با همکاری دانشگاه سنت گالن تهیه شده نشان می‌دهد که حدود بیش از ۵۰۰ کسب و کار خانوادگی شناخته‌شده و شاخص در سطح جهان، با سرعتی تقریباً دو برابر نرخ اقتصادهای پیشرو و حدود ۱/۵ برابر نرخ بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در حال پیشرفت هستند. بنابر این گزارش، آنها در مجموع با رقمی نزدیک به ۸/۰۲ تریلیون دلار درآمد، ۲۴/۵ میلیون نفر را در سراسر جهان در استخدام خود دارند.

تقریباً نیمی از تمام شرکت‌های مورد ارزیابی شاخص فوق‌در اروپا مستقر هستند. آمریکای شمالی میزبان ۳۰ درصد از مشاغل خانوادگی است و آسیا و اقیانوسیه ۱۶ درصد از مشاغل خانوادگی را در این فهرست دارند. این در حالی است که روز به روز به تعداد بنگاه‌های خانوادگی افزوده می‌شود. به طوری که تعداد شرکت‌های خانوادگی مورد بررسی در آسیا و اقیانوسیه از زمان انتشار این شاخص در سال ۲۰۱۵ به طور مداوم افزایش یافته و از ۶۱ شرکت به ۷۹ شرکت با رشدی در حدود ۲۸/۶ درصد رسیده است. در گزارش دیگری از موسسه مطالعاتی-مشاوره‌ای PwC، حجم کسب و کارهای خانوادگی شاهد بزرگ‌ترین رشد در ۱۵ سال اخیر است.

عمومی و فراگیر) پریسک کرده و طبیعتاً نسل های بعدی یک کسب و کار خانوادگی را نسبت به اصلاح امور و ایجاد یک ساختار نظام مند به خصوص در ابعاد جهانی ناامیدتر می کند.

این مسیر سخت با دست اندازی دولت در سازوکار و ساختار بازارها با هدف کسب محبوبیت و حتی مقبولیت سیاسی می تواند یک خطر بالفعل جدی برای فعالیت اقتصادی محسوب شود.

حساسیت بالای بنگاه های خانوادگی نه فقط از وضعیت موجود اقتصادی و به جهت ابعاد بنگاه و توان مقاومت آنها در برابر مشکلات، که از دو جنبه دیگر، یکی مطالعات اجتماعی و دیگری از جنبه تاریخی در حوزه اقتصاد سیاسی نیز قابل بررسی است.

برخی مطالعات و پژوهش های اقتصادی در حوزه اجتماعی و بازمینی کسب و کارهای خانوادگی از آن منظر نشان می دهد اهمیت این دیدگاه به دلیل نقش خانواده به عنوان نهاد اجتماعی، اثرگذاری و اثرپذیری و وزن آن در اقتصاد جامعه نیز بالاست. به عبارتی ارتباط متقابل خانواده و جامعه در ترکیب دو نهاد مهم اقتصادی یعنی خانوار و بنگاه بیشتر به چشم می آید. تحلیل کارکردگرایی ساختاری خانواده در اقتصاد و ظرفیت مناسب کسب و کارهای خانوادگی در مسیر توسعه اجتماعی و به طور فراگیر تر اقتصادی (اشتغال، انباشت سرمایه، در گردش انداختن سرمایه خانوارها و...) می تواند دلیل مهم جامعه شناسان برای ورود به حوزه بنگاهداری خانوادگی و بررسی فراز و فرود، تولد و مرگ و گذار آنها از مدیریت سنتی به یک بنگاه مدرن باشد.

اگرچه تاکید می شود بنگاهداری دولتی و نقش پررنگ دولت و نهادهای حاکمیتی در تصدی گری اقتصاد، ظرفیت های بخش خصوصی و از جمله بنگاه های خانوادگی را از میان برده و اثرگذاری آنها را جز در بخش خرد اقتصاد محدود کرده به طوری که به مراتب سهم آنها در صنف بسیار بیشتر از صنعت بوده و طبیعتاً عمر و عمق اثر آن نیز بسیار کمتر است. عدم تداوم نسلی بنگاه های کوچک و متوسط سبب شده تا آن تعداد از

کسب و کارهایی که در فرآیند انتقال بین نسلی حذف نشده یا با تغییراتی، خود را به بنگاه های بزرگ با فعالیت پایدار بدل کنند، زیاد نباشد.

همین نگاه سبب شده جامعه شناسان اثرات و تبعات پیشینی و پسینی انتقال بین نسلی را مورد ارزیابی قرار دهند. موانع قانونی از نوع نگاه به تقسیم ارث و فرهنگ خانوادگی، تغییرات نسلی در اندازه خانواده ها و تضعیف خانواده گرایی، کاهش اقتدار خانواده در جامعه، تغییرات سنتی از پدرسالاری به سمت فرزندسالاری و حضور بیشتر دختران و زنان خانواده در امور مدیریتی و اقتصادی و در نهایت ایجاد فاصله فیزیکی بین اعضای خانواده که ملموس ترین نشانه آن مهاجرت نسل های جوان است، ریشه های اجتماعی کسب و کارهای خانوادگی را تغییر داده و بعضاً با تهدید مواجه کرده است. اثر ماهیت فرهنگی - اجتماعی و در یک کلام نقش و هویت خانواده بر بنگاه های خانوادگی باید بر اساس عملکرد آنها در ظرف زمان خود بررسی شود.

موارد فوق الذکر این چالش را به ذهن متبادر می کند که نقش ساختارهای اجتماعی - فرهنگی، هم در جامعه و هم در درون خانواده بسیار پررنگ و در مواردی حتی غالب بر مباحث اقتصادی است.

اما جنبه تاریخی در تحلیل وضعیت بنگاه های خانوادگی موضوع دیگری است. تاریخ ایران به گواه وقایع و به زاویه نگاه تحلیلی چون دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان (هما) یک «جامعه کوتاه مدت» است. این کوتاهی عمر تاریخی است که سبب شده هدف گذاری با افق دید بلند مدت را کمتر در آن شاهد باشیم. مبحث متقارن با موضوع یادداشت حاضر، تهدید مستقیم «حق مالکیت» بنگاه ها از سوی تصمیمات حاکمیتی است که تاریخ معاصر ما خواهد بسیاری دارد از اینکه این حق در پای ملاحظات و ترجیحات سیاسی قربانی می شود. جایی که دولت (و به بیان قوی تر؛ حاکمیت) به خود اجازه می دهد در ریز و درشت تصمیمات بنگاه های اقتصادی ورود کند و هر چیزی را به تبع مناسبات سیاسی و در ذیل یک اقتصاد دستوری به آنها تحمیل کند، طبیعتاً صحبت از ثبات و پایداری دور از ذهن است.

چه آنکه در حد پایین آن، ضمانت اجرایی ثبات تصمیمات و سیاست ها به میزان حداقل ممکن باشد یا برای یک بنگاه تعیین تکلیف شود چه چیزی را به چه قیمتی بپردازد و چه در حد بالا جوانب تنبیهی و فهری منجر به سلب مالکیت یک کسب و کار شود، در هر حالتی ضعف پاسداری از حقوق مالکیت به بهانه ها و با ابزارهای مختلف سیاسی و مدیریت اقتضایی تهدیدی بنیادین برای پایداری فعالیت های اقتصادی است. به عنوان یک نمونه نه چندان قدیمی و در کمتر از نیم قرن گذشته تاریخ ایران متأثر از همین عدم پاسداری از حقوق مالکیت بحران «مصادره» را از سر گذشته است. اگر روند تاریخی نحوه مصادره بنگاه های اقتصادی در ابتدای انقلاب را مرور کنیم مشخص می شود که بخش زیادی از نادیده گرفتن حقوق مالکیت در بستر مصادره با اتکا به نظرات شخصی و تشخیص حدود به صورت سلیقه ای بوده است.

به نقل از مرحوم عزت الله سحابی (مصاحبه بهمن امویی - کتاب تاریخ اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران)، قانون حفاظت از صنایع که از سوی دولت مرحوم بازرگان در اواخر تیرماه ۱۳۵۸ به شورای انقلاب ارائه شد، صنایع کشور را به چهار دسته تقسیم کرد تا به گمان سیاست گذاران وقت روش مواجهه (بخوانید دخالت) دولت با این صنایع بر اساس این تقسیم بندی صورت پذیرد. صنایع بند «الف»؛ که به لحاظ ساختار و ماهیتشان (به گمان طراحان) نمی توانستند در کشورهای جهان سوم در دست بخش خصوصی باشند. عجیب اینکه پیشنهاد دهندگان نه فقط صنایع تسلیحاتی (دفاعی) و اسلحه سازی که حتی فولاد، پتروشیمی و خودروسازی را نیز در این گروه قرار دادند.

بند «ب» صنایعی بودند که صاحبان و شرکای آنها سابق سیاسی داشتند و بر اساس این پالایه، افرادی را که با دربار یا خارج (!!) همکاری داشتند و به ظن انقلابیون در فسادهای مالی قبل از انقلاب شریک بودند، شناسایی کردند و در این بند گنجانده شدند. بند «ج» صنایعی فاقد هرگونه فساد ثبت شده در سازمان صنایع بودند اما به سبب مشکلات مالی و مدیریتی بدون کمک و وام بانکی امکان ادامه فعالیت نداشتند. از این رو بانک ها به میزان طلب خود در صنایعی که نسبت وام به سرمایه آنها زیاد بود سهم می شدند. صنایع بند «دال» نیز صنایعی بودند که شامل

هیچ کدام از گروه بندی های فوق نمی شدند. اما نتیجه چه شد؟! تصمیم سازان مسیر را به تشخیص خود پیش بردند. بنابر همان مصاحبه صنایع مشمول بند «الف» مقرر بود «ملی» شوند، نه «مصادره». «یعنی از صاحبان صنایع خریداری شوند و به دولت تعلق پیدا کنند.» اما بعد ها دیدیم مصادره شدند.

در برخورد با صنایع مشمول بند «ب» نیز مرحوم سحابی نقل می کند که مقرر بود سهام این افراد به تملک دولت در آید و لایحه اشاره ای به مصادره نکرده بود. بنابر این شورای انقلاب به لایحه دولت اضافه می کند که سهام این افراد در هر جا که وجود دارد باید مشمول بند «ب» و مصادره شود. پیر و آن نیز مصوبه ای در شورای انقلاب صادر می شود و اسامی ۵۲ خانواده را که در صنایع قبل از انقلاب صاحب نام بودند، به عنوان مشمولان بند «ب» اعلام می کنند. در نهایت بسیاری از بنگاه هایی که مشمول شروط بند «ج» شدند یا دولت بر مبنای قانون مدیریت، برای آنها مدیر تعیین کرد، از سوی سازمان صنایع ملی ضبط شدند.

نتیجه این مصادره ها از بین رفتن سرمایه های خانوادگی (موجود در کشور و موثر بر اقتصاد) و خروج شدید سرمایه از کشور شد. سابقه برخورد های سلیقه ای، اقتضایی و متاثر از صافی های ایدئولوژیک همواره صاحبان سرمایه را نسبت به آینده نگران می کند. این در مورد نسل جوان که دنیایده تر بوده و خود را با نمونه های بین المللی مقایسه می کنند و البته بلندپروازی بیشتری دارد، بیشتر صادق است. پ

کوتاه سخن اینکه به عنوان نگارنده به دفعات و در یادداشت های مختلف تاکید داشته که فعالان اقتصادی در زمینی بازی می کنند که حاکمیت اقتصادی (دولت) برای آنها تدارک می بیند. این دو بعد تصمیم سازی و استراتژی کوتاه مدت و بلند مدت برای بنگاه، نه فقط برنامه ریزی برای فعالیت جاری که حتی زمینه سازی برای آینده بلند مدت کسب و کار را شامل می شود.

کران بالای این نگاه را شاید بتوان «امنیت» سرمایه تعریف کرد. سرمایه از «انباشت» باز تولید می شود. در فضایی که احتمال هر بحرانی برای کاهش و حتی نابودی سرمایه

وجود دارد، سرمایه فرار را بر قرار ترجیح می دهد. نمود چنین رویکردی را می توان در سقوط و حذف برندهای حاصل از کسب و کارهای خانوادگی دید. سهامداران ارشد ترجیح می دهند برای حفظ یا حتی افزایش ارزش دارایی خود بخش عمده و در مواردی (هر چند محدود و معدود) سرمایه مولد خود را کوچ دهند که به طور طبیعی این در بنگاه های خانوادگی با توافق بیشتر و سرعت عمل بالاتری صورت می گیرد.

این اقدام در میان شرکت های با اندازه کوچک و متوسط که آسیب پذیری بیشتری نسبت به تغییر شرایط و بحران ها دارند بیشتر دیده می شود. به همین دلیل است که در سال های اخیر جز مواردی، کمتر شاهد رشد برندها از مسیر شرکت های کوچک و متوسط هستیم.

از سویی صادقانه باید در نظر داشت که اگر چه نقش سیاست گذاری مهم ترین عامل بقای کسب و کارهاست اما این همه ماجرانیست؛ در کشوری که حاکمیت شرکتی هنوز جدی گرفته نمی شود به گونه ای که در میان بخش خصوصی تفکیک مدیریت و مالکیت هنوز فراگیر نشده، برندهایی که روزگاری بر پایه انتخاب، تلاش و تمرکز کارآفرینان شکل گرفته، حالا با فوت یا خانه نشین شدن مبدع و توسعه دهنده اولیه، در معرض تهدید سقوط و حتی حذف قرار می گیرند.

این مساله در بنگاه هایی که قدرت نهاد خانواده را نیز در توسعه شرکت داری و خلق ثروت به کار می برند و سرمایه اجتماعی و احساسی بالایی دارند، هم سبب توسعه و تقویت آن است و هم می تواند موجبات تضعیف و حتی شکست آنها باشد.

نسل دوم و سوم بیشتر کارآفرینان متاثر از شرایط اجتماعی و نبود انگیزه و پیشران های اقتصادی راه مهاجرت در پیش می گیرند و در نتیجه بلاتکلیفی برندهایی که غالباً به صورت خانوادگی و در نتیجه تلاش های یک کارآفرین متولد شده و رشد یافته، دور از تصور نیست.

بانگاهی به همه جوانب شاید بی راه نباشد اگر بگوئیم اینها همه اثرات جنبی و وضعی دخالت مستقیم دولت در اقتصاد و تبعات رویکرد سیاست در اقتصاد سیاسی کشور است. اقتصادی که بیمار شده فرصتی برای احیا و بازسازی خود ندارد. در این فضای بیمار کسب و کارهای خانوادگی و برندهای آنها نیز توسعه نمی یابند. بخشی از اقتصاد که سهم بزرگی در دنیا دارد و برندهایی که زمانی تاریخ توسعه صنعتی همین کشور نیز محسوب می شدند، حالا یا باید منتظر یک ناجی بنشینند تا بالاخره برای آنها فارغ از محدودیت ها و با دید بلند مدت نگاه کند، یا باید چون ارج به یک خاطره بدل شوند. معضلی که حتی رانت های معمول در اقتصادهای دستوری هم کمکی به پایداری و آینده آنها نکرده و فقط منبعی برای تامین سرمایه برای اهداف کوتاه مدت و مقطعی می شوند چرا که هر برنامه ریزی نیازمند حداقل اطمینان از وضعیت آینده اقتصادی است.

نااطمینانی از آینده و ترس از عدم ثبات و امنیت سرمایه شاید اثبات همان نقل دکتر کاتوزیان در «کوتاه مدت» خواندن جامعه ایران است.

چرا که در کنار اثر مستقیم سیاست گذاری اقتصادی کشور بر رشد، بقا و کارایی بنگاه های اقتصادی، بی ارتباط نیست اگر بگوئیم مهاجرت سرمایه (چه مالی و چه انسانی) و تغییرات مداوم و سلیقه ای مدیریت نیز تابع اثرات غیر مستقیم این نگاه حاکمیتی و سیاست گذاری آن است. تفاوتی نمی کند؛ چه اثر مستقیم آن را در نظر بگیریم چه غیر مستقیم، هر قدم حاکمیت اقتصادی می تواند به پیوست یا گسست مسیر آینده بنگاه های اقتصادی و بقا یا حذف آن منجر شود. /دنیای اقتصاد

بی نوشت ها:

1-Ernst & Young Global Limited

2-PricewaterhouseCoopers International Limited



رفع مشکلات صادراتی، امیدبخش توسعه خراسان

آزادسازی نرخ ارز و از بین بردن تفاوت نرخ آن در بازار و سامانه نیما، بسیاری از مشکلات صادرکنندگان را حل و صادرات کالا را آسان می کند.

ضرر صادرکننده تمام می شود، در صورتی که صادرکننده، ارز خود را به نرخ بازار واگذار کند، هر واردکننده ای ارز را به نرخ آزاد از بازار دریافت کرده و با آن کالا وارد خواهد کرد و در این صورت نرخ ارز هم افزایش پیدا نمی کند.

رییس اتاق مشترک ایران و تاجیکستان گفت: فضای کشور چندان صادرات محور نیست، شاید یکی از دلایل آن را بتوان نبود وزارت بازرگانی یا وزارت تجارت در کشور دانست، معتقدم که تشکیل وزارت بازرگانی آن قدر مهم است که نبود آن ما را از مسیر اصلی اقتصاد کشور دور می کند.

روشنک اظهار کرد: از آنجا که وزارت بازرگانی در کشور تشکیل نشده است، مزیت های صادراتی هر منطقه از جمله خراسان رضوی در کالاهای ساخته شده مشخص نیست، هیچ پژوهشی هم در این زمینه انجام نگرفته است که کدام کالاها مزیت صادراتی دارند یا کدام کشورها می توانند بازار خوبی برای کالاهای باشند.

رییس کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی خراسان رضوی نیز معتقد است که در مقطع کنونی، کشور به صادرات غیرنفتی نیاز مبرم دارد؛ اما اقداماتی که در این راستا صورت می گیرد، مطلوب نیست و نتیجه آن،

افزایش بیش از ۳۰ درصدی صادرات خراسان رضوی در سال جاری، رفع مشکلات صادراتی این استان را به عنوان اصلی ترین محور توسعه این خطه مرزی، در همسایگی کشورهای افغانستان و ترکمنستان ضرورت بخشیده است.

کشورهای هدف صادراتی خراسان رضوی به ترتیب افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و کشورهای آسیای میانه و همچنین امارات، عراق، کشورهای آفریقایی و جنوب شرق آسیا هستند.

این استان پنج گمرک در لطف آباد، سرخس، باجگیران، دوغارون و مشهد و ۲ بازارچه مرزی تایباد در مرز افغانستان و باجگیران در مرز ترکمنستان را دارد، همچنین خراسان رضوی در دالان شرق به غرب و شمال به جنوب قرار گرفته و مسیر عبور کامیون های ترانزیتی است. در شرایط کنونی خراسان رضوی به صادرات کالا نیاز مبرم دارد و آنچه برای استان ارزش افزوده به دنبال دارد، صادرات محصولات به ویژه کالاهای ساخته شده است، چرا که دیگر زمان صدور کالاهای خام گذشته و باید صادرات حول محور کالاهای فناورانه باشد و برای تحقق این امر نیاز است که برخی مشکلات صادرکنندگان رفع شود.

رفع تعهد ارزی، بزرگترین مشکل صادرکنندگان

به گفته رییس اتحادیه صادرکنندگان خراسان رضوی، در شرایط کنونی رفع تعهد ارزی به بزرگترین مشکل صادرکنندگان این استان تبدیل شده و در صورتی که دولت برای آن تدبیری نیندیشد، مشکلات و مسائل بیشتری گریبان صادرکنندگان را خواهد گرفت.

کاظم شیردل گفت: اگر رفع تعهد ارزی به همین منوال ادامه پیدا کند، صادرکنندگان واقعی دیگر نمی توانند در این عرصه فعالیت کنند و از چرخه فعالیت حذف می شوند، و برای مثال در صدور کالایی چون زعفران، که ارزش بالایی دارد، اگر صادرکنندگان بخواهند به صورت قانونی صادرات داشته باشند، باید رفع تعهد ارزی را انجام دهند و در صورت عدم صادرات قانونی، قاچاق زعفران به وجود می آید.

آزادسازی نرخ ارز و از بین بردن تفاوت نرخ آن در بازار و سامانه نیما، بسیاری از مشکلات صادرکنندگان را حل و صادرات کالا را آسان می کند. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی نیز در این خصوص گفت: آزادسازی نرخ ارز و از بین بردن تفاوت نرخ آن در بازار و سامانه نیما، بسیاری از مشکلات صادرکنندگان را حل و صادرات کالا را آسان می کند، ارز حاصل از صادرات باید به نرخ بازار آزاد به فروش برسد تا افراد ارز خود را از بازار تهیه کنند.

محمدحسین روشنک اضافه کرد: این که صادرکننده مجبور شود ارز را به نرخ ارزان به سامانه نیما بدهد تا واردکننده با آن ارز کالا وارد کشور کرده و به نرخ آزاد بفروشد، فقط به

آمار ۶ ماهه تجارت خارجی گمرکات خراسان رضوی



صادرات ۱۴۰۱
۹۷۴ هزار تن
۵۴۴ میلیون دلار

۳۵٪ افزایش در ارزش

۳۱٪ افزایش در وزن



صادرات ۱۴۰۲
۱۲۷۴ هزار تن
۷۳۷ میلیون دلار



واردات ۱۴۰۱
۱۴۲ هزار تن
۲۸۲ میلیون دلار

۱۵٪ افزایش در ارزش

۲۵٪ کاهش در وزن



واردات ۱۴۰۲
۱۰۷ هزار تن
۳۲۴ میلیون دلار



ترانزیت ۱۴۰۱
۹۸۴ هزار تن

۲٪ افزایش



ترانزیت ۱۴۰۲
۱۰۰۰ هزار تن

مهمترین مبادی وارداتی



مهمترین مقاصد صادراتی



عمده کالاهای وارداتی



عمده کالاهای صادراتی



تراز بازرگانی خارجی گمرکات خراسان رضوی در ۶ ماهه سال ۱۴۰۲ مثبت و معادل با ۴۱۳ میلیون دلار میباشد

انتقال بخش فنی گمرک مشهد از یک سال و نیم پیش در دست پیگیری است و با رایزنی هایی که انجام شد یک مکان جدید برای این موضوع قطعی شد.

کاهش صدور محصولات غیرنفتی و افزایش صادرات مواد خام است. در حال حاضر، پیمان سپاری ارزی مهم ترین مانع صادراتی است که با وجود مطالبه گری تشکل های بخش خصوصی، تدبیری برای حل این مساله اندیشیده نشده است.

حسین محمدیان اظهار امیدواری کرد که با تدبیر مسوولان عالیرتبه کشور، این سیاست یا به طور کلی حذف شود یا اینکه ارزش صادرکنندگان به قیمت روز از آنان خریداری شود.

ضعف زیرساختها، مشکلی که باید تدبیر

شود

ضعف زیرساختها و مشکلات واگن سالها است که گریبان خراسان رضوی را گرفته و به یک معضل اساسی تبدیل شده است، دولت تدابیر مختلفی در این زمینه اندیشیده است اما هنوز مشکلات باقی است و باید طرحی نو در انداخته شود تا بتوان روند صدور کالا از استان را تسهیل کرد.

روشنک، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی خراسان رضوی گفت: دیگر مشکل صادرکنندگان، ضعف زیرساختهای حمل و نقل است، هنوز واگن کافی برای حمل کالاهای صادراتی نداریم و این در حالی است که حمل واگن از کشورهای آسیای میانه یا عکس آن هزینه زیادی برای صادرکننده دارد و دلیلی ندارد که صادرکننده سه تا چهار هزار دلار پول نامشخص برای نوبت واگن پرداخت کند.

شیردل، رییس اتحادیه صادرکنندگان خراسان رضوی نیز گفت: لازم است زیرساختهای حمل و نقل جاده ای و ریلی در استان اصلاح شود، با توافق نامه های بین المللی می توان از این ظرفیتهای بهره بیشتری گرفت، هر چقدر این توافق نامه ها بیشتر عملیاتی شود صادرات کالا توسعه بیشتری پیدامی کند.

وی اضافه کرد: اگر قرار است دولت بخشنامه جدیدی برای حوزه صادرات ابلاغ کند، باید دست کم ۲ یا سه ماه قبل به صادرکننده اعلام شود و مشکلات سد راه صادرات را می توان از این طریق برطرف کرد.

ضرورت انتقال گمرک مشهد

چند سالی است که انتقال گمرک مشهد به بحث داغ صادرکنندگان تبدیل شده است و در این دوره با نظر استاندار خراسان رضوی تصمیم بر انتقال بخشی از گمرک به ایستگاه راه آهن مشهد گرفته شده است، اما نظر هادر این باره متفاوت است.

ناظر گمرک خراسان رضوی در این خصوص گفت: ادامه فعالیت گمرک راه آهن مشهد به دلیل واقع شدن در مرکز شهر و شلوغی جمعیت، توجیهی نداشت که در همین راستا با پیگیری های استاندار، مدیران راه آهن و بخش خصوصی، این ادغام در حال انجام است.

انتقال بخش فنی گمرک مشهد از یک سال و نیم پیش در دست پیگیری است و با رایزنی هایی که انجام شد یک مکان جدید برای این موضوع قطعی شد. جواد جعفری افزود: قرار



خصوصی از راه آهن و گمرک است که امکانات مناسبی در گمرک شهید مطهری به کار گرفته شود تا شرایط صادرات و واردات تسهیل گردد. ضروری است در ابتدای امر، امور نرم افزاری در راه آهن انجام شود و پس از فراهم شدن زیر ساخت ها، انتقال گمرک راه آهن به ایستگاه شهید مطهری انجام گیرد.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی خراسان رضوی نیز گفت: ۱۷ سال است که گفته می شود گمرک باید از داخل مشهد خارج شود و در سالهای گذشته بارها مطرح شده بود که اداره گمرک می خواسته زمینی را از آستان قدس رضوی در "تپه سلام" مشهد خریداری کند تا گمرک مشهد به آنجا منتقل شود. روشنک افزود: اکنون استاندار نیز با جا به جایی بخشی از گمرک مشهد به ایستگاه شهید مطهری موافقت کرده و این در حالی است که زیر ساخت ها و امکانات کافی در مکان جدید وجود ندارد، از سوی دیگر اگر هم آستان قدس رضوی در ایستگاه "تپه سلام" اقدام به ساخت گمرک کند، هزینه کالاهای صادراتی افزایش می یابد زیرا در هر صورت آستان قدس رضوی یا هر بخش غیر دولتی هزینه هایش را از صادر کنندگان تامین خواهد کرد. وی ادامه داد: بهتر است به جای انتقال گمرک به ایستگاه شهید مطهری، که هزینه زیادی دارد، همان توافق ۱۷ سال قبل بین گمرک و راه آهن پیگیری و اجرا شود.

رشد صادرات کالا از خراسان رضوی

با این اوصاف صادرات کالا از خراسان رضوی در ۶ ماهه نخست امسال افزایش یافته است، وضعیت آمار و ارقام گمرک گویای شرایط بهتری نسبت به سال گذشته است به طوری که تراز بازرگانی گمرک های استان در نیمه نخست امسال مثبت و ۴۱۳ میلیون دلار شده است. ناظر گمرک خراسان رضوی در این باره گفت: میزان صادرات کالا در نیمه اول امسال از گمرک ها و بازارچه های مرزی استان در مقایسه با مدت مشابه پارسال به لحاظ وزن ۳۱ درصد و در ارزش ۳۵ درصد رشد داشته است و در این مدت یک میلیون و ۲۷۴ تن کالا به ارزش ۷۳۷ میلیون دلار از استان صادر شده است.

جعفری، مهمترین کشورهای مقصد کالاهای صادراتی خراسان رضوی را افغانستان، ترکمنستان و تاجیکستان عنوان و بیان کرد: عمده کالاهای صادراتی زعفران، پسته و تخم خوراکی پرندگان بوده است.

وی افزود: در نیمه نخست امسال ۱۰۷ هزار تن کالا به ارزش ۳۲۴ میلیون دلار به استان خراسان رضوی وارد شده که در مقایسه با مدت مشابه پارسال در وزن ۲۵ درصد کاهش و در

براساس آمار ۴۹ درصد از صادرات استان در ۶ ماهه نخست امسال مربوط به صنعت، ۲۷ درصد کشاورزی، ۱۷ درصد معدن و صنایع معدنی، ۶ درصد پتروشیمی یک درصد فرش و صنایع دستی بوده است.

است بخش فنی گمرک مشهد به ایستگاه شهید مطهری منتقل شود و این موضوع از ۱.۵ سال گذشته در دست پیگیری است و با رایزنی هایی که انجام گرفت یک مکان جدید برای آن قطعی شده و امکانات و تاسیسات و زیر بناها در حال فراهم شدن است تا مشکلاتی برای صادرات و واردات در این بخش ایجاد نشود، همچنین در نظر است که از ظرفیت ریلی برای صادرات و واردات کالا در ایستگاه شهید مطهری بهره گرفته شود.

رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی خراسان رضوی در خصوص انتقال گمرک راه آهن مشهد به ایستگاه شهید مطهری گفت: راه آهن و گمرک باید امکاناتی فراهم کنند تا هزینه واردات و صادرات کاهش یابد. پیش از این مقرر شده بود که خدمات در گمرک شهید مطهری به قدری تقویت شود که فعالان اقتصادی ترجیح دهند از این گمرک استفاده کنند؛ اما تاکنون چنین نشده است.

محمدیان افزود: تقاضای ما از استاندار خراسان رضوی پیگیری این دغدغه بخش

فراز و فرود تجاری ایران و ...

۲۷۱۱۱۹۰ مهم ترین کالای صادراتی ایران به ترکیه بوده و سهم حدود ۴۱ درصد از کل ارزش صادرات بدون نفت خام به ترکیه را به خود اختصاص داده است. پس از این کالا، «آلومینیوم» با کد تعرفه ۷۶۰۱۱۰۰ و «سایر اوره حتی به صورت محلول در آب» با کد تعرفه ۳۱۰۲۱۰۹۰ مهم ترین کالاهای صادراتی ایران به ترکیه طی بازه مذکور هستند که مجموعاً حدود ۱۷ درصد از ارزش صادرات بدون نفت خام ایران در سال ۱۴۰۱ را تشکیل می دهد. به طور کلی بررسی کالاهای صادراتی ایران به ترکیه در سال ۱۴۰۱ نشان می دهد که صادرات به این کشور از تنوع زیادی برخوردار نبوده و ۱۰ قلم کالای عمده صادراتی ایران به این کشور حدود ۷۹ درصد از کل ارزش صادرات کالایی آن را تشکیل می دهند.

آمارهای گمرک ترکیه، عمده گروه کالایی وارداتی ایران از ترکیه را ذیل فصول ۸۴ «راکتورهای هسته ای، دیگ های بخار آب گرم و ...»، «الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیر یکسره» و «ماشین آلات و دستگاه های برقی و اجزاء و قطعات آنها و ... طبقه بندی می کند که حدود ۳۰ درصد از ارزش واردات ایران از این کشور را در سال ۲۰۲۲ شامل می شود.

مطابق با آمارهای گمرک ایران در سال ۱۴۰۱، مهم ترین کالای وارداتی از ترکیه، ۳۴۹ هزار تن «روغن دانه آفتابگردان، روغن گلرنگ یا زعفران کاذب، خام» به ارزش ۶۷۱ میلیون دلار و با کد تعرفه ۱۵۱۲۱۱۰۰ بوده که سهم حدود ۱۱ درصد از کل ارزش واردات ایران از این کشور را تشکیل می دهد. پس از این کالا، «تراکتورهای بی جاده ای برای نیمه تریلرها» و «ذرت دامی» به ترتیب با سهم حدود ۸ درصد و ۴ درصد، عمده کالای وارداتی از ترکیه هستند.

همان طور که ملاحظه می شود رشته فعالیت های مهم و کلیدی مورد نظر این مطالعه، به ترتیب در سال های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ سهم حدود ۲۹ درصد، ۵۴/۵ درصد و ۶۴/۵ درصد از ارزش صادرات بدون نفت خام به ترکیه را به خود اختصاص داده اند. این در حالی است که در میان فعالیت های کلیدی مدنظر، ایران تنها توانسته در صادرات مواد معدنی و محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته به آن عملکرد بهتری داشته باشد؛ به گونه ای که در سال های مذکور سهم آنها از ارزش ۷ قلم کالای کلیدی ذکر شده بالای ۹۰ درصد بوده است. شایان ذکر است، صادرات این دو گروه کالایی از حدود ۴۰۴ میلیون دلار در سال ۱۳۹۹ به ۳/۴ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰

(افزایش ۷۳٪ برابری) و ۴/۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲

(افزایش ۱/۴٪ برابری) رسیده است. لازم به تاکید است، در سال ۱۳۹۹، اقلام مربوط به فصل ۲۷ در آمار گمرک به دلیل محرمانه بودن درج نشده است. / اتاق بازرگانی تهران

ارزش ۱۵ درصد افزایش یافته است، مهمترین مبادی وارداتی کالا به خراسان رضوی در ۶ ماهه نخست امسال امارات متحده عربی، چین و هلند و عمده کالاهای وارداتی نیز تلفن همراه، پنبه و نخ بوده است.

بر اساس آمار ۴۹ درصد از صادرات استان در ۶ ماهه نخست امسال مربوط به صنعت، ۲۷ درصد کشاورزی، ۱۷ درصد معدن و صنایع معدنی، ۶ درصد پتروشیمی یک درصد فرش و صنایع دستی بوده است. رییس اداره بازرگانی خارجی اداره کل صمت خراسان رضوی نیز گفت: بر اساس آمار ۴۹ درصد از صادرات استان در ۶ ماهه نخست امسال مربوط به صنعت، ۲۷ درصد کشاورزی، ۱۷ درصد معدن و صنایع معدنی، ۶ درصد پتروشیمی و یک درصد فرش و صنایع دستی بوده است.

محمدعلی امیرفخریان اضافه کرد: این در حالی است که ۵۲ درصد از صادرات کشور مربوط به حوزه پتروشیمی، ۲۶ درصد معدن و صنایع معدنی، ۱۵ درصد صنعت و هفت درصد کشاورزی است. پ

وی افزود: گروه های کالایی اصلی صادراتی استان شامل پتروشیمی، صنعت، فرش، صنایع تبدیلی، کشاورزی، معدن، صنایع معدنی و ... بوده است، نکته قابل توجه آن است که بیشترین صادرات ما مربوط به حوزه صنعت می شود چنان که ۳۶۰ میلیون دلار صادرات استان یعنی ۴۹ درصد از صادرات استان مربوط به حوزه صنعت بوده است.

وی به توسعه روابط خارجی و اعزام هیاتها در نیمه نخست امسال اشاره و بیان کرد: علاوه بر اعزام هیات تجاری استان به افغانستان که در هفته گذشته صورت گرفت، طی روزهای آتی، هیاتی به ترکمنستان اعزام خواهد شد و از آنجا که این همسایه جزو بازارهای هدف صادراتی ما است امیدواریم فعالان اقتصادی از این سفر استقبال کنند.

امیرفخریان به اعزام و پذیرش هیات های تجاری اشاره و اظهار کرد: ۲۶ هیات را در ۶ ماه نخست امسال اعزام یا پذیرش کرده ایم که این رقم در قیاس با دیگر استان ها بی نظیر بوده است، از ابتدای امسال این استان پذیرای ۲ یا سه هیات تجاری از چین بوده و در مقابل قرار است در نیمه دوم امسال هیاتی از خراسان رضوی به ریاست استاندار یا معاون اقتصادی وی به چین سفر کند.

رییس اداره بازرگانی خارجی اداره کل صمت خراسان رضوی افزود: خوشبختانه تعامل خوبی میان اتاق بازرگانی و این اداره کل به جهت برگزاری دوره های آموزشی و مشاوره ایجاد شده که این اتفاق در کمتر استانی دیده می شود. آموزش قوانین صادرات و واردات، برگزاری همایش ها و میزهای کالایی با کشورهای هدف، برگزاری دوره های ITC و ... از مهم ترین اقدامات مشترک بین این ۲ دستگاه بوده است. / توس اکو

DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سآمد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمآلدئید (UF)

رزین ملامین فرمآلدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: کیلومتر ۲۷ بزرگراه قوچان

صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۴۵۶۶

تلفن: (۰۵۱)۳۱۶۶۹ (خط ۴۰)

فکس: (۰۵۱)۳۲۴۶۳۱۴

دفتر تهران: تلفن: ۸۸۷۷۴۲۵۵ (۰۲۱)

۸۸۷۹۰۶۶۹، ۸۸۷۹۰۶۸۰

فاکس: (۰۲۱)۸۸۷۹۵۲۹۵



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب درشید
اتصال ناگسستی در صنایع ایران